

رئیس آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - در اینجا آقای وزیر مالیه تصدیق کردند که این طلب هم موقوفه است و مجلس شورای ملی هم تصویب کرده است که مطالبات موقوفه داده شود این مطلب هم موقوفه است ما مخصوصاً در نظر داریم که در وزارتخانه های طبقاتی هستند یک طبقات ضلعائی دارند و یک طبقات افنیاء

طبقات افنیاء آن مدیر کله هستند که حقوق های گراف میگیرند و وضع آنها هستند که سی تومان رسمی و پنج تومان حقوق دارند

این طبقات در وزارتخانه ها حقوقشان بانی مانده عرض میکنم حالا که دولت تصمیم دارد که مطابق تصویب مجلس شورای ملی حقوق موقوفه را بپردازد این بیست هزار تومان هم در جزء پرداخت حقوق موقوفه تمام مات و تمام کارکنان وزارتخانه ها بپردازد

رئیس آقای تدین

تدین - بیانات مخالفت آقا سید یعقوب که شده است با تعبیر عبارت و الفاظ و جواب آقایان هم داده شده است و بنده فقط از نظریک حملاتی که متأسفانه بعضی اعضاء کمسیون بودجه بکمیسیون کرده کردند میخواهم دفاع کنم

این يك فرمول تازه است که پیداشده است که حمله بشود يك کمیسینی که خودشان عضو آن کمسیون هستند خوب وقتی که مخالف هستند میکنند بگویند من در کمسیون بودجه مخالف بودم

حالا هم مخالفم و بالاخره در مرتفع ترین جاهای دنیا می ایستم و اعلام میکنم که من مخالفم ولی نباید بیک عده از آقایان خودشان حمله کنند آن هم حملات بی مورد

آقای میرزا شهاب باید بدانند که کمیسیون بودجه کمیسیون مثبت و عملی است چنه منفی هیچ ندارد و اگر بخواند بجنبه منفی اهمیت بدهد يك قدم نمیتواند بردارد و اینکه می فرمایند صورت جزع را من ندیده ام و باید ببینم

اولاً کمسیون اکثریتش حاکم است اگر اکثریت کمسیون لازم میدانست این اظهار را میکرد تا نایباً حالا موقع صورت جزع خواستن نیست زیرا کمالاً طبعانان بیسین امریکائی هست که منتهای دقت را میکنند در پرداخت وجه دولت هم طرف اعتماد است

رئیس آقای يك قدری از مطالب خارج شدید

تدین - خوب بنده عرض کردم بیانات آقا سید یعقوب حمل برهان جنبه منفی است دولت و رشکست نشده است يك نفر نماینده نباید همچو حرفی بزند مطالبات دولت باید داده شود نهایت سیاست دولت

میرزا شهاب فرمودند این مطلب در مجلس هم سابقه دارد خیلی از شهریه ها و مستمرات هست که مجلس ضبط کرده است

این يك چیزی نیست که تازه مجلس آمده باشد که ایشان مخالفت میکنند این معمولست که دولت يك طرفی را ضبط میکنند و يك طرفی را می دهد حالا بموجب يك ماده دیگر پیش نهاد کرده است که بیست هزار تومان داده شود بقیه اش هم ضبط شود

رئیس - پیش نهاد شده است تنفس داده شود

آقایان کینه تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

(در این موقع چند نفر از آقایان نمایندگان از مجلس خارج شدند)

رئیس - چون عده برای رای گرفتن کافی نیست چند دقیقه تنفس داده می شود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از بیست و پنج دقیقه ادامه گرفت)

رئیس - باید رای بگیریم بقیه را بخواهد بودن پیش نهاد آقای آقا میرزا شهاب مجدداً قرائت می شود

(شرح سابق خوانده شد)

رئیس - رای می گیریم پیش نهاد آقای آقا میرزا شهاب آقایانی که قایل توجیه می دانند قیام فرمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - قایل توجیه نشد رای میگیریم بماده سوم آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

مذاکرات راجع بکلیات است در کلیات مخالفی نیست

(گفتند - خوب)

رئیس - رای میگیریم بماده با ورقه آقایان موافقین ورقه سفید والا عبود خواهند داد

(اغذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بطریق ذیل حاصل شد)

موافقین آقایان: میرزا محمد خان معظمی، حاج میرزا عبدالرهاب - فتح الله میرزا هرمزی، میرزا سید احمد خان اعتبار، جهانشاهی، خواجوی، اسمعیل خان اسانلو، مفتی، میرزا معدود خان وحید، تدین، دکتر حسین خان بهرامی، معدودی خان اسدی

میرزا محمد حسین صدرائی، میرزا سلیم خان ایزدی، حاج میرزا علی رضاقمی، میرزا احمد خان اخگر، میرزا بدالله خان، میرزا جواد خان خونی، میرزا حبیب الله خان کالوند

میرزا احمد خان تابکی، سید عبدالعلی

میرزائی، حاج آقا صارفیه، میرزا یوسف خان عدلی، حبیب الله خان شادلو، مرتضی قلی خان بیات، میرزا محمد تقی بهار، عباس میرزا فیروز، اکبر میرزا، اسمعیل وکیل میرزا صادق خان اسکندر

حاج حسن آقا ملک، میرزا حسنخان مستوفی، ابوالحسن خان پیرنیا، میرزا حسین خان اسفندیاری، حسعلی خان فرمند، میرزا علی خان خطیبی، ذوالقدر، میرزا رضا خان حکمت، میرزا عبدالعزیز صدر، میرزا حسین خان دادگر

از باب کجسرو، اطف الله خان تقوایی، سید ابوالفتح علوی، آقا سید مصطفی بهبهانی، سید الله خان اسکندری، آقا شیخ هادی طاهری، سید کاظم یزدی، سید حسنخان زعیم، حاج میرزا یحیی دولت آبادی، حیدر قلی میرزا حشمتی، محمد علی میرزا، هابیم، آقا شیخ محمد علی طهرانی، دکتر امیر خان اهل، میرزا سید احمد احتشام، سلطان ابراهیم خان انصاری، کی استوان، آقا میرزا محمد خان مصدق، آقا شیخ جلال الدین، شاهزاده محمد هاشم میرزا، حاج آقا اسمعیل عرفانی، میرزا حسن خان پیرنیا، سید حسن اجاق، میرزا حسین خان علانی

اسمعیل خان قشقای، آقا سید اسمعیل ملایری، میرزا علی رضا ضیاء، حاجریزاده عظیمی، فرج الله خان آصف، حاج سید عبدالعلی دیبا، مخالفین آقایان: آقا میرزا شهاب الدین، ناصر ندماانی، میرزا احمد خان شریعت زاده، سید محمد علی شوشتری، سلیمان میرزا، سید ابراهیم ضیاء

رئیس - عده حاضر هستند و نه با افتاد و يك رای تصویب شد

وزیر مالیه - چند فقره لایحه قانونی تقدیم مجلس شورای ملی میکنم

يكی راجع به اعتبار برای انتخابات دوره آتی، و یکی هم راجع به يك ملکی است که مصالحت دیده شده که در ازاء مبلغی بیک کسی واگذار شود، یکی هم وظیفه ای است برای روز محمود آقا خان سرتیب که در راه آزادی خیلی خدمت کرده یکی هم اعتباری است که برای تعمیر انابندیه در سنوات گذشته بود و چون دوره عمل منقضی شده و حالا وزارت مالیه نمی تواند آن اعتبار را خرج کند حالا اجازه از مجلس میخواهیم که خرج کنیم

رئیس - چند فقره خبر از کمیسیون عرایض رسیده که باید تکلیفش معلوم شود قرائت میشود و رای میگیریم

(شرح آتی قرائت شد)

آقای آقا سید اسمعیل شیخ الاسلام نماینده محترم ولایات ثلاث نظر به زیرت فرزندشان بارو بارو بملاوا انجام امور شخصی دو ماهه مرخصی خواسته اند کمیسیون این مرخصی را از یوم ۲۷ مهر ماه ابتدای آن خوبست فکری بکنند که مجلس هم تعطیل

را تعیین نموده تصویب میشود

رئیس - آقایانی که مرخصی دو ماهه آقای سید اسمعیل را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

آقای دکتر شبانی نماینده محترم بواسطه فوت یکی از گسبان ایشان و سرپرستی صفار آن مرحوم تقاضای ۳ ماه مرخصی از روز حرکت کرده اند کمیسیون عرایض این را موافق دانسته این مرخصی ۳ ماهه را از روز حرکت تصویب میشود

رئیس - آقایانی که مرخصی ۳ ماهه آقای دکتر شبانی را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد

آقای دکتر احتشام نماینده محترم برای تنظیم امور شخصی و مرخصی داری تقاضای دو ماه مرخصی نموده اند کمیسیون فقط چهل روز مرخصی را برای مزایای تصویب میشود که از روز بیستم مهر ماه محسوب شود

آقایانی که مرخصی چهل روزه آقای دکتر احتشام را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

آقای یاسائی نماینده محترم بعد از فراهم شدن وسائل و وسائل قلبه از سمنان بطهران در روز غیبت داشته اند کمیسیون عرایض این را موافق دانسته از اول شهریور مشورت کنند و يك اقدامی بکنند که تعطیل محسوب و تصویب میشود

رئیس - آقایانی که مرخصی ده روزه آقای یاسائی را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد

آقای سید ابراهیم ضیاء نماینده محترم نظر بکسالت والدشان دو ماهه مرخصی خواسته اند که از روز اول شهریور ماه محسوب شود کمیسیون این مرخصی را تصویب می نماید

رئیس - آقای حائری زاده

(اجازه)

حائری زاده - بنده میخواهم در مسائل شخصی که باشخاص بر می خورد مرخصی کرده باشم ولی میترسم در این اجازه های مرخصی آخر کم کم کار بجائی برسد که مجلس را از اکثریت ببتازند و آخر مجلس هم بدیهی است انتخابات با بودن خود مجلس بجزریان خواهد افتاد پس نباید مجلس را تعطیل کرد ممکنست بنده هم برای حوزه انتخابیه ام خواسته باشم بروم پس آقایان اعضاء کمیسیون عرایض و مرخصی خوبست فکری بکنند که مجلس هم تعطیل

نشود و آقایانی هم که کسالت دارند یا قضایای مهمی دارند مرخصی بگیرند

رئیس - آقای ضیاء

(اجازه)

ضیاء - فقط میخواستم عرض کنم از این دو ماه مرخصی چنانکه بکمیسیون عرایض هم عرض شد بیست و دو روزش را استفاده کرده ام و بقیه حالا لازم نیست اگر بعد لازم شد اجازه میخواهم

رئیس - رای می گیریم مرخصی بیست و دو روزه آقای ضیاء آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

بیشهاد آقای سلطانی بشرح آتی قرائت شد

بنده پیشهاد میکنم که لایحه قانون میبزی جزء دستور جلسه آتی در مرحله اول شود

جمعی از نمایندگان - صحیحست

رئیس - مخالفی ندارد

(گفتند - خیر)

رئیس - چون روز ۳ شنبه و ۵ شنبه و ۱۰ شنبه بواسطه روزه خوانی تشکیل جلسه مقدر نخواهد بود اگر تصویب میفرمائید جلسه آتی روز ۳ شنبه سی و یکم شهریور باشد

آقای رضوی

(اجازه)

رضوی - بنده عقیده ام اینست که روزه در روز ۴ شنبه شروع شود که جمعه تمام بشود و یکشنبه مجلس دایر شود آقای ارباب هم می گویند من روز شنبه چادر و قیصره را جمع آوری میکنم اگر بنا شد روز جمعه تمام شود برای روز یکشنبه تشکیل جلسه مانعی ندارد بی خود نباید مجلس را تعطیل کرد

رئیس - رای می گیریم آقایانی که تصویب میکنند روز ۳ شنبه باشد قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

(مجلس ۳ ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا منشی - شهاب

منشی - دکتر احتشام طباطبائی

جلسه ۱۹۹

صورت مشروح مجلس سه شنبه سی و یکم شهریور ۱۳۰۴ مطابق سوم ربیع الاول ۱۳۴۴

مجلس ۳ ساعت قبل از ظهر بریاست آقای حسینخان پیرنیا تشکیل گردید

صورت مجلس ۱ شنبه بیست و دوم شهریور را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای دولت آبادی

(اجازه)

نباید مداخله کنیم در امر ازاق و مسئولیت را متوجه خودمان کنیم از این جهت بنده مخالفم

رئیس - رای می گیریم پیشهاد آقای رضوی آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

(بیشهاد آقای سلطانی بشرح آتی قرائت شد)

بنده پیشهاد میکنم که لایحه قانون میبزی جزء دستور جلسه آتی در مرحله اول شود

جمعی از نمایندگان - صحیحست

رئیس - مخالفی ندارد

(گفتند - خیر)

رئیس - چون روز ۳ شنبه و ۵ شنبه و ۱۰ شنبه بواسطه روزه خوانی تشکیل جلسه مقدر نخواهد بود اگر تصویب میفرمائید جلسه آتی روز ۳ شنبه سی و یکم شهریور باشد

آقای رضوی

(اجازه)

رضوی - بنده عقیده ام اینست که روزه در روز ۴ شنبه شروع شود که جمعه تمام بشود و یکشنبه مجلس دایر شود آقای ارباب هم می گویند من روز شنبه چادر و قیصره را جمع آوری میکنم اگر بنا شد روز جمعه تمام شود برای روز یکشنبه تشکیل جلسه مانعی ندارد بی خود نباید مجلس را تعطیل کرد

رئیس - رای می گیریم آقایانی که تصویب میکنند روز ۳ شنبه باشد قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

(مجلس ۳ ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا منشی - شهاب

منشی - دکتر احتشام طباطبائی

جلسه ۱۹۹

صورت مشروح مجلس سه شنبه سی و یکم شهریور ۱۳۰۴ مطابق سوم ربیع الاول ۱۳۴۴

مجلس ۳ ساعت قبل از ظهر بریاست آقای حسینخان پیرنیا تشکیل گردید

صورت مجلس ۱ شنبه بیست و دوم شهریور را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای دولت آبادی

(اجازه)

دوره پنجم

دولت آبادی - بنده هم قبل از دستور مرض دارم

رئیس - آقای حشمتی

(اجازه)

شاهزاده حشمتی - بنده هم مرض قبل از دستور است

رئیس - آقای اتحاد

(اجازه)

اتحاد - بنده هم قبل از دستور در موضوع دستور مرض دارم

رئیس - آقای عدلی

(اجازه)

عدلی - بنده روز ۱ شنبه دو ساعت دیر آمدم اجازه خواسته بودم بی اجازه نبودم مرا بی اجازه ثبت کرده اند

رئیس - شما اجازه خواسته بودید ولی معلوم نیست کمیسیون قبول کرده باشد

حاج حسن آقا ملک - چون مندرشان موجه نبود کمیسیون نپذیرفت

رئیس - آقای حائری زاده

(اجازه)

حائری زاده - بنده در دستور مرض دارم

رئیس - صورت مجلس ایرادی ندارد؟

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - يك مسئله است که مکرر در دوره چهارم و پنجم سابقه پیدا کرده است

بنده خودم می دانم نتیجه ندارد ولی ناچارم بگویم زیرا کسیکه در در دادناچار است در درش را بگوید

مأمورین مالیه در چهارم مطابق تلگرافاتی که از اهالی رسیده نهایت تمهیدات را میکنند و با کوله بشهر می آورند از آنها نواقل میگیرند

آخر تا کی باید این اسم در این مملکت باشد که مأمورین مالیه افراد مملکت را به منزله بهائم فرض کنند

الان قریب ۲۰ است که ما مجلس شورای ملی داریم در هیچ دوره از ادوار چنین چیز هائی نسبت بمردم تعبیل نمیگردند

مردم بازمیکنند آنوقت از آنها نواقل میگیرند

مکرر اینجا صحبت شد است که وزراء در مجلس علنی نباید حاضر باشند که مسائلی که در مجلس مطرح میشود بشنوند من مطابق قسمی که خورده ام باید این مسائل را بر عرض آقایان برسانم

این يك مسئله، مسئله دیگر راجع بدشائیات است

البته در نظر آقایان هست بعد از آنکه این مالیات کم رشن تعبیل شده بدشائیات

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

صفحه ۱۴۱

دوره پنجم

دولت آبادی - بنده هم قبل از دستور مرض دارم

رئیس - آقای حشمتی

(اجازه)

شاهزاده حشمتی - بنده هم مرض قبل از دستور است

رئیس - آقای اتحاد

(اجازه)

اتحاد - بنده هم قبل از دستور در موضوع دستور مرض دارم

رئیس - آقای عدلی

(اجازه)

عدلی - بنده روز ۱ شنبه دو ساعت دیر آمدم اجازه خواسته بودم بی اجازه نبودم مرا بی اجازه ثبت کرده اند

رئیس - شما اجازه خواسته بودید ولی معلوم نیست کمیسیون قبول کرده باشد

حاج حسن آقا ملک - چون مندرشان موجه نبود کمیسیون نپذیرفت

رئیس - آقای حائری زاده

(اجازه)

حائری زاده - بنده در دستور مرض دارم

رئیس - صورت مجلس ایرادی ندارد؟

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - يك مسئله است که مکرر در دوره چهارم و پنجم سابقه پیدا کرده است

بنده خودم می دانم نتیجه ندارد ولی ناچارم بگویم زیرا کسیکه در در دادناچار است در درش را بگوید

مأمورین مالیه در چهارم مطابق تلگرافاتی که از اهالی رسیده نهایت تمهیدات را میکنند و با کوله بشهر می آورند از آنها نواقل میگیرند

آخر تا کی باید این اسم در این مملکت باشد که مأمورین مالیه افراد مملکت را به منزله بهائم فرض کنند

الان قریب ۲۰ است که ما مجلس شورای ملی داریم در هیچ دوره از ادوار چنین چیز هائی نسبت بمردم تعبیل نمیگردند

مردم بازمیکنند آنوقت از آنها نواقل میگیرند

مکرر اینجا صحبت شد است که وزراء در مجلس علنی نباید حاضر باشند که مسائلی که در مجلس مطرح میشود بشنوند من مطابق قسمی که خورده ام باید این مسائل را بر عرض آقایان برسانم

این يك مسئله، مسئله دیگر راجع بدشائیات است

البته در نظر آقایان هست بعد از آنکه این مالیات کم رشن تعبیل شده بدشائیات

آقای مدرس يك ماده برای اصلاح آن پیشنهاد کردند و آن این بود که تا موقعی که نظامنامه این کار از کمیسیون بر حسب کاغذها گرفته شود .
فارس آمده است درجه ۱۰ از تنباکو بکین و قران گرفته میشود در صورتیکه بازتس کل عایدات قرار گذارده شده است که یکم دو قران از تنباکو دریافت دارند .
حالا اگر این پول در جیب دولت میرود چه مناسبت بود خلاف قانون باشد جیب دولت بود و اگر غیر از این است چه مناسبت مأمورین مختلف متعددی بر مردم بیچاره میگزارند .
این است که از وزارت مالیه و احصاء و خزانجات سؤال کرده ام و اگر انشاء الله برای گذراندن اوبیخ خرجشان تشریف آورده اند شاید جواب بدهند و الا که هیچ .
رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)
دولت آبادی - بنده تصور میکنم در آینه یک مردم نباید که دفاتر دوره های تشبیه ما را بدقت از سر تا ته مطالعه و نگاه کنند به بنده این مجلس شورای ملی تنها بوده است با بعضی انوی خودش فراموشخانه هم بوده است .
یعنی يك مطالبی در حلسات اولیه مجلس در اوایل مجلس مفا کرده شده است و نتیجه گرفته نشده یعنی نتیجه اثری و کول نماند شده و عمر مجلس تمام شده و از آن نتیجه ما هیچ اثری ظاهر نشده کسی هم مطالبه نتیجه را نکرده است .
بنده تصور میکنم هیچ چه زنگاری نباید که مردم دفاتر مجلس را نگاه کنند و بگویند عجب مردمان فراموشکار و مسامحه کاری بوده اند مطالب مهمه را فراموشی و بی اعتنائی گذرانده اند و هیچ دنبال نکرده اند .
من باب مثل عرض میکنم که گفته شد دوسه ارباب جمید فارسی مرتب شد و اشخاص که اختلاس و دزدی کرده اند و رشوه گرفته اند در آنجا معلوم شده است تا تمامی مختصری دارد و من فریب تمام شده و بپسند خواهد آمد .
حالا نزدیک است مجلس با خبر برسد و هنوز دوسه مجلس نیامده است و معلوم نیست نتیجه اش چیست . از این قبیل مطالب زیاد اتفاق افتاده یکی از آن مطالب که بنظر بنده خیلی مهم است و برای آن کار من اینجا آمده ام و یاد آوری میکنم این است که در این مجلس مقداره یک و یک چهارم و طویلی و یک مقدار که چند کرور پول بی حساب بصرف رسیده است و حساب آنرا نداده اند و نمیدهند .
میگویند موقع موقع قون العاده بوده

است ما نمی توانیم حساب بدهیم و آن پولی است که خرج اداره ارزاق شده است و میگویند چون موقع سخت و فوق العاده بوده است ما نمی توانیم حساب این پول را بدهیم ولی در مقابل این پول که تحقیقا نمیدانم چقدر است میگفتند ارزاق اداره شده است .
ما گفتیم خوب اگر ارزاق اداره شده باشد عیبی ندارد . حالا بنده نمی دانم (ارزاق اداره شد) را آقایان چه قسم درک فرموده اند . بنده اینطور درک کرده ام که ارزاق اداره شد یعنی اگر يك سال گندم خه نشده نه مقدار ونه رنگ ونه قیمت نان فرق کند .
ارزاق اداره شد یعنی در موقعی که بقول آقا چیزهای مهم در دستور داریم سه ضو و خزانجات سؤال کرده ام و اگر انشاء الله برای گذراندن اوبیخ خرجشان تشریف آورده اند شاید جواب بدهند و الا که هیچ .
رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)
دولت آبادی - بنده تصور میکنم در آینه یک مردم نباید که دفاتر دوره های تشبیه ما را بدقت از سر تا ته مطالعه و نگاه کنند به بنده این مجلس شورای ملی تنها بوده است با بعضی انوی خودش فراموشخانه هم بوده است .
یعنی يك مطالبی در حلسات اولیه مجلس در اوایل مجلس مفا کرده شده است و نتیجه گرفته نشده یعنی نتیجه اثری و کول نماند شده و عمر مجلس تمام شده و از آن نتیجه ما هیچ اثری ظاهر نشده کسی هم مطالبه نتیجه را نکرده است .
بنده خودم تصور میکردم که افلاجهل پنجاه هزار خروار جنس موجود در انبار هست مثل آن خزان دولت که خیال میکردم چهار پنجاه کرور پول دارد . بگفته من شنیدم که در انبار گندمها سبز شده و ریشه دوانده و خراب شده است که ریخته اند و در قندری جنس ذخیره کرده اند که مقدار زیادی از گندمها زیر آسمان ریخته شده . که برف و باران آنها را خراب می کند حالا معلوم شده است که پولها صرف میز و نیمکت و عمارات عالی شده است و لااقل برای محافظت گندمها کاری نکرده اند که آنها فاسد نشود و حالا روزگار ما این نباشد .
دولت الان در کمال زحمت و عسرت است برای تهیه و رساندن جنس برود و علت این مسئله اینست که ارزاق اداره نشده است يك ادارات عریض و طویلی و يك بناهای عالی درست کرده اند . اینها برای چیست ؟
دولت الان در کمال زحمت و عسرت است برای تهیه و رساندن جنس برود و علت این مسئله اینست که ارزاق اداره نشده است يك ادارات عریض و طویلی و يك بناهای عالی درست کرده اند . اینها برای چیست ؟
آقای وزیر مالیه یادگیری بیایند جواب بدهند و اگر جواب ندهند بنده تکرار خواهم کرد تا يك نتیجه از این کار گرفته شود .

دبروز گفتند که قیمت نان را فدوی پاشی باورند دیشب نوب همین شهر چقدر مردم گرسنه خوابیدند و نان گبرشان نیامد . این حقایق را باید گفت الان که وسط سال و ابتدای خرم است این وضعیت ناز است معلوم نیست آخر سال چه خواهد شد .
آقایان محترم من وقتی میگویم مردم مقصود فقط مردم طهران نیست مردم تمام نقاط ایران را میگویم ما خیال می کنیم وقتی ارزاق طهران به زحمت که هست اداره شد ولو اینکه آن قسمتی که در پیش بود چاره رفته است از سرخرمن جمع کرده است که برود خانه اش از دستش گرفتیم و نان طهران اداره شد نان تمام مملکت اداره میشود . اینطور نیست .
انارهایی را که درش را بسته اند روزی تمام مردم در آن انبارها است . بخرم که برای سال بعد باید کاشته شود در همین انبارها است بعضی از شهرها مخصوصا بطوریکه شنیدم مردم اینطور است که فرستاده اند از خارج بازحمت زیاد گندمی تحصیل کرده اند و اداره ارزاق اجازه نداده است که بر نماند آنرا بکارند و بر گردانند . واقعا عجب حکایتی است !! عجب اوضاعی است !! بذر را که برای سال آینده نمیکارند زحمت را که نان نمیدهند ؟ چرا ؟ برای اینکه کار طهارت شاید سخت شد باورند بطهران . پس باقی مردم اهل این مملکت نیستند این چه روزگار است ؟ بنده توجه مجلس را جاب میکنم باینکه سئال ارزاق را سرسری نماندند . مثله ارزاق را کوچک نماندند . اینجا صحبت نظام اجساری و تعلیم و تعلم اجباری را کردیم بنده يك قسمت اجباری دیگر را اینجا عرض میکنم اگر از آلات زراعت اجباری شروع نشود سال آینده ما دچار قحطی خواهیم شد .
بعقیده بنده دولت باید اهتمام داشته باشد که بذر زیر خاک برود و نظارت داشته باشد که بذر ضرورت بذر کاشته شود . خلاصه بنده در جریانش نمی خواهم داخل شوم همیشه عرض میکنم که باید صورت حساب اداره ارزاق را باورند چون شطی که راجع با اداره شدن ارزاق کردند مختلف شد باید حساب پول را بدهند و باید مبالغه اداره ارزاق معلوم شود که برای آسودگی و راحتی مردم مرکز و ولایات چه اقدامی کرده اند که ما از این پربشانی حوس بیرون بیاییم و جواب مردم را بتوانیم بدهیم و برای بزرگاری سال آتی هم باید ما را مطمئن کنند و بنده از این حق خودم صرف نظر نمی کنم .
آقای وزیر مالیه یادگیری بیایند جواب بدهند و اگر جواب ندهند بنده تکرار خواهم کرد تا يك نتیجه از این کار گرفته شود .

رئیس - آقای حشمتی (اجازه)
حشمتی - گرچه یککست همه از عرایض بنده را راجع بمسئله ارزاق فرمودند و ضمت مأمورین ارزاق در خارج مرکز قون العاده از طریق عادلانه خارج است مثلا چند نفر از رعایای ورامینی بدست که میروند در خواوشه چینی میکنند آنها را در سراه جلوشان را میگیرند آنها هم ناچار ازینند بلوط .
رفته است خوشه چینی و تکدی کرده است و بادوش خودش برای اهل و خیال خودش حل میکند مجبور میشود از راه لوط برود در باجان معده .
مشکل دیگر در ولایاتی که اساسا اجناس کم است مثل مملکت که اساسا جنس آنجا کم است و بیش از آذوقه سه ماهه خودش را ندارد .
اداره ارزاق طوری سخت گرفته است که الان اول سال است مردم بقدری به آه و ناله افتاده اند که نهایت ندارد بقدری از طرف تلگراف نظام سر من ریخته است و مقامات مربوطه رسانیده ام که حقیقتا دیگر از رسانیدن آنها عاجز مانده ام .
نمیدانم دولت اجازه میدهد که این مردم بدست بروند از مسافات بعیده از راه دور با پول خودشان جنس بخردند آن وقت از آنها بگیرند .
یکی از تلگرافات این تلگراف است که اهالی گمر و رعایای آنجا کرده اند که مأمورین ارزاق تمام جنس آنجا را توقیف کرده است رعایا و اشخاص دیگر هیچکدام نتوان دارند نه گندم برای بفرود تریب آنجا هم طوری است که اگر در سنبله و تازه روز آزمون گذشته بذر کاشته نشود دیگر بذر کاری فایده ندارد .
در آنجا الان مردم بفرود اندنند بنده تکلیف این مردم چیست و سال دیگر چه باید بکنند .
یکی دیگر اینست که معلوم نیست اداره ارزاق با مردم چگونه حساب میکنند اگر رعیت بدبخت فرساده تومان خرج قنات باخرهای ضروری دیگر کرده است آنوقت این ده تومان را در موقع حساب با او پنج تومان حساب کنند این رعیت دیگر زراعت نخواهد کرد و حقیقتا از این تلگرافات بقدری برای بنده آمده است که بنده عاجز مانده ام جواب بدهم .
این تلگراف را میدهم بصورت مبارک حضرت آقای رئیس واستعا میکنم که يك تکلیفی برای مردم معین شود که باز هم مردم باز نشود .
رئیس - اگر بنده راجع بدستور رفت آقایان محترم را توضیح میکنم برای این است که در ختام جلسه غالب آقایان تشریف ندادند که دستور معین شود یا اگر کسی

چیز هم بنظرش میرسد اظهار کند همانطور که آقای دولت آبادی اظهار کردند در بعضی کارها فراموش کاری پیدا می شود و حقیقتا مجلس صورت يك فراموشخانه را پیدا میکند بعضی از لایحه که فوق العاده مهم است بتأخیر می افتد و گاهی اتفاق می افتد که از درج کلام ساقط میشود من جمله لایحه دولت است .
راجع بامداد لوله نطف از بیجار خاله برشت .
البته آقایان در نظر دارند که این يك موضوعی است که یکسال است از طرف دولت تقدیم مجلس شده و بکمیسیون قوائد عامه رفته است و کمیسیون سابق هم راپورت آنرا تقدیم مجلس کرده است ولی نمی دانم بچه ملاحظاتی هنوز بمجلس نیامده است .
در صورتیکه بنظر بنده از نقطه نظر امتیازات معلی نباید می اهمیت باشد موضوع دوم راجع بتجدید کنترات مستر کر است البته بعضی از آقایان شکایاتی از اوضاع مسالیه دارند خود بنده هم شکایات زیادی دریافت کردم .
راجع با جعاقاتی که مأمورین مالیه می کنند و مردم از آنها شکایت دارند ولی در عین حال باید تصدیق کرد که کمیسیون امریکائی و مخصوصا چند نفر از آنها خدمتشان نسبت بمملکت فوق العاده قابل توجه است و بنده از حسن خدمات دکتر ملسیو واستقامت مستر کرو کاردانی کلنل ماک گرامک تشکر میکنم شخص مستر کر بموجب لایحه که دولت تقدیم مجلس کرده است در مقدمه لایحه نوشته شده است که این شخص برای مدت پنج سال کنترات شده است و در سر سه سال می تواند کنترات خودش خانه دهد بنده اساسا این شخص را يك مرتبه بیشتر ندیدم برخلاف دکتر ملسیو و کلنل ماک گرامک که چندین بار با آنها ملاقات کرده ام و متأسفانه در آن یکمرتبه ملاقات هم چندان با ایشان صحبت نکرده ام .
ولی بطوریکه شنیدم ام این شخص قون العاده مستقیم است و بیشتر قوانین بدست این شخص اجرا شده است .
معلوم نیست که این شخص برای چه در سر سه سال (در صورتیکه در بدو امر برای پنج سال حاضر برای کنترات بوده است) می خواهد بکنترانش خانه دهد .
دیروز هم در روزنامه ایران باامضاء ض فوع شرحی نوشته شده بود که این شخص ممکن است مجدداً استخدام را قبول کند .
بنده تصور میکنم اگر ما بخواهیم بجای مستر کرو یک نفر امریکائی دیگر بیاوریم باید واقعا دوسال سه سال زحمت بکشند تا اشخاص را بشناسند و باخلاق آنها

مطلع شود تا مقام مستر کر را نسبت به مملکت پیدا کند و در حقیقت مملکت صورت يك مدرسه را پیدا میکند که همی امریکائیا را بیاورند يك اطلاعاتی پیدا کنند و بروند در عرصورت این لایحه هم مهم است و خوب است این لایحه زودتر به مجلس بیاید .
موضوع دیگر راجع بر رئیس مدرسه دندان سازی واستخدام مکارسکی است که گمان می کنم این شخص هم خدماتی کرده و گمان میکنم بگردن دندانهای اغلب از آقایان حق داشته باشد .
در هر صورت بنده پیشنهادی در این موضوع تهیه کرده ام .
جمعی از نمایندگان - وارد دستور شوبم .
حائری زاده - بنده در دستور عرضی دارم .
رئیس - بفرمائید .
حائری زاده - اگر چه میل نداشتم وقتیکه لایحه میزبی مطرح میشود چیز دیگری مقدم بدارم ولی قانون انتخابات حاضر شده و خبر آنرا هم کمیسیون بوده داده است و گمان نمی کنم مذاکرات مفصلی لازم داشته باشد خوب است آن را در مقدم دستور قرار دهند .
رئیس - با این پیشنهاد مخالفی نیست ؟
آقای شوشتری (اجازه)
شوشتری - قانون میزبی که بنا است مطرح شود قضیه ایست که ما به الاحتیاج تمام مملکت است و حقیقتا باید دید مردم باین فشار امنای مالیه و ارزاق از ما چه انتظارات دارند و چه میگویند حالا قانون انتخابات مطرح باشد ومدتی طول بکشد .
بنده مخالف با قانون انتخابات نیستم ولی با تقدیمش مخالفم بعقیده من مقدم بر همه قانون میزبی است بعد قانون انتخابات .
رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای حائری زاده را تصویب می کنند قیام فرمایند .
(اغلب بر خاستند)
رئیس - تصویب شد . راپورت کمیسیون قرائت میشود .
(شرح آتی قرائت شد)
ماده اول - مجلس شورای ملی وزارت مالیه اجازه میدهد که مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان برای مخارج انتخابات دوره ششم تقنینیه وزارت داخله بپردازد .
ماده دوم - مبلغ مزبور از تصرف جوئی اعتبارات بودجه سنه ۱۳۰۴ کل مملکتی پرداخت خواهد شد .
ماده سوم - چنانچه قبل از تعیین میزان نظمی صرفه جوئی بودجه پرداخت جوئی

از اعتراضات کورد در ماده اول ضرورت پیدا کند وزارت مالیه مجاز است که از بودجه کل سنه ۱۳۰۴ مملکتی مبلغ مزبور را پرداخته و پس از تعیین صرفه جوئی از آن بابت محسوب دارد .
رئیس - مذاکرات راجع با کلیات است .
آقای آه سید یعقوب (اجازه)
آقای سید یعقوب - بنده مخالف نیستم که انجمن نظار مخارج دارد و مأمورین انجمن نظار که در انجمن های فرعی هستند مخارج دارند .
مخالفت بنده از این نظر است که تمام آقایان در دوره پنجم دیدند که همین گذشتن اعتبار برای دولت و رئیس الوزرا وقت اشکالاتی ایجاد کرد .
فردایک تلگراف می آید که فلان مقدار وجه باید برای انتخابات معین شود و يك بودجه عریض و طویلی می فرستادند و نور آنرا اینجا هم يك نفر مأمور برای رسیدگی بصفت آن مأمور میشد يك وقت میدید انتخابات فارس یا خراسان در حین جریان توقیف شد .
چرا باید انتخابات در حین جریان توقیف شود ما يك اداره عریض و طویلی مثل اداره ارزاق که آقای دولت آبادی بیان فرمودند برای تقشش در این امر درست کرده ایم و این اداره هم يك باردیگری است که بر این ملت بدبخت تحمیل شده است و نمیدانم جوابی که در دوره گذشته برای مخارج انتخابات دولت خرج نموده است صورتش بمجلس آورده اند یا نه که ما بدانیم مخارج انتخابات چقدر بوده است .
بنده اطلاع ندارم که مخارج انتخابات در دوره پنجم چقدر بوده است .
حالا نمی دانم صورتش بکمیسیون بودجه آمده است و آقایان اعضاء کمیسیون بودجه آنرا دیده اند یا نه ولی بنده ندیدم صورت تفصیلی خرج دوره پنجم بمجلس نیامده .
از این جهت و جهت دیگر که عرض کردم که يك اداره عریض و طویلی برای تقشش درست شود و بی دربی مثل دوره پنجم مفتش برود و انتخابات را توقیف کند مخالفم .
مخبر کمیسیون بودجه با اظهاراتی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند البته شاید يك مقدارش وارد بود ولی امروز باین لایحه نمی شود مخالفت کرد برای اینکه در سال سابق در موقع انتخابات يك عملیاتی شد که شاید تازه برخلاف قانون بوده است ولی امروز که باید انتخابات شروع شود تصدیق می فرمائید اگر این لایحه تصویب نشود انتخابات بتأخیر خواهد افتاد .
بملازمه با اصلاحاتی که در قانون انتخابات

جدید شده است تصور میکنم آن تگرانی هائیکه آقای آقا سید یعقوب داشتند رفه بشود برای اینکه این قانون انتخابات جدید تکالیف را واضح تر روشن تر نموده است .
در قانون انتخابات سابق اگر انجمن نظار ایرادات و شکایاتی داشت شاید کاملا تکلیفش معین نبود ولی در این قانون جدید بطور وضوح و روشن تکلیف معین شده است .
با این جهت تصور میکنم تگرانی هائی که آقایان دارند واقع نشود .
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .
رئیس - رأی می گیریم برای ورود در شور مواد . آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند .
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . ماده اول (بشرح سابق خوانده شد)
رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
کازرونی - بنده موافقم .
رئیس - آقای اشگر (اجازه)
اشگر - بنده موافقم .
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده ناچارم ضری را که دارم بطور مخالفت عرض کنم در کلیات هم عرض کردم نه آقای وزیر مالیه جواب دادند و نه آقای مخبر جواب دادند سرالم اندازه بود و آبا صورتش بمجلس آمده است ؟ بمجلس داده میشود ؟ برای خاطر اینکه در ماده اول مبتو بسد .
یکصد و پنجاه هزار تومان برای مخارج انتخابات دوره ششم وزارت داخله دارد خوب است صورت مخارج انتخابات دوره گذشته بمجلس بیاید که ما آن را بینیم و مطابق آن رأی بدهیم .
وزیر مالیه - فرمائید آقای سید یعقوب اگر راجع است باینکه بودجه انتخابات را بینند تصدیق می فرمائید که آن ما وزارت مالیه نیست وزارت داخله که مجری آنست باید صورت آنرا بدهد و البته اگر آقایان میل داشته باشند صورت مفصل آن تقدیم مجلس شورای ملی میشود .
ولی اگر مقصودشان اینست که حساب مخارج گذشته را بدانند البته اطلاع دارند که دولت يك ترتیبی برای حساب پس دادن مجلس شورای ملت دارد دولت قانون تقمیر بده بوده دارد و باید سال او را بمجلس شورای ملی تقدیم کند که بطور فوق العاده آقایان الان میخواهند بدانند که مخارج انتخابات چقدر بوده است ممکن است تقدیم شود .

ولی چون نخواستند بودند ما هم نفرستادیم و علت اینکه تاکنون فرستاده نشده است برای این بوده است که این مخارج هم جزء بودجه منگنی است و باید در جزو بودجه کل منظور شده و تقدیم مجلس شود.

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده، موافق

رئیس - مخالفی ندارد؟ (گفتند خیر)

رئیس - تبصره پیشنهادی آقای یاسائی قرائت میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)

تبصره ماده اول - مأمورین مالی مکلفند که بعضی تقاضای کتبی رئیس انجمن نظارت انتخابات وجه اعتباری هر حوزه انتخابیه را که وزارت داخله معین می کند بپذیرد و قریب یا داخته بعد از آن تحصیل سند شرح نماید

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - عملیات دوره گذشته مأمورین مالی نسبت بانجمنهای نظارت بنده را وادار کرد که این پیشنهاد را تقدیم مأمورین مالی از دو صورت خارج نیستند یا کاملاً وظیفه شناسند یا اینکه خودشان یک ناخوشی هائی دارند و اگر هم خودشان معروض شوند برای رفقا شان دست و پا می کنند و از این جهت در موقع پرداخت وجوه اعتباری برای انتخابات یک تسامح هائی می کنند و این وسیله در بعضی نقاط ممکن است انتخابات را تاخیر اندازد و با اینکه اخیراً تصویب شده که در روز معین در تمام منگتو در تمام نقاط اصلی و فرعی انتخابات یک مرتبه شروع شود لازم است این مسئله تأمین شود.

از این جهت بنده عقیده دارم هر وقت رئیس انجمن نظارت هر مجلسی تقاضا کرد که فلان مقدار وجه اعتبار برای مخارج انتخابات لازم است مأمورین مالی مکلف باشند که آنچه را بپردازند و الا ممکن است برای پنج تومان سند خرج یک ماه انجمن و حاکم را معطل کنند و انتخابات را تاخیر بیندازند و تصور می کنم اگر سایر ادارات انتخابیه وزارت داخله مراجعه شود تصدیق خواهد شد که چقدر مخاربات تلگرافی بانمای مالی شده آنها بمدر اینکه از طرف خزانه داری کل اجازه نرسیده تملک هائی بکار برده اند.

در هر صورت بنده این تبصره را لازم می دانم و معتقدم هر وقت رئیس انجمن تقاضا کرد مأمورین مالی مکلف باشند قوری وجه لازمه را بدهند بعد نظارت خودشان را بکنند و اسنادش را هم تحصیل کنند

مخبر - اگر در این ماده اول توجه بفرمائید

ملاحظه خواهد فرمود و خواهد دید که نوشته :

مجلس شورای ملی اجازه میدهد که صد و پنجاه هزار تومان را وزارت داخله بپردازد و البته بانظرو وزارت داخله وزارت مالی برای هر نقطه هر قدر که لازم باشد یک اعتباری تصویب خواهد شد و وقتی که آن اعتبار تصویب شد البته مأمورین خواهند پرداخت فرمودند ممکن است بعضی اوقات از طرف مرکز بانمای مالی اجازه نرسیده باشد و آنها در پرداخت وجه تملک کنند.

البته این قسمت را انمای مالی حق دارند زیرا بدون اجازه مرکز آنها نمی توانند چیزی بپردازند.

حالا وقتی که این قسمت تأمین شد یعنی قبلاً از طرف وزارت مالی و داخله اعتبار برای هر نقطه معین شد آنوقت انمای مالی مجبور خواهند بود که آن را بپردازند و گمان می کنم پس از اینکه این ماده این ترتیب تصویب شد که وزارت مالی توسط وزارت داخله هر اعتباری که برای هر نقطه تصویب شد خواهد پرداخت.

دیگر تأخیری در امر انتخابات بوجود نخواهد بیست و اینکه فرمودند در بعضی نقاط از نقطه نظر خصوصی مأمورین مالی یک تاخیر هائی در امر انتخابات جانشین می شانند آن نقطه نظر مخصوصی رفع شده و دیگر انمای مالی هیچ وجه نمی توانند اعمال نفوذ کرده و انتخابات را تعویق بیندازند

رئیس - رأی میگیرید یا مقابل توجه بودن این تبصره آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(دوره نقری قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی گرفته می شود باده اول آقایان موافقین با ماده اول قیام فرمایند

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم (شرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقای ارباب (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده در کمیسیون بودجه هم عرض کردم دولت مکلف است همیشه موقع انتخابات را در نظر بگیرد و خرجش را جزو بودجه مملکتی بمجلس بیارد.

برای اینکه مخارج انتخابات یک مخارج حتمی مملکتی است و بعنوان سرفه جوئی خوب نیست البته اعمال چاره نبود زیرا ترتیب دیگری میسر نبود

مقصود بنده از این تذکر اینست که در آیه باید در موقع خود دولت های وقت این مسأله را پیش بینی کنند و جزو بودجه کل مملکتی بمجلس بیارند زیرا که یک خرج حتمی و مسلم مملکتی است.

مخبر - آقای ارباب همانطور که فرمودند در کمیسیون هم این اظهار را فرمودند و کمیسیون هم معتقد باین اصل بود که مخارج انتخابات باید در جزو مخارج مملکتی باشد.

ولی در همدلالتی چون جمع و خرج مملکتی را بیک ترتیبی معین کرده بودند که اگر می خواستند از آن چیز کسر کنند بودجه ادارات کسر می شد و ادارات دولتی بعضی می افتادند

از این جهت امسال به بودجه های مملکت دست زدند و قرارداد که این مبلغ از محل سرفه جوئی پرداخت شود و البته برای دوره های بعد در جزو بودجه کل مملکتی معین می شود برای انتخابات منظور و معین خواهد شد.

رئیس - رأی گرفته می شود ب ماده دوم آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند. (جمع کثیری قیام کردند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم قرائت می شود.

(شرح سابق قرائت شد)

رئیس - مخالفی ندارد؟ (اظهار شد خیر)

رئیس - رأی گرفته می شود آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام کردند)

رئیس - تصویب شد در کلیات مخالفی هست؟

آقای سید یعقوب - بنده عرض می دارم که آقای ارباب فرمودند و جوابی که از آقای وزیر مالی توضیح بخواهم که ایشان می توانند اطمینان بدهند که تا آخر سال این مبلغ صرفه جوئی خواهیم داشت یا خیر؟ مثل صندوق جریبه مجلس است.

وزیر مالی: بطور کلی عرض می کنم که امر جمع و خرج در حسابات دولت یک ترتیب منظمی دارد و قطعاً همه ساله دولت مبلغی صرفه جوئی از مخارج مصوبه خواهد داشت.

زیرا خرج هائیکه دولت پیش بینی و مجلس تصویب می کند گاهی اوقات آن مخارج واقع نمی شود و جزو سرفه جوئی دولت خواهد بود

در سالهای گذشته این صرفه جوئی را داشته ایم و امسال هم بطور کلی میتوانم عرض کنم

در حدودی که معین شده صرفه جوئی داریم بلکه ممکن است زیادتر هم داشته باشیم در حال این موادی که نوشته شده طوری تنظیم شده است که در هر صورت دولت خواهد بود

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - البته فرمایش آقای اسامی صحیح است ولی این لایحه را چنگل فتن اعتبار است برای انتخابات و مربوط به مسأله که اشاره فرمودند نیست و اگر بنا شده مخارج انتخابات را تأمین می کند اگر

که راجع بیک موضوعی است موضوع دیگری مذاکره شود آنوقت اختلاف حاصل خواهد شد.

در هر حال بنده خیال می کنم ذکر این مطلب در اینجا چندان مؤثر نباشد در اساسش که آقایان گفتند و خود دولت هم بنده قطع دارم نظر ایشان را تأمین خواهد کرد

رئیس - رأی گرفته می شود باین لایحه باورقه آقایان موافقین ورقه سفید والا کبود خواهند داد (در این موقع اخذ و استخراج آراء بعمل آمده بترتیب ذیل نتیجه حاصل شد)

ورقه سفید علامت قبول هشتاد و دو ورقه کبود یک

اسامی موافقین - آقایان سلطیان - ابراهیم خان افغمی .

مرتضی قلیخان بیات - ایزدی - عطایی . آقامیرزا عبدالله خان - دیوان بیگی - ارباب کیخسرو - لطف الله خان لایقوانی - آقا سید حسن اجاقی - آقا شایخ جلال الدین - یاسائی - صدرائی - افشار - اسمعیل خان - اصلانو - آقامیرزا سید احمد خان اعتبار - حاج میرزا اسدالله خان - حبیب الله خان شادلو - اسکندری - آقامیرزا جواد خان خوبی - آقامیرزا یوسف خان هدلی - آقا میرزا حبیب الله خان کمالوند - حاج میرزا رضا - محمد ولی خان اسدی - هلائی - آقامیرزا محمود خان وحید - جهانشاهی شریعت زاده - آقا میرزا حسین خان دادگر حاج میرزا علی رضا - هایم - دست غیب دکتر امیر خان اعلم - خواجوی - آقامیرزا عبدالحمید صدر - حاجی زاده - دکتر حسین خان بهرامی - سهراب زاده - آقا سید کاظم زیدی - اشکر - کازرونی - یحیی خان زنگنه - حاج آقا اسمعیل - آقا سید ابوالفتح - اموتی - آقا میرزا حسن خان پیرنیا - کبر میرزا - شیروانی - نجات - دکتر آقایان - آقامیرزا رضا خان حکمت اتحاد - آقامیرزا حسن خان مستوفی - آقا میرزا سید احمد احتشام - آقا شایخ هادی طاهری - حاج سید عبدالعلی دیبا - تقی زاده - تدین - حید رفقی میرزا - ششمی - اسمعیل خان قشقائی - سهراب خان - آقا میرزا سید حسن خان کاشانی - داور - محمد هاشم میرزا - میرزائی - آقا سید علاء الدین بهبهانی - محمد تقی خان اسعد بغیاری - زعم - آقا سید اسمعیل ملاپری - محمد ولی میرزا - کی استوان - آقامیرزا سید احمد بهبهانی - آقامیرزا محمد تقی بهار مفتی - اسمعیل خان وکیل - ضیاءالاطباء حاج آقا رضا رفیع - فتح الله میرزا هرمزی آقا سید حسن مدرس - آقامیرزا محمد تقی ذوالقدر - آقا میرزا فرج اله خان آصف - عباس میرزا فیروز - آقا سید مصطفی بهبهانی

مخالف - آقای حاج حسن آقا ملک رئیس - عده حضار صد نفر - با هشتاد و دو رأی تصویب شد

قانون میزبانی مطرح است ماده اول قرائت می شود

(باین مضمون قرائت شد)

ماده اول - مالیات املاک از بابی (بشیر از خالصات انتقالی که بموجب قانون علیحدگی مشخص میشود) بطریق ذیل اخذ خواهد شد

۱ - املاک از کل محصول اعم از آبی و دیمی و باغات قبل از تقسیم ۳ درصد

ب - جنگل و مرتع از عایدات مطلق مالکانه ۱ درصد

ج - طواحق و ابدنک و یارنک از عایدات مطلق مالکانه ۵ درصد

د - از عایدات قنوتی که بمصرف شرب میرسد ۱ درصد

تبصره - مالیات جنگلها و مراتع بر عایدات تعلق می گیرد که صاحبان جنگل و مراتع از راه اجازه یا فروش محصول آن دست می آورند

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بطوری که آقایان مسبقاً بنده در شور اول با این لایحه مخالف بودم لکن بجهانی حالا موافق شده ام و علتش هم این است که بنده میخواهم تعدیاتی که از طرف مأمورین مالی نسبت ب مردم می شود بلکه قدری محدود شود

از این لحاظ بنده باین لایحه اگر چه چهارم هم بود موافقت می کردم در صورتی که عقیده ام این است باید صدها باشد از عین جنس لکن مخالفت بنده در اینجا راجع به واداست و برای این است که چرا املاک انتقالی و خالصات را از این لایحه موضوع کرده اند

بنده عرض می کنم مالک مالیاتی بر اراضی وضع می کنیم اعم از اینکه مال مردم باشد یا مال دولت از این جهت چه دلیل دارد

که املاک دولتی باید مستثنی باشد و نظر بنده این است که از خالصات دولتی هم باید این مالیات گرفته شود

تا اینکه تا آخر سال دولت حساب کند و ببیند که آیا این املاک برای او ضرر دارد یا نفع عرض این است دولت هم مثل سایر مردم باید مالیاتش را بصندوق عمومی بدهد و از آن طرف عایداتش را هم ببرد

اما راجع بخالصات انتقالی بقیه بنده از دو صورت خارج نیست یکی اینکه شخصی که ملک در ید او است و بیک عنوانی ده تا بیست تاسی اشرفی مایه رفته و آن ملک را با ورا گذار کرده اند تقبل کرده همان عوانندی که داشته بدولت بدهد و خودش بجای مأمورین دولت عمل کند

انفاقاً در بسیاری از این املاک نتوانسته اند آن چیزی را که متقبل شده اند بپردازند و همینطور معطل مانده است

بعضی از آنها هم این طور نیست و در واقع بمنزله ملک ارباب است و بیک مالیات علی حده به آن ها تعدیل کرده اند پس به این اعتبار خالصه جات دو قسمت می شود.

در هر صورت اگر ما خالصه جات انتقالی را موضوع کنیم مثل این است که آنها را از ملکیت دولت خارج کرده باشیم

چرا در این قانون املاک عمومی را مشمول می کنیم ولی املاک انتقالی را خارج می کنیم و می خواهیم یک قانون علی حده برایش وضع کنیم و حال آنکه املاک انتقالی همان خالصه دولت است که حالا باید دید بچه جهت و بکدام ملاحظه بقرآن آمد انتقال پیدا کرده است

اگر این انتقال از لحاظ مشروعی بوده که حقیقه باید ملک آن شخص دانست و اگر از طریق غیر مشروعی بوده است که باید جزو خالصه دولتی دانست و در هر حال علت ندارد که از این قانون خارج مستثنی باشد

این عقیده بنده است

مخبر - بیانات آقای کازرونی هیچ دلالتی بر مخالفت نداشت بلکه حاکی از کمال موافقت بود و فرمایشاتی که فرمودند گمان می کنم موردش اینجا نباشد هر وقت موضوع خالصه جات مطرح شد البته می توانند بیانات خودشان را بفرمایند

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - متأسفانه این دفعه دوم است که بنده با رایورت کمیسیون قوانین مالیه راجع بقانون میزبانی که به مجلس آمده مخالفم

اینجا در فقره اول نوشته :

املاک از کل محصول اعم از آبی و دیمی و باغات قبل از تقسیم صد سه بدون اینکه هیچ تفاوتی از حیث مخارج از برای رودخانه یا برای قنوت در نظر گرفته باشند و همینطور بطور کلی صد سه قرار داده اند و بیشتر مخالفت بنده از این جهت است

در سی و چهار سال قبل که در این ملکیت یک میزبانی شده بعد بقانون مالیاتی بنده اند ولی حالا مالیات و بدقتان مالیات بیندیم یعنی از حاصلی که هنوز سهم مالک و رعیت جدا نشده مالیات بگیریم این خوب نیست

در فقره دوم نوشته :

جنگل و مرتع از عایدات مطلق مالکانه صد سه

فقره سوم نوشته :

طواحق و ابدنک و یارنک از عایدات

مطلق مالکانه صد پنج

در فقره اول نوشته شده است :

املاک از کل محصول اعم از آبی و دیمی و باغات قبل از تقسیم صد سه

و بنده با جمله «قبل از تقسیم» مخالفم اگر حقیقه مقصود این نیست که شامل بندر هم بشود نمی خواهند از مزدور و عمله هم مالیات بگیرند خوب بود قید می کردند اما بدون این قید

یعنی وقتی که بطور مطلق می نویسیم از کل محصول قبل از تقسیم شامل مالیات بپردازیم اگر بنا شود از مزد عملهم مالیات بگیریم پس خوبست در تمام شهرها هم این کار را بکنیم و در هر جا که مالیات صنفی کم است از مزد مزدور هم مالیات بگیرند

فرض این است که بنده باین ترتیب بکلی مخالفم که از کل محصول که شامل سهم بندر و دهقان هم می شود مالیات بگیرند

حالا بنده در اینجا نمی توانم معین کنم که در نقاط مختلفه مملکت سهم رعیت چقدر است ولی در هر حال باید معاف باشد و چنانچه عرض کردم قید شود که این صدی سه فقط شامل سهم مالک است آنهم در قسمت آب و زمین و عایدی که مربوط بآب و زمین است و چنانچه پیش هم عرض کرده ام ما باید مالیات را بر آب و ملک بیندیم کازرونی و بندر را باید موضوع کرد

مثلاً درصد خوردار عایدی در خوردار برای بندر است آنرا قبل از تقسیم باید مستثنی کنیم و بر بندر مالیات نباید تعلق بگیرد از بندر و از عمل حصا مالیات گرفتن چیز غریبی است از دروگر و آن کمیکه مثلاً آب از چاه میکشد و بالاخره از مزدور و از بندر مالیات گرفتن هیچ خوب نیست و بنده بکلی مخالفم

قصد دیگر مخالفت بنده این است که در فقره چهارم نوشته : عایدات قنوتی که بصرف شرب میرسد صدی ه ولی از اراضی که آب ندارد و حق الارض میگیرند چطور ؟

خیلی جاها است که آب ندارد و برای مشروب کردن آن اراضی آب اجازه می کنند سالیانه و میخورد در این صورت باید تکلیفی برایش معین شود بجهت مخالفت بنده بیشتر راجع بقسمت اول است که قبل از تقسیم صد ۳ مالیات از کل محصول گرفته شود مگر آنکه قید شود که مراد صد ۳ از سهم مالکانه است نه از سهم رعیت

رئیس - آقای سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب - اولاً خواستم جواب آقای کازرونی را بدهم که بیرون تشریف برده اند مسئله خالصات انتقالی را دولت

و کمیسیون ناچار است که از این قانون مستثنی کند.

دولت الان يك خالصجاتي دارد که غير انتقالي است و این ملک دولت است. دولت را هم مثل بیکفردی از شاخص یا از ارباب ملک فرض کنید که ملک این املاک است اما در مسئله خالصه انتقالي در دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه در اثر يك ترتیبی يك ملكی را مثلا بيك نفری واگذار کرده اند اما اصل مالیات آن ملک را که عبارت از جنس و نقد باشد باید آن شخص بپردازد صورت عایدات خالصجات دولتی در کتایب حاج میرزا آقاسی و دیگران هست هم صورت دارد و معلوم است.

دولت فلان ده را بفلان کس واگذار کرده برای اینکه سرپرستی کند اما اصل آن ملک بجای خودش باقی است در این مدت که عایدات املاک خالصه خوب و زیادی از مالیات بوده صاحبانش خیلی بدوات دعا میکردند.

شاگرد و راضی بودند.

ولی حالا که در عایداتش قدری نقصان حاصل شده داد و بیداد دارند از اینکه مالیات این املاک را نمی توانیم بدهیم.

پس ما نمی توانیم خالصجات انتقالي را جزو و مشمول این قانون بدانیم و همان طور که صحت شد دولت برای تصفیه مالیات خالصجات خود ناچار است يك لا به جا گانه تنظیم و بمجلس پیشنهاد کند تا معلوم شود ترتیب اداره کردن و مالیات این املاک چه شکل خواهد شد.

پس ما حالا نمی توانیم خالصجات انتقالي را جزو این قانون بکنیم.

اما در مسئله دوم که آقای یاسائی فرمودند.

من خیلی از آقای یاسائی که يك نفر از طرفداران دهقان دیرز گردند تعجب میکنم چرا نمی گذارند يك همچو لایحه که بنفع و آسودگی رعایا است از مجلس بگذرد و معروف است هر جا جلوس زر را بگیري نفع است.

شما ملاحظه کنید امروزه این ترتیبات مأمورین مالیه بواسطه نبودن يك دستور واحد متحد الشکلی که تکلیف آنها را تعیین کند چه بسا رعایا می آورند و چه شکل مالیات از آنها می گیرند اگر خواهی نخواست این ترتیبی که حالا مقرر میشود ظلم است هیبی ندارد زیرا ظلم بسالو و عدل است.

وقتی که بنا شود در همه جا طرز وصول مالیات يك جور و يك تراخت باشد البته بهتر از ترتیب فعلی خواهد بود.

بنده مکرر عرض کردم تقسیم بین مالک و رعیت در نقاط مختلفه مملکت خیلی مختلف است و دولت هم که نمی تواند تابع

آراء فرد فرد مالکین مملکت واقع شود در هر جائی يك ترتیبی مقرر است.

مثلا مالک شیراز يك قسم معامله بنا رعایا میکند.

در خراسان مالکين يك قسم ديگر معامله دارند.

در گیلان یا جای دیگر نوع دیگر معامله دیگر است.

دولت که نمی تواند تمام این آراء و اشکال متناقض را قبول و اجرا کند.

معامل است که بتواند این کار را بکند زیرا ملاحظه فرمایید یکجا ۱۰ يك است. يك جا ۵ يك است و دولت نمی تواند ترجیح قائل شده و آراء بعضی جاهارا بر بعضی جاهای دیگر مقدم بدارد.

تمام نقاط هم جزو مملکت است.

مثلا اگر بخواهد ترتیب و آراء سواحل بحر خزر را منطبق قرار دهد آنوقت آذربایجان میگوید چرا مال من را قرار ندادی.

اگر بخواهد مال آنجا را مالک بداند جای دیگر شکایت میکند که چرا مال من را مبداء انداختی.

تمام رعایا هم جزو ملت ایران و متساوی الحقوق هستند پس دولت بچه بچه نمی تواند آراء مختلف مالکین را مناسط اعتبار قرار دهد و ناچار است همانطور که میزان و مقادیر مختلف را بصورت واحدی در آورد این کار را هم متحد الشکل کند.

يك اصل کلی را در مملکت اجرا کند و بر حسب تصویب مجلس ترتیب وصول مالیات را بيك صورت جدید تصحیحی در آورد.

آقای یاسائی خوب میدانند که بنده هم طرفدار رعیت بولی لازمست عرض کنم که آنها هم زیر بار زور نمی روند و مالکین مراعات رعایا را حتی الامکان خواهند کرد و مصلحت رعایا و ملت هم در این است که ما امروزه قانون میزبانی را تصویب کرده و بجز این بنده ازیم و این صده که در این لایحه نوشته شده خوب است هم کمیسیون قوانین مالیه هم دولت کاملا رعایت عدل و انصاف را کرده و این چیزی که معین شده بصره مردم و رعایا است ما در اینجا منشاء و مصدر امور هستیم.

مصدر باید حکم راجاری و ساری کند و دیگران باید از ما تاسی کنند.

ما ناچاریم در این باب يك قانونی وضع کنیم و مسئله را بصورت واحد و متحد الشکلی در آوریم.

پس از تصویب این قانون البته شکل و طرز مالیات تغییر پیدا میکند و هم راحت می شوند این هم جواب این اشکال گمان میکنم همه تصدیق دارند که هر راهی کردن یا این قانون خیلی خوب و مناسب است تا بلکه با بودن رئیس بهلوی این کار را از پیش ببریم مثل قانون نظام

اجباری و غیره این کار هم پیش برود.

در ماده اول که میگوید از اراضی صده در یک لازم نیست که در تمام جاها گفته شود از اراضی صده از اراضی صده در آب دنگ و طواحين مالیات آب را همین نگردد میگوید صده پنج در صورتی که اراضی داخل در همان ماده اول و جزء اول میشود.

پس این اشکال شما غیر وارد است و آقایان باید همت کنند که این قانون زودتر از مجلس بگذرد و بوقع اجرا گذارده شود.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - مذاکرات درین موضوع تقریباً مکرر است زیرا در این دوره مرتبه که این قانون مطرح شد تمام این مذاکرات گفته شده هر قدر هم که ممکن بوده کمیسیون حل کند کمیسیون حل کرده و درین قسمتی هم که گفته شد که اعتراض آقایان وارد است این قسمت مالیات بیشتر توجه میکند بر رعایا بنده این اعتراض را وارد نمی دانم برای اینکه رعایا بر حسب تقسیم هم میرسد یعنی از بذر و گاوهم آنها استفاده میکنند البته اگر مالیات هم بر آنها تحویل شود اشکالی ندارد.

در قسمتی که فقط سهم کار کرد را استفاده میکنند و پنج يك می برند در آنجا بآنها تعلق نمی گیرد زیرا که خود زیر بار رعیتی و دهقانی نمی روند مگر اینکه این مالیات را خود مالک بدهد بگوید و تمام مالک بدهد نگیرد رعیت زیرا رعیت نمی رود جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - در کفایت مذاکرات اگر مخالفید بفرمایید

محمد هاشم میرزا - چون این قانون یکی از قوانین مهمه است و این مطلب بخصوص هم یکی از مطالبی است که چندین سال باید باقی ماند.

بنابر این بعقیده بنده باید مخالف و موافق توضیحات خودشان را بدهند تا مطلب روشن شود و اگر چنانچه نیم ساعت دیگر هم طول بکشد و حقایق گفته شود بهتر است تا اینکه مطالبه گفته بماند.

از این جهت عقیده ام این است که مذاکرات کافی نیست.

رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است. پیشنهاد می فرمایید

زیادی رسیده است اگر اجازه می فرمایید باشد برای بعد از تنفس (نمایندگان - صحیح است)

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ربع مجدداً تشکیل گردید)

خالصجات انتقالي است که خیلی مشکل است زیرا مالیات هائی که از آنها گرفته می شود خیلی بی ترتیب است برای اینکه از بعضی ها زیاده تر و از بعضی جاها کمتر گرفته می شود آنها را باید میزبانی کنند و آن قانونش را هم زودتر کمیسیون در نظر بگیرند و مجلس بیاورند و بهترین راه عادلانه هم همان قسمتی بود که بالا عرض شده و آن يك فرقی است که چشمه و قنات را رعایت کنند.

زیرا از کلیه محصول دیمی و آبی و چشمه و قنات نوشته اند صده در صورتی که قنات مسلماً همیشه يك مغارج عادی دارد علاوه بر خارج سرمایه استانبلیه که این مغارج بایستی رعایت و تأمین شود والا ممکن است اس قنات از بین برود.

بنا بر این خوب بود يك فرقی بین چشمه و قنات می گذاشتند.

دیگر اینکه طواحين آب دنگ و یادنگ میبوسد در صورتی که باید بین آنها هم فرقی قائل شود برای اینکه آب دنگ فقط آب و سره به کار میکنند ولی یادنگ را بگسره رویش تنگی میکنند و از زوری فعلی مزد گرفتن و از او مالیات گرفتن.

ولی حالا که این شخص مثلا ۵ تومان آب خریده و بصرف باغ رسانده که صده تومان محصول برداشت کند حالا از آن ۵ تومانی که صرف باغ کرده باید از آن تمام مالیات بگیرند و این در حقیقت با این قید اینطور میشود که دو برابر مالیات بدهد.

اگر چنانچه مثلا يك جایی باشد که آب و باغ مال بکفر باشد از باغ جدا گانه و از آب هم مالیات گرفته شود این چندین صیهی ندارد.

ولی اگر جایی باشد که آب مال غیر باشد و مالک باغ باید آب را بخرد آنوقت بعد از خریدن آب از صده تومان ۳ تومان مالیات آب را بدهد و از قسمت ۵ تومانی هم که آب خریده يك مالیات دیگری بدهد این ظلم است.

اینجا باید عبارت رانخصیس بدهیم بیاناتی که از آب خریداری مشروب نمی شود باین جهت بنده اینطور پیشنهاد کردم که اینطور اصلاح شود.

وزیر معارف - اینجا آقای آقا شیخ فرج الله يك سه و چو چکی فرمودند و آن اینست که راجع باب خریدنی می فرمایند آب و باغ فرق نیکند اگر آب مال خودش باشد باید مالیات بدهد و اگر مال خودش هم نباشد از دیگری میخرد برای استفاده خودش.

مثلا فرض بفرمایید برای يك باغی ۵ تومان آب میخرد این خودش میدهد که اگر این آب را بخرد و صرف این باغ نکند از اینجا استفاده نیکند و آنکه این مالیات يك مالیات خیلی عادلانه است زیرا از صده تومان ۳ تومان باید مالیات بدهد و از ۵۰ تومان صده نیست و این میزان

رئیس - پیشنهاد فرماید که برای صده تومان عایدی ۵۰ تومان آب بخرند هیچ همچو چیزی اتفاق نمی افتد و بعقیده بنده این ایراد آقا وارد نیست.

رئیس - پیشنهاد میبکنم جزء اول ماده بدین طریق اصلاح شود:

املاک از کل محصول اعم از آبی و دیمی و باغاتی که بفر آب خریده می مشروب میشود صده.

آقا شیخ فرج الله - جزء اول ماده نوشته است املاک از کل محصول اعم از آبی و دیمی و باغاتی قبل از تقسیم ما اینجا بیدلیل از تقسیم را که بطور کلی از مالک صده بگیرند در صورتی که بعضی باغات هست که آب ملکی ندارد و میخرد مثلا ۵ تومان آب میخرد برای املاکش که صده تومان حاصل بردارد آنوقت باین قید مالیات او اضافه میشود و باید صده مالیات بدهد بجهت اینکه عبارت قبل از تقسیم است و اگر این عبارت قبل از تقسیم زائد است و سهم آن موضوع میشود و سهم رعیت هم موضوع میشد این اشکال وارد نبود مالیات بیشتر هم گرفته میشد.

ولی حالا که این شخص مثلا ۵ تومان آب خریده و بصرف باغ رسانده که صده تومان محصول برداشت کند حالا از آن ۵ تومانی که صرف باغ کرده باید از آن تمام مالیات بگیرند و این در حقیقت با این قید اینطور میشود که دو برابر مالیات بدهد.

اگر چنانچه مثلا يك جایی باشد که آب و باغ مال بکفر باشد از باغ جدا گانه و از آب هم مالیات گرفته شود این چندین صیهی ندارد.

ولی اگر جایی باشد که آب مال غیر باشد و مالک باغ باید آب را بخرد آنوقت بعد از خریدن آب از صده تومان ۳ تومان مالیات آب را بدهد و از قسمت ۵ تومانی هم که آب خریده يك مالیات دیگری بدهد این ظلم است.

اینجا باید عبارت رانخصیس بدهیم بیاناتی که از آب خریداری مشروب نمی شود باین جهت بنده اینطور پیشنهاد کردم که اینطور اصلاح شود.

وزیر معارف - اینجا آقای آقا شیخ فرج الله يك سه و چو چکی فرمودند و آن اینست که راجع باب خریدنی می فرمایند آب و باغ فرق نیکند اگر آب مال خودش باشد باید مالیات بدهد و اگر مال خودش هم نباشد از دیگری میخرد برای استفاده خودش.

مثلا فرض بفرمایید برای يك باغی ۵ تومان آب میخرد این خودش میدهد که اگر این آب را بخرد و صرف این باغ نکند از اینجا استفاده نیکند و آنکه این مالیات يك مالیات خیلی عادلانه است زیرا از صده تومان ۳ تومان باید مالیات بدهد و از ۵۰ تومان صده نیست و این میزان

هم که حساب فرمودند که برای صده تومان عایدی ۵۰ تومان آب بخرند هیچ همچو چیزی اتفاق نمی افتد و بعقیده بنده این ایراد آقا وارد نیست.

رئیس - پیشنهاد میبکنم جزء اول ماده بدین طریق اصلاح شود:

املاک از کل محصول اعم از آبی و دیمی و باغاتی که بفر آب خریده می مشروب میشود صده.

آقا شیخ فرج الله - جزء اول ماده نوشته است املاک از کل محصول اعم از آبی و دیمی و باغاتی قبل از تقسیم ما اینجا بیدلیل از تقسیم را که بطور کلی از مالک صده بگیرند در صورتی که بعضی باغات هست که آب ملکی ندارد و میخرد مثلا ۵ تومان آب میخرد برای املاکش که صده تومان حاصل بردارد آنوقت باین قید مالیات او اضافه میشود و باید صده مالیات بدهد بجهت اینکه عبارت قبل از تقسیم است و اگر این عبارت قبل از تقسیم زائد است و سهم آن موضوع میشود و سهم رعیت هم موضوع میشد این اشکال وارد نبود مالیات بیشتر هم گرفته میشد.

ولی حالا که این شخص مثلا ۵ تومان آب خریده و بصرف باغ رسانده که صده تومان محصول برداشت کند حالا از آن ۵ تومانی که صرف باغ کرده باید از آن تمام مالیات بگیرند و این در حقیقت با این قید اینطور میشود که دو برابر مالیات بدهد.

اگر چنانچه مثلا يك جایی باشد که آب و باغ مال بکفر باشد از باغ جدا گانه و از آب هم مالیات گرفته شود این چندین صیهی ندارد.

ولی اگر جایی باشد که آب مال غیر باشد و مالک باغ باید آب را بخرد آنوقت بعد از خریدن آب از صده تومان ۳ تومان مالیات آب را بدهد و از قسمت ۵ تومانی هم که آب خریده يك مالیات دیگری بدهد این ظلم است.

اینجا باید عبارت رانخصیس بدهیم بیاناتی که از آب خریداری مشروب نمی شود باین جهت بنده اینطور پیشنهاد کردم که اینطور اصلاح شود.

وزیر معارف - اینجا آقای آقا شیخ فرج الله يك سه و چو چکی فرمودند و آن اینست که راجع باب خریدنی می فرمایند آب و باغ فرق نیکند اگر آب مال خودش باشد باید مالیات بدهد و اگر مال خودش هم نباشد از دیگری میخرد برای استفاده خودش.

مثلا فرض بفرمایید برای يك باغی ۵ تومان آب میخرد این خودش میدهد که اگر این آب را بخرد و صرف این باغ نکند از اینجا استفاده نیکند و آنکه این مالیات يك مالیات خیلی عادلانه است زیرا از صده تومان ۳ تومان باید مالیات بدهد و از ۵۰ تومان صده نیست و این میزان

خالصجات انتقالي شد این مالایاتی که در ماده اول نوشته شده از بابی صده از خالصجات انتقالي دوبرابر گرفته شود اگر بعقیده من دولت آمد و گفت روی صده میزبانی کردیم و صده کسر کرد از عایدات ما مکتفیم که اینجا بیاییم و بگوئیم صده را باید صده چهار کرد و اگر آقای وزیر مالیه مجدداً آمدند اینجا گفتند صده چهار هم کسر کرد مالایات انتقالي هم دوبرابر میشود مثلا اگر صده مالیات از بابی از خالصجات انتقالي صده ۱۰ گرفته شود بنظر من باید خالصجات انتقالي از اسم خالصگی در رود و ملک طلق مردم شود تا مردم علاقه مند شوند که آنها را وا بآباد کنند.

اگر چه من مالک ملک نمی دانم اما اگر امروز يك کسی يك خالصجات انتقالي داشته باشد بخواهد ببرد يك جا اگر نتواند ببرد بگوید بهش نمی دهند و معامله ملکی بان نمیکند من میخواهم هم ملک بشود و هم مردم صاحب ثروت شوند.

وزیر مالیه فرمایشات آقای مدرس تماماً صحیح بود و بنده هم تصدیق دارم که ترتیبی که برای خالصجات انتقالي حالا هست صحیح هست و باید کاری کرد که کسانی که این خالصجات دولتی با آنها منتقل شده است علاقه مالکیت نسبت بآنها داشته باشند تا بتوانند آنها را آباد کنند - در این هیچ جای شبهه نیست.

اما بنده فقط در اینجا میخواهم يك تذکره بکنم که آن این است که اگر این پیشنهاد قابل توجه شود و کمیسیون برود اسباب تأخیر خود قانون میزبانی میشود زیرا در عین اینکه بنده تصدیق دارم که مطالب صحیح است ولی معتمد که هر کاری را باید با مطالعه کرد.

باید دید که خالصجات انتقالي چه حالی دارد و نتیجه این پیشنهاد ها را بفهمیم که راست است که فرمودند اگر مایات کم شد باید اضافه کرد ولی چرا باید از اول يك کاری کرد که بزودی محتاج بتجدید نظر شد.

قانونگذاری کار مشکلی است و زحمت دارد و هر روز نمیشود قانون را عوض کرد و البته اگر با مطالعه کار شود خیلی بهتر است و بنده عرض میکنم که در وزارت مالیه ما مشغول مطالعه هستیم راجع بخالصجات انتقالي و لایحه دارد تهیه میشود که عنقریب بمجلس تقدیم خواهد شد.

مقصود بنده این است که این مسئله را داخل این قانون نباید کرد برای اینکه شاید این قانون را بتوانیم در ظرف يكی دو هفته تمام کنیم و البته تصدیق خواهید فرمود که این مسئله خالصجات انتقالي لازم است.

ولی اینقدرها فوریت ندارد که اگر

يك ماه یا ۲ ماه دیگر هم طول بکشد يك ضرر زیورگی متوجه مردم شود و بعقیده بنده اگر علیحده شود بهتر است.

رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر - کمیسیون قبول میکند.

این نیست.

مخبر - اکثریت دارد.

(همه باین نمایندگان)

رئیس - باید از مخبر پرسید که عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر - عرض کردم اکثریت کمیسیون موافق است.

وزیر مالیه يك مطلب باین مهمی را چطور خواهد بود باین زودی قبول کرد افلا اگر يك کاری باید کرد این پیشنهاد برود بکمیسیون و در آنجا مطالعه شود و مجدداً بمجلس بیاید.

مدرس - اجازه می فرمائید رفع اشتباه بکنم.

رئیس - خیر نظر من آنست که اجازة نمی دهد.

آقای دست قیاب عضو کمیسیون هستی؟

دست قیاب - خیر.

رئیس - آقایان امروز چه طور؟

افسر - بلی بنده میخواهم عرض کنم که کمیسیون عقیده ندارد خوب است آقای مخبر درست عقیده کمیسیون را اظهار کنند.

رئیس - نسبت باین پیشنهادی که شده اگر اظهاراتی دارید بفرمایید.

آقای بیات (اجازه)

بیات - عرضی ندارم.

رئیس - آقایان سهراب زاده عضو کمیسیون هستی؟

سهراب زاده - بلی بنده می خواهم عرض کنم چون همانطوری که آقای مخبر قبول کردند ممکن است بعضی اعضا کمیسیون موافق باشند و بعضی مخالف بنابراین بنده از آقای مدرس استدعا میکنم تا مل بفرمایند تا اینکه این پیشنهادشان يك جلسه بکمیسیون بیاید و مراجعت کند بعدا اگر می خواهند رای بگیرند.

رئیس - آقای مدرس چه می فرمایید؟

مدرس - بنده حالا که می بینم نظریات آقایان است که در این مسئله تأمل شود این پیشنهاد را پس می گیرم و بکمیسیون می فرستم اگر اشاعت نظریات موافق شد و دولت هم موافقت کرد در آخر قانون پیشنهاد می کنم.

رئیس - عین این پیشنهاد را آقای شیروانی کرده اند.

شیروانی - بلی بنده هم دو قسمت پیشنهاد کرده ام همان بکمیسیون برود بنده هم موافقم.

رئیس - پیش نهاد شاهزاده افسر چه باشد
 افسر - مقصود بنده از این پیش نهاد این بود که در این خصوص مذاکره بشود حال چون این پیشنهاد یکسویون رفت بنده هم یکسویون مراجعه می کنم
 رئیس - حق مراجعه به یکسویون را ندارید
 افسر - پس می گویم
 رئیس - پیشنهاد آقای آقامیرزا رضا خان حکمت (اینطور قرائت کردید)
 بنده پیشنهاد می کنم
 بنده از خالصجات انتقالی که مالکین و متصرفین آن از پرداخت مالیات جزو جمعی خود که تقبل کرده اند استنکاف دارند و به موجب قانون علیحده مشخص می شود
 میرزا رضا خان حکمت اساساً باید دانست که خالصجات که ما داریم چه صورتی دارد بقیعده بنده یک شخصاً با صدور فرامین بعنوان حاله املاکی گرفته اند و یک مالیاتی که در فرمان ذکر شده تقبل کرده اند که آن مالیات را همه ساله بدون کسر و نقصان بپردازند حالیکه عده شکایت دارند که این مالیاتی را که تقبل کرده اند و فانی گذر بایده است
 باین جهت بنده اینطور پیش نهاد کردم که بفر از خالصجات انتقالی که متصرفین و مالکین آن از پرداخت مالیات جزو جمعی خود استنکاف دارند اگر یک اشخاصی یک مالیاتی را قبول کرده اند و می پردازند دیگر لازم نیست کس یا علاوه شود
 امروز هم حاضرند ولی آن اشخاصی که شکایت دارند باید اظهارنامه بدهند شامل قانون علیحده باشند و بنده هم موافق که از آنها دو مقابل یا زیادتر هم گرفته شود
 ولی آن عده که قبول کرده اند و مالیشان را هم می پردازند آنها باید مشمول همین قانون باشند
 وزیر معارف - راجع به خالصجات انتقالی که حالا هم مذاکره شد بنده در ظرف امروز فردا یک جلسه در وزارت معارف بود و آقای رئیس کل ماله هم با سایر مستخدمین آمریکائی حضور داشته باشند در آنجا تصمیمی گرفته شود که موافق با همین نظریه آقایان هم باشد که در ضمن یک لایحه پیشنهاد کنند به مجلس حالا خوب است آخر قانون اگر این ترتیب صورت تکرت از طرف دولت نیامد مجلس ممکن است در آخر قانون این قسمت را آقایان پیشنهاد کنند
 حکمت - همان ترتیبی که فرمودند باشد مستعلا پس می گویم

رئیس پیشنهاد آقای ذوالقدر (اینطور قرائت کردید)
 بنده پیشنهاد می کنم
 در ماده اول اینطور اصلاح شود (سوی خالصجات انتقالی که بجمع خالصگی انتقال یافته است)
 ذوالقدر - بنده می خواستم تفکیک کنم بین خالصجات انتقالی و چون آقای وزیر معارف تشریف دارند تصور میکنم تصدیق کنند عرض بنده را چون خالصجات انتقالی دو قسم انتقال یافته است
 یک قسم این است که بقیعته خودش انتقال یافته و اینها در حکم املاک اربابی است و یک قسم دیگرش این است که حقیقتاً زمین بطن بطنی است که در سابق معمول بوده انتقال یافته است
 در قسمت اول که بقیعته واقعی خودش انتقال یافته و وزارت ماله هم تشخیص داده است
 اینها را ما نمیتوانیم مستثنی قرار دهیم زیرا امتیازی با املاک اربابی ندارند برای اینکه همانطوری که املاک اربابی را بقیعته صحیح خریدند اینها را هم بقیعته صحیح خریداری کرده اند و هیچ فرقی با املاک اربابی ندارند ولی آن قسمتی که بطن بطنی با وسیله پیش کش پارتیبت دیگری خرید شده در این قسمت دولت آمده است عایدات را ضمیمه مالیات کرده و حاشیه فرامین هم نوشته شده است که آن قسمت جزء جمعی یک قسمش جزء مالیات
 قسمت دیگر از عایداتش متعلق به صاحب ملک خواهد بود
 لهذا بقیعده بنده باید تفکیک شود و در صورتی که پیشنهاد آقای مدرس قبول شود بنده پیشنهاد می کنم
 برای اینکه آنوقت برای املاک خالصجات انتقالی حکم یک نواخت صادر می شود
 و اگر غیر از این بشود بقیعده بنده یک ظلم فاش می شود و نسبت به آن قسمت خاصی جانی که بقیعته واقعی خودش خریداری شده است
 وزیر معارف - در هر صورت چون بنده امروز فردا یک جلسه در وزارت معارف بود و آقای رئیس کل ماله هم با سایر مستخدمین آمریکائی حضور داشته باشند در آنجا تصمیمی گرفته شود که موافق با همین نظریه آقایان هم باشد که در ضمن یک لایحه پیشنهاد کنند به مجلس حالا خوب است آخر قانون اگر این ترتیب صورت تکرت از طرف دولت نیامد مجلس ممکن است در آخر قانون این قسمت را آقایان پیشنهاد کنند
 حکمت - همان ترتیبی که فرمودند باشد مستعلا پس می گویم

کازرونی - عقیده خود را بنده قبلاً عرض کردم
 مقصود بنده این است که مشخص شود در کلیه ملک عایدات از املاک چه قدر است املاک هم البته پارچه اشخاص است پارچه بدوات یا انتقالی است یا غیر انتقالی همانطوریکه ملاحظه می فرمائید وزارت پست و تلگراف آن مقداریکه وزارتخانه ها تخصیص داده اند بجهت تلگراف خودشان جزء عایدی خودشان محسوب می دارند که بالاخر اداره تلگرافی چه مبلغ عایدی داشته ام از این که عایدیش از طرف وزارتخانه ها باشد یا از طرف غیر وزارتخانه ها ما اینجا می آیم تکلیف قائل می شویم در صورتیکه وقتی املاک خالصه بپردازند گذار شد بنا شد که با املاک خالصه معامله ملکی کنند و از آنها صدقه مالیات گرفته شود بنظر بنده باین ترتیب فردا در مورد انتقالش با اشخاص اشکالی پیش نمی آید
 چرا؟ برای اینکه این ملک خالصه دولت در مقابل صدقه مالیاتی بپردازد عایدی دارد بنابراین اگر در وجه قدرت است قیمت آن ملک را خوب می شود تشخیص داد ولی اگر اینطور نکرده همیشه این اداره عریض و طویل راجع به خالصجات را خواهیم داشت و همیشه در سال سصد چهارصد هزار تومان ضرر خواهیم داشت و معلوم نیست که این ضررها از کجا وجه راه است
 در هر حال بنده حقیقه هیچ دلیل و فلسفه نمی بینم که خالصه دولت و انتقالی از این موم مستثنی باشد دیگر بنظر بنده آقایان است
 وزیر معارف - این پیشنهاد آقای کازرونی با توضیحی که دادند خیلی مناسب بود برای اینکه اگر پیشنهاد جناب عالی تصویب شود مفادش این است که از املاک اربابی خالصجات انتقالی و غیر انتقالی دولت صدی ۳ مالیات بگیرد و این چطور می شود که از خالصه غیر انتقالی که ملک خود دولت است صدی ۳ مالیات بگیرند و از خالصه انتقالی هم صدی ۳ اینکه نمی شود و این فرمایش خودشان را باید در جای خودش توضیح بدهند و این پیشنهاد ایشان اینطور می فهماند که دولت از کلیه املاک صدی ۳ بگیرد
 بنده نمی دانم چطور این پیشنهاد ممکن است عملی شود
 کازرونی - بنده استدلال میکنم چون سوء تعبیر کردند و اثرش بد است
 رئیس - پیشنهاد های راجع به قسمت الف قرائت می شود
 (پیشنهاد آقای آقامیرزا شهاب بمضمون ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم که ماده اول به فرادیل اصلاح شود
 ماده اول - مالیات املاک اعم از اربابی یا خالصه انتقالی الی آخر

میرزا شهاب بنده خیلی انتظار کشیدم در این پیشنهاد هائی که می خوانم بینم که در این پیشنهاد ها یک پیشنهادی هست که در عرض صد سه صد پیشنهاد شده باشد بنده هم وقتی که این پیشنهادها را خواندم دیدم این پیشنهادها عقیده بنده را تأیید میکنند و بنده عقیده داشتم که الحمد لله در مجلس شورای ملی یک اشخاصی هستند که اگر ما خواستیم یک مجلس سنائی تأسیس کنیم همینها میبایستی در آنجا عضویت داشته باشند حالا معلوم میشود که قانون میزبان است چه است چنانچه خود کمیسیون هم در این قانون تردید کرده که اسم آن را چه بگذارند این قانون میزبان است یا چیز دیگر است
 بهرحال چون راجع باین قسمت مذاکره نمیشود بنده هم مذاکره نمیکنم در اینجا نوشته اند از کل عایدات صدی سه این از دو قسم خارج نیست
 یا اینکه ماده بیست همین قانون که نوشته شده است که هر ارباب یا ولایتی را که میزبان کردند و ماخذ مالیاتی که بر طبق این قانون به آن تعلق میگیرد کمتر از مالیاتی باشد که حالا پرداخته میشود همان مالیات سابق را بگیرند یا اینکه این ماده بحال خودش باقی خواهد ماند و اگر اینطور باشد این بشوخی نزدیکتر است
 در این ماده که نوشته شده صد سه اگر باین ترتیب عمل شود عایدات کمتر می شود
 اسفندیاری - اینطور نیست
 (همه همین نمایندگان - صدای زنگ رئیس)
 میرزا شهاب - آقا اجازه میفرمائید بنده عرضم را بکنم عرض کردم اینجا مجلس سنا است و وقتی که صدی سه از عایدات را گرفتند نتیجه این میشود که بعد از اینکه دولت یک معارجی را متحمل شد و میزبان کرد و مردم بزحمت افتادند و اظهارنامه دادند و تقاضای نام دادند و رسیدگی شد آنوقت گفتند فلان ایالت یا ولایت این خالصه انتقالی هم صدی ۳ اینکه نمی شود و این فرمایش خودشان را باید در جای خودش توضیح بدهند و این پیشنهاد ایشان اینطور می فهماند که دولت از کلیه املاک صدی ۳ بگیرد
 بنده نمی دانم چطور این پیشنهاد ممکن است عملی شود
 کازرونی - بنده استدلال میکنم چون سوء تعبیر کردند و اثرش بد است
 رئیس - پیشنهاد های راجع به قسمت الف قرائت می شود
 (پیشنهاد آقای آقامیرزا شهاب بمضمون ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم که ماده اول به فرادیل اصلاح شود
 ماده اول - مالیات املاک اعم از اربابی یا خالصه انتقالی الی آخر

قانون که از تصویب مجلس گذشته میزبان شده
 دیگر نمیشود بر آنها مالیات وضع کرد و باید مالیات اصناف وضع کرد و می گویند مثلاً فلان صنف باید مالیات بدهد این است که بنده برای اینکه بعد نگویند که ماخذ مالیات از ماخذ سابقش نکند کرده است
 پس باید مالیات سابق را بگیرند پیشنهاد کرده ام که از حالا صد چهار بگیرند که تقریباً متساوی با مالیات سابقش شود و آقایان هم اغلب می دانند که صد سه از مالیات سابق هم کمتر خواهد شد و دیگر بسته است برای مجلس
 وزیر معارف - بنده عرض می کنم در مساله صد سه صد چهار نیست البته بنده بنا بر صرفه دولت شاید تکلیفم این باشد که با پیشنهاد آقای آقامیرزا شهاب موافقت کنم
 ولی حالا عرض بنده راجع بیکی دو فقره مطلب است که تهیه شده اول آن ماده بیست را که فرمودند دیگر با این ترتیبی که حالا قانون میزبان میگذرد غیر لازم خواهد بود و باید حذف شود زیرا وزارت ماله در ابتدا با این ماده موافقت نداشت و اینکه اگر همچون گذشته میکنیم یا فلان می کنیم اینرا هم نمی خواهد زیرا بواسطه این قانون و این ترتیبی که حالا می گذرد از مجلس و یک قدم خوبی است در راه مالیات دیگر ما محتاج بآن ترتیب نخواهیم شد و البته با صدی سه که هیچ با صدی چهار هم ممکن است عایدات دولت کسر شود ولیکن دولت و وزارت ماله باین ترتیبی که موافقت می کنند برای اینست که اساس مالیات ارضی در اینجا بر یک بنیان صحیحی گذاشته می شود زیرا هم برای مالیات دهندگان و هم برای مالیات گیران و بیاناتیکه آقای مدرس در ضمن پیشنهاد خودشان کردند خیلی بیان واقعی بود زیرا کار دولت را تسهیل میکنند که مثلاً یک روزی بعد از آنکه این قانون میزبان گذشت و دولت آنرا عمل کرد آنوقت دولت کاملاً میتواند فهمد که در هر قسم مالیات گرفتن عایداتش چقدر خواهد بود و اینکه بعد از یکسال خواهیم دانست که صد سه با چه میدهد و اگر صد چهار بکنیم چقدر می شود و همین طور اگر صد پنج بشود چه قدر می شود
 اگر لازم شد (اگر چه امیدواریم که لازم نشود) و عایدات دولت دچار اشکال شد آنوقت میتوانیم تقاضای صد چهار بکنیم و یک نکته دیگر را هم ما در نظر داریم و آن اینست که دولت با احتمال باینکه عایداتش نکند پیدا خواهد کرد این ترتیب را قبول کرده اند و علاوه وزارت ماله و دولت هیچ میل ندارند و تصویب نکرده اند

بر اینکه مردم را بواسطه مالیات در تحت فشار و مضرت بگذارند بلکه برعکس عقیده ما اینست که هر قدر بتوانیم ما از مردم کمتر مالیات بگیریم مخصوصاً از زراعت که امروزه وضعیتش در ملک ما چندان تریف ندارد و بلکه هر قدر بشود مساعدت با اصلاح و مالک کرد بهتر است
 بنا بر این اگر جزئی نکنی هم در عایدات داشتیم داغوا نخواهیم شد و یک نکته دیگر را هم باید ضمناً یادآوری کرد و آن اینست که گفته میشود اگر اینطور بشود بعد عایدات کسر خواهد آمد
 و مجبور خواهیم شد که برویم بر مردم دیگر مالیات بکنیم
 این را گمان میکنم اگر بنده بگذردی توضیح بدهم ایشان هم تصدیق میفرمایند که خیلی خوب است اگر اینطور بشود برای اینکه معنی ندارد در یک ملک یک معامتی مالیات بدهند و یک جماعتی دیگری مالیات ندهند
 چه دلیل دارد زارع و مالک مالیات بدهند ولی تاجر و اصناف ندهند معنی این مالیات اصنافی که امروزه هست بدست و بنیانش غلط است و البته تاجر و اصناف هر کس که در ملک کار میکند و عایدی دارد و استفاده میکند از وجود دولت باید مالیات بدهد
 اگر دولت لازم است برای ملک اگر کارهایی که دولت میکند لازم است اگر برای ملک هدایه و نظایه و معارف و سایر مؤسسات لازم است البته باید آنها هم شرکت کنند در اداره کردن آنها زیرا در مقابل از آنها استفاده میکنند و باید در معارج آنها هم شرکت کنند دایله ندارد بنده که مملکت نیست مالیات ندهم ولی کسی دیگر که مملکت است مالیات بدهد و اینرا هم در نظر داشته باشید که اولاً اگر کس تصور میکند تصدیق میفرمائید که باید یک مالیات های عادلانه تصویب کنیم چنانکه در نظر هم داریم و یک لواجه هم در این باب تقدیم مجلس شورای ملی شده است که در کمیسیون مشغول مطالعه است و دیگر اینکه ما ملایه شدم که همان طرزى که سابقاً گرفته میشد یعنی صدی سه صدی چهار بگیریم و اگر جزئی لطیف هم بایده است دولت وارد بیاید از این باب مالیاتی نخواهد بود
 رئیس - رای گرفته میشود باین توجیه بودن پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمائید (عده قلبی قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای میرزائی (شرح ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول قسمت الف ذکر شود بعد از وضع بنده صدی

سه دریافت شود
 رئیس - بفرمائید
 میرزائی - بنده سرمایه رعیت است اگر بنا شود از بنده هم هر ساله مالیات بگیرند دیگر چیزی باقی نمی ماند پس باید بنده را موضوع بکنند و سایر معارج را صدی سه قرار بدهند
 وزیر معارف - اینجا آمدند قرار گذاشتند که از کلیه صدی سه بگیرند والا اگر معخواستند از بنده بگیرند چه علت داشت که صدی سه بگیرند و عده عشر بگیرند میرزائی - استدلال میکنم پیشنهاد دامغانی - بنده پیشنهاد میکنم در قسمت الف از چشمه و رودخانه صدی سه و از قنوات صدی دو و نیم گرفته شود
 رئیس - بفرمائید
 دامغانی - بنده سابقاً هم عرض کرده بودم که قنوات دارای یک سرمایه است که با رستی بطور استهلاک برداشته شود و علاوه یک معارجی هم همیشه بآن توجه میشود که خراب میشود
 بنا بر این باید فرق بین آب چشمه و قنوات قائل شد حالا اگر چشمه رودخانه را میخواهند صدی پنج بگیرند لاف بکنند از آن صدی چهار بگیرند یا اگر صدی سه بگیرند بنده با آن صدی دو و نیم بگیرند برای اینکه عادلانه باشد زیرا قنوات خرج دارد و غالباً در مخاطره است و اگر این ترتیب نخواهند بگیرند بنده تصور میکنم ظالم است مابین حبه بنده پیشنهاد کردم از قنوات صدی دو بگیرند
 مخبر - بنده شمال میگردم در طول این مدت این جزئیات در نظر آقایان حل شده و هیچ محتاج به مذاکره نیست خاصه یک نفری که مثل آقای شریعتی در اصول ملک داری مهارت فوق العاده دارند یک ملکی که از آب چشمه بارودخانه مشروب میشود در اصل قیمت ملک فرق دارد با ملکی که از قنوات مشروب میشود در این یک چشمه خرجی ندارد اگر یک ملکی بایک اراضی که از آب قنوات مشروب میشود پنج هزار تومان قیمت داشته باشد آن ملکی که از آب چشمه بارودخانه مشروب میشود هزار تومان قیمت دارد معنی قیمت ملک بسته بکمی وزیادی معارج است
 در حقیقت اینجا هم رعایت تفاوت قیمت حاصل است و هیچ معیار اینها را رعایت نمی نمود زیرا تصدیق میفرمائید که خرج قنوات وقتی ملک تعلق میگیرد که ملک دارای قیمت کم باشد و در صورتی که ملک با آب رودخانه یا چشمه زراعتش حاصل میآید قیمتش بیشتر است و آن تفاوت در اصل قیمت ملحوظ شده است علاوه در تمام ایران چشمه هائی که ببرد زراعت می بخورد این اندازه ها زیاد نیست که نخواهند اینجا تفکیک کنند و مقصود کمیسیون دولت از تنظیم این قانون این بود که کلیتاً مالیات

یک نواخت باشد
 اگر هواجاناً نسبت معض از دستها قریح الجمله خسارت وارد شود چندان اهمیت ندارد
 فقط مقصود این بوده است که از زحمت و اشکالی که مردم در طول این مدت از دادن مالیات میکشند و بی ترتیبی هائی که تحمل میکردند راحت شوند والا اگر بخواهند در تمام جزئیات وارد شوند البته یک قنواتی هم هست که هیچ خرج ندارد و فقط یک معارج مقدمانی دارد و در دشت و کوهستان است و یک رودخانه هائی هم هست که حالت قنواتی دارد در سطح رودخانه با اراضی مجاورش تفاوت است و باید قنات بزنند و آب رودخانه بیندازند در قنات ولی بعضی جاها هست که همه ساله یک معارجی وارد و باید در زیر زمین قناتی نهی میکنند و آنرا روی یک فرسبی دور سوار کنند و اگر میخواهند اینها را تفکیک کنند باید در همه جا این قسمت مراعات شود ولی دولت خواسته است که کلیه املاک اعم از دیسی و آبی یک نواخت مالیات بدهند
 البته اعم فرق در قسمت دیسی و آبی هم پیش میآید ولی تمام اینها را در تحت این ماده تنظیم کرده اند که این اختلافات بکلی رفع شود
 رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای دامغانی آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمائید
 رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای زاهدی (شرح آبی خوانده شد)
 اینجانب پیشنهاد می کنم که قسمت الف این قسم تقسیم شود
 الف - املاک از کل معقول صحنی و شتوی باغات و قلستان و تاکستان و توتستان و بیشه و مراتع مصنوعی (از قبیل چمنزار و بونهزار و هیرسزار و نباتات علاوه از هر قسم) اعم از دیسی یا آبی صدی ۳
 رئیس - بفرمائید
 زاهدی - دو قسمت الف از برای اینکه تکمیل شده باشند باید پیش نهاد را کردم چون بعضی مراتع هست که خودش روئیده شده است و بعضی مراتع هست که از آنها را ایجاد کرده اند و ممکن است که از آنها صدی ۱ گرفته شود و چون ایجاد قسمت جزئیات مذاکره شد که فرق دارد بنده هم برای اینکه بعضی از این مراتع را حمل بر چنگل نکنند از این جهت این پیشنهاد را کردم
 مخبر - گمان می کنم که هیچ چیز در این ماده فرو گذار نشده و یک عبارت خیلی جامعی است زیرا عبارت ماده نوشته شده است از کل معقول اعم از آبی و دیسی و

باغات و در قسمت جنگل و مراتع آقلای زاهدی مراتع را به یک چشمهای مصنوعی که قیر از چشم های طبیعی باشد تغییر کرده اند و حال آنکه شامل آفتابانی- شود و مقصود آن چشم ها نیست که دست طبیعت با قدرت ایجاد کرده است مثلا اگر کسی يك قسمت از زمین را دارای چمن خودرو کند.

البته آنها هم حالت حاصل آبی را دارد و شامل حال آن چمن هائی می شود. مثلا یونجه زار را در قسمت مراتع قرار داده اند در حالتی که یونجه زار مرتفع نیست و خود را بویک حاصل است که از آب حاصل می- آید و مشمول حاصل آبی است.

رئیس زرای می گیریم باین پیش نهاد آقایان که قابل توجه می دانند قیام (عده قلمی قیام نمودند) رئیس قابل توجه نشد. پیشنهاد شده است جلسه ختم شود. جمعی از نمایندگان صبح است رئیس - در وقت ظهر از کمیسیون مرخصی رسیده است قرائت می شود رأی می گیریم بعد جلسه را ختم می کنیم. (خبر کمیسیون عرایض و مرخصی راجع به مرخصی آقای حاج حسن آقای ملک شرح ذیل خوانده شد)

آقای حاج حسن آقا ملک بواسطه کسالت بتجویز طبیب معالج برای تکمیل معالجه اجازه ۳ ماه مرخصی از تاریخ حرکت کرده اند که با واری عریض نمایند نظر باین در عرض این مدت از خدمات ملی و حضور در جلسات رسمی و کمیسیونها کمتر غفلت داشته اند لکن کمیسیون مرخصی ایشان را تصویب می نمایند.

حسن ملک رئیس - زرای می گیریم آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد. (خبر دیگر راجع به مرخصی آقای ذوالقدر شرح ذیل خوانده شد)

آقای ذوالقدر نماینده محترم بواسطه حدوث آفات وارده بر املاک از قبیل سیل و ملخ خوارگی و اختلال امور زراعت بموجب دعوت تلگرافی اهالی اجازه دو ماه مرخصی از تاریخ حرکت کرده اند که بنا بر اساس بلکه بتوانند موفق بیارند تریبانی شده کسور ماضیه را جبران کنند.

کمیسیون این تقاضا را پذیرفته و غیبت دو ماهه ایشان را از تاریخ حرکت تصویب می نماید. حسن ملک رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده در جلسه سابق که مرخصی ها مطرح بود استدعا کردم ملاحظه اکثریت مجلس و آخر عمر مجلس را هم بفرمایند ولی متأسفانه اول مرتبه مرخصی رئیس کمیسیون مرخصی مطرح شد و حالا بنده تصدیق دارم که ایشان این مدت زحمات زیادی متحمل شده اند بلکه گاهی از اوقات هم يك نظری کمیسیون را تشکیل می داده اند.

بنده نمایندگان (خنده نمایندگان) ولی با پیشنهاد آقایان بنده مخالفم اگر چه خیلی ارادت هم آقایان این الشریعه دارم و در دود قیل و این دوده هم هنوز بر خصم نگرفته اند و این مدت کمتر از دیگران هم خدمت نکرده اند. ولی در آخر مجلس باید ملاحظه اکثریت را هم کرد زیرا اگر باین ترتیب مرخصی ها تصویب شود معاسر منحل می- شود و کارهای زیادی هم که در این مدت تهیه شده و باید در این آخر عمر مجلس بگذرد هم بطور معوق می ماند و بنده از این جهت مخالفم.

رئیس زرای می گیریم آقایانی که مرخصی دو ماهه آقای ذوالقدر را تصویب می کنند تمامه مانند (اغلب تمام نمودند)

رئیس تصویب شده بقیه مذاکرات برای روز ۳ شنبه يك سوالی آقای تهر زاده دارند از آقای وزیر مالیه راجع بکاربان و آذوقه عمومی

تهر زاده - بنده سوال را در ۲۰ روز قبل کرده بودم ولی قدری جهایش تأخیر افتاد و در این بین هم خیلی مذاکرات بطور غیر طریق سوال یعنی بطر مذاکره قبل از دستور در مجلس برای آذوقه عمومی شده است.

ولی بهترین راه همین است برای خود دولت مستقیماً سوال شود و بنده پیش از این در باب سوال عرضی ندارم و حالا چون آقای وزیر مالیه برای دادن جواب حاضر شده اند بنده هم فقط همان سوالی را که از دولت شده است می خوانم: (آیا وزارت مالیه از وحشت عمومی که در افکار مردم تهران نسبت بامر آذوقه عمومی در فصول آینه موجود و از شکایاتی که فعلاً از سختی کارنان و بدی جنس و تلخی نان است کاملاً مستحضر است و آیا این وحشت کاملاً بوقوع بوده و مبنی بر اسباب حقیقی است یا مبالغه در آن می شود و بالاخره وزارت مالیه چه اقداماتی برای اطمینان قلوب و تسکین خاطر و گشایش در کارنان فعلاً و آسودگی مردم در آینه بعمل آورده است

مناسب است که نمایندگان ملت و عامه از این اقدامات اطمینان بخش در صورتیکه بعمل آمده است مستحضر شوند) این سوالی است که شده است.

وزیر مالیه - در این باب هم مثل سایر مسائل دیگر باید متوجه بود که از افراط و تفرط احتراز شود یعنی مبالغه از هیچ طرف نباید کرد و بنده همیشه مقید هستم باین که اظهاراتم و عرایض مخصوصاً در مجلس شورای ملی که مرکز رسم مملکت است بعقیدت نزدیک باشد و کلیتاً از مبالغه و اغراق احتراز دارم و همین طریق هم جواب سوال نماینده محترم را عرض میکنم نسبت بگذشته تصور میکنم هیچ محل حاجت نباشد بنده اینجا تشریح کنم.

اوضاع زراعتی و معسول امسال را نمی توان پنهان کرد نباید هم پنهان کنیم که اوضاع زراعتی امسال خوب نیست و این نامساعدی اوضاع زراعتی عمومیت دارد تقریباً در تمام مملکت نه تنها در مملکت ما باشد بلکه در ممالک خارجه هم همین حال است آمدن است و علت هم کمی بارندگی و خشک سالی بوده است و امید داریم در سال آینه اینطور پیش نیاید.

ولی امسال اینطور بوده است اوضاع هوا سردی در غیر موقع و نیامدن باران و برف و همینطور گرمی بموقع همه اینها اسباب شده که زراعت خوب نشده و علت دیگری که تقریباً عمومیت دارد در مملکت آن مسأله گاو میری است و آقایان مستحضرند که امراض متعدده برای حیوانات در این اواخر پیدا شده است

که من جمله گاو میری است که خیلی از گاوها مرده است و البته چون گاو هم یکی از عوامل موثره در امر زراعت است از این جهت صدمه بزرگت وارد آمده است و از این دو علت که تقریباً عمومیت دارد بگذریم بعضی علت ها هم که عمومی نیست در بعضی قسمتها پیش آمده است مثل اینکه حاصل در بعضی نقاط زنگزده است و هم چنین آفت بزرگی که در زراعت هست و گاهی پیدا می شود سن است و این آفت های متعدده که در بعضی جاها کمتر و در بعضی جاها بیشتر است اسباب کمی حاصل شده است و روی هم رفته در غالب نقاط صدمه و صدمت بزیست زراعت کسر شده است

ولیکن از همه جای مملکت بدتر اوضاع زراعتی همین همین ایات تهران است که آقایان خاطرشان مسبوق است که تهران يك منبع زراعتی مهمی که داشته و دارد بلوک ورامین است و در ورامین بقدری کسر دارند که تقریباً حاصل هیچ است و از برای اینکه اشکال کار از زراعت طهران و آقایان بگذردی مسبوق شوند عرض می کنم که تهران در سال صدمه هزار خروار جنس لازم دارد و متعارفاً در سالی که زراعت بد نباشد قریب دو ثلث از این مقدار حاجت را خودش فراهم میکند و يك ثلث را از خارج میاورند

ولی امسال بکلی معکوس شده است و يك ثلث هم شاید کمتر بتوان از خود اطراف تهران تهیه کرد و واقعی را باید از خارج فراهم نمود.

دیگر باین ترتیب حاجت تهران که اظهار کنیم کار از زراعت طهران مشکل است و این يك نکته دیگر هم در کار زراعت هست که آن تکسانیکه از کار زراعت اطلاع دارند میدانند و آن اینست که وقتیکه جنس خوب نشد یعنی کسر شد و ضعیف شد مواد خارجی و مضره بر حاصل غلبه میکند این تخم های مواد خارجی هر زایشها همه هست

ولی وقتیکه جنس خود گندم خوب و قوت دار شد آن مواد خارجی مغلوب می شود یا اینکه هیچ می شود ولی وقتی که زراعت ضعیف و سست شد مواد گندمی نمی تواند مقاومت کند و مواد مضره بر آن غلبه می کند.

حالا در بعضی جاها خاصه در ولایت طهران بواسطه اینکه زراعت بد بوده و ضعیف بود این مواد مضره غلبه کرده است. این مقدار گندم هم که از خارج طهران تهیه می شود از قبیل ساوجیلای و شهر بار و قار و قشایره مختلف است بعضی گندم بعضی بیشتر جنس اینها بد است یعنی مواد خارجی از قبیل تلخه و کوزل دارد و اینها هم طوری است که خسار و اجزاء آنها را متصدیان امر از آن نمی توانند جدا کنند زیرا نه بوسیله جواری می شود آنها را جدا کرد و نه بوسیله دیگر قضا و سیله اش این است که مثل برنج که وقتی می خواهند طبع کنند دانه دانه جدا می کنند و یک مکنند مواد خارجی اینها هم همانطور جدا کنند.

الله تصدیق می فرماید برای يك شهریکه روزی سیصد خروار جنس باید طبع کند این سیصد خروار را نمی شود دانه دانه پاک کرد.

در این صورت شکی جنس و بدی آن سبب می شود که بالنتیجه نان بد می شود و البته چون جنس ها مختلف است مثلا یک وقتی يك روزی يك مغلی بهتر است بدی و تلخی نان هم کمتر است و همینطور یک روز بدیش زیاد تر است این است بطور اجمال وضع ارزاق و همانطور که عرض کردم بر هیچکس هم پنهان نباید باشد که بد بوده.

اما در این راه نباید مبالغه کرد و از همان مردم هم نباید زیاد متوحش باشد و البته سخت هست و فرادان و خوب هم نیست و آنطوریکه مطلوب و منظور است نیست ولیکن نباید تصور این را کرد که بقدری سخت باشد که واقعا بمردم صدمه وارد بیاورد.

تا وقتی که محتاج نبودیم از نقاط دورتر مثل زنجان و عراق جنس بیاوریم نمی آوری ولی حالا ناچاریم يك قدری پارهان را دورتر بگذازیم و و الا

دولت و اداره ارزاق اقدامات خیلی مجدانه کرده است و اگر ملاحظه کرده اند که در این اواخر ارزاق سخت بوده و نان کم بوده است و جنس بد شده علت را باید در نظر گرفت و تصور نفرمایند که کوتاهی شده و همانطور که عرض کردم ورامین که يك قسمت آذوقه طهران را می داده است امسال آذوقه طهران که نتوانسته است کمک نماید بلکه از جاهای دیگر طهران باید بآنها کمک شود.

اما البته اقدامات جدی که کرده است عبارت از این است که جنس را از جاهای دیگر فراهم میکنند و برای اطمینان خاطر آقایان و عموم مردم عرض می کنم کارو بهم رفته در مملکت بقدر کفایت جنس هست این را آقایان بدانند آذوقه تنگ و سخت نخواهد شد که فراهم نشود و اگر سخت بوده و جنس بد بوده از این اندازه که تا اکنون بوده است سخت تر نخواهد شد و همانطور که عرض کردم بواسطه این است جنس اطراف طهران از همه اجناس بدتر است و چون سز خرمن است و دست لازم دارد که از اطراف تا اینجا برسد و آذوقه طهران از جنس خود طهران بوده است و در این مدت که بد بوده است باین دلیلی که عرض کردم بد بوده است و امیدوارم طوری بشود که نان خیلی خوب بشود و بهتر از حالا بشود بطوریکه اسباب زحمت برای مردم نشود.

ولی چیزیکه هست این است که جنس هست بقدر کفایت اما اوقات دیگر که حاصل خوب است مملکت ایران می تواند از جنس گندم و جو صادرات داشته باشد و مخارج هم بدهد ولی امسال شاید دیگر مانعی نتوانیم بخارج چیزی بدهیم.

ولی امیدوارم و یقین دارم بطوریکه خودمان هم تنگی بکشیم و گرسنگی بخوریم بیش نخواهد آمد و چیزیکه هست این است که سابق بر این آن کسریکه برای طهران داشتیم بقدر يك ثلث بود که روی هم رفته سی هزار یا چهل هزار خروار بود که مجبور بودیم از خارج طهران بیاوریم ولی امسال دو برابر این را باید بیاوریم و البته وقتی که نباشد مقدار زیادتری بخواهیم جنس بیاوریم مجبوریم که متوسل شویم بنقاطی که دورتر است و قبل از این وقتی که حاصل خوب بوده است بآنجا نمی رفتیم اشتیم حالا بیاوریم و البته آقایان می دانند وقتی که از راه دورتر بخواهیم جنس بیاوریم کرایه زیاد تر خواهد شد و گران می شود و صرف نمی کند.

تا وقتی که محتاج نبودیم از نقاط دورتر مثل زنجان و عراق جنس بیاوریم نمی آوری ولی حالا ناچاریم يك قدری پارهان را دورتر بگذازیم و و الا

ما از نقطاتی که جنس بیاوریم بکلی مثل کرمانشاه است و البته باین واسطه جنس گرانتر برای اداره تمام میشود و باین جهت بده است که قیمت نان این چند روزه بگذردی بالا رفته است و این بالا رفتن قیمت نان تنها برای این است که کرایه زیاد بر می داشته است بلکه يك چیز دیگری را هم در نظر داشتیم که تصور میکنم آقایان تصویب فرمایند نظر دولت را و آن این است که راست است که مردم باید از حیث ارزاق مطمئن باشند و آذوقه هم بیک حاجت ضروری است و حتی الامکان باید برای مردم سهل باشد و مخصوصاً از حیث قیمت این اصل ضعیف است.

اما از آن طرف هم باید این نکته را در نظر داشت که ارزاق هم مثل سایر مردم سهل باشد و مخصوصاً از حیث قیمت این اصل ضعیف است. اما از آن طرف هم باید این نکته را در نظر داشت که ارزاق هم مثل سایر مردم سهل باشد و مخصوصاً از حیث قیمت این اصل ضعیف است.

در جمله زارع و فلاح اگر این زحمتی که میکنند این زراعتی که میکنند گران جنس را از او بطوری بگیرند که نفی نماند البته تیره و محسن رضای خدا زراعت کنند.

این بود که دولت ملاحظه کرد که امسال باین ترتیب که پیش آمد مقتضی است قدری مصرف کنندگان جنس و نان هم تحمل این اضافه را میکنند تا اینکه فراهم کنندگان جنس هم راحت باشند و ضرر هم نداشته باشد و تشویق هم شده باشد و از این جهت است که اداره ارزاق میخواهد يك قدری از مردم گرانتر بخرد که خرواری چهار تومان در طهران و در ولایات هم بفرخور حال دو تومان و سه تومان بر قیمت جنسی که میخریم اضافه کردیم و باین واسطه هم مجبور بودیم بر قیمت نان اضافه کنیم زیرا که رای دولت ممکن نبود که بتواند ضرر کند آنچه ضرری که تقریباً چند روز است و البته برای اینکار نداشت که دولت این مقدار ضرر را قبول کند زیرا آقایان مسوقند که در جاهای دیگر هم که دولت متصدی امر ارزاق نیست قیمت نان بالا رفته و این يك امری است فیزی و طبیعی پس در جواب نماینده محترم بطور خلاصه عرض میکنم که وضعیت ارزاق البته امسال فوق العاده و سخت بوده است و زراعت خوب نبوده است و اگر این دولت فعلی و انتظامات فعلی نبود شاید بر مردم خیلی سخت میگذاشت و شاید هیچ سالی از سنوات سابقه باین ترتیب نبود ولی با جدیتی که از طرف دولت بعمل آمده است و مخصوصاً باین وسایل نقلیه فعلی که حقیقتاً بهبودی در وضع وسایط نقلیه پیدا شده است که میتوانیم از نقاط دورتر جنس فراهم کنیم و بر مرکز برسانیم منتهی يك قدری دیر زود دارد و همینطور از جاهای دیگر

هم تهیه شده است از قبیل آذربایجان زنجان ملایر گلپایگان و نقاط مختلفه دیگر که بعضی دورتر و بعضی نزدیکتر است و بعضی هم در بین راه است که شاید در ظرف بکی دو هفته برسد و من حیث المجموع اینها را عیب بی خواهید کرد و تقریباً را طوری گرفته ایم که انشاء الله در سال آینه در سر خرمن مقداری هم اضافه بفرمایند تا سال جاری ذخیره داشته باشیم بطوری که در سال قبل هم داشتیم و اگر در سال گذشته از آن ذخیره نداشت یقیناً اوضاع ارزاق امسال بدتر می شد جنس تهیه شده است و محل ها هم همه معین شده است و بیروگرام تهیه نان هم فراهم شده است که دولت تصویب کرده است و مشغول اقدام هم شده است. بعضی در راه است و بعضی دیرتر خواهد رسید و بعضی ها هم عتیقرب خواهد رسید و در این صورت آقایان مطمئن باشند وضعیت نان که سخت تر از این نخواهد شد اجازه می فرماید از طرف وزیر فوائد عامه لایحه راجع باعطای امتیاز چراغ برق اصفهان بيك نفر را تقدیم مجلس شورای ملی می کنم.

این بود که دولت ملاحظه کرد که امسال باین ترتیب که پیش آمد مقتضی است قدری مصرف کنندگان جنس و نان هم تحمل این اضافه را میکنند تا اینکه فراهم کنندگان جنس هم راحت باشند و ضرر هم نداشته باشد و تشویق هم شده باشد و از این جهت است که اداره ارزاق میخواهد يك قدری از مردم گرانتر بخرد که خرواری چهار تومان در طهران و در ولایات هم بفرخور حال دو تومان و سه تومان بر قیمت جنسی که میخریم اضافه کردیم و باین واسطه هم مجبور بودیم بر قیمت نان اضافه کنیم زیرا که رای دولت ممکن نبود که بتواند ضرر کند آنچه ضرری که تقریباً چند روز است و البته برای اینکار نداشت که دولت این مقدار ضرر را قبول کند زیرا آقایان مسوقند که در جاهای دیگر هم که دولت متصدی امر ارزاق نیست قیمت نان بالا رفته و این يك امری است فیزی و طبیعی پس در جواب نماینده محترم بطور خلاصه عرض میکنم که وضعیت ارزاق البته امسال فوق العاده و سخت بوده است و زراعت خوب نبوده است و اگر این دولت فعلی و انتظامات فعلی نبود شاید بر مردم خیلی سخت میگذاشت و شاید هیچ سالی از سنوات سابقه باین ترتیب نبود ولی با جدیتی که از طرف دولت بعمل آمده است و مخصوصاً باین وسایل نقلیه فعلی که حقیقتاً بهبودی در وضع وسایط نقلیه پیدا شده است که میتوانیم از نقاط دورتر جنس فراهم کنیم و بر مرکز برسانیم منتهی يك قدری دیر زود دارد و همینطور از جاهای دیگر

مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا منشی مشهاب دکتر احتشام طباطبائی

جلسه هیوست صورت شرح مجلس یکشنبه پنجم مهر ماه ۱۳۰۴ مطابق هشتم ربیع الاول ۱۳۴۴ مجلس دوساعت و نیم قبل از ظهر بر ریاست آقای تدین نایب رئیس تشکیل گردید صورت مجلس سه شنبه سی و یکم شهریور را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای مدرس (اجازه) مدرس - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم

نایب رئیس - آقای انعام (اجازه) انعام قبل از دستور عرض دارم نایب رئیس - آقای شوشتری (اجازه) شوشتری - قبل از دستور عرض دارم نایب رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه) شریعت زاده - قبل از دستور عرض دارم نایب رئیس - نسبت بصورت مجلس

مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا منشی مشهاب دکتر احتشام طباطبائی

اعتراضی نیست؟ (گفته شد: خیر) نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد آقای مدرس (اجازه) مدرس - بنده قبل از وقوع این وضعیت معارض نشد باین وضعیت و حال من هم خیلی سخت تر است این دوسه روزه که قدرت بر حرکت نداشتیم حالا هم با اعانت کتندگان خدمت آقایان رسیدیم و خود را معکوف دیدیم که يك عرایض کنیم و از مقام ریاست تقاضا و خواهش بکنیم دولت را احضار کنند و کشف حقیقت و هویت این اوضاع گناه حقه از برای من و سایر آقایانی که شاید نماند نماند شود.

البته همچون بود که اگر من نباید این صحبت داشته نشود البته همه آقایان بفرموده من موظف خودشان رفتار می کردند ولی از باب اینکه از همه نظار های خود عقب نماند ما شایسته

حالا هست دولت دستنند ما بنا خوش ولی اظهارات را میکنند البته اظهارات من بگوش آقایان می رسد مقام ریاست مجلس را احضار می کنند یا در همین مجلس یا در مجلس دیگر بیاناتی که آنها بفرمایند البته آنوقت من هم می شوم آقایان هم می شنوند یا قانع می شویم یا نمی شویم

مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا منشی مشهاب دکتر احتشام طباطبائی

جلسه هیوست صورت شرح مجلس یکشنبه پنجم مهر ماه ۱۳۰۴ مطابق هشتم ربیع الاول ۱۳۴۴ مجلس دوساعت و نیم قبل از ظهر بر ریاست آقای تدین نایب رئیس تشکیل گردید صورت مجلس سه شنبه سی و یکم شهریور را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای مدرس (اجازه) مدرس - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم

نایب رئیس - آقای انعام (اجازه) انعام قبل از دستور عرض دارم نایب رئیس - آقای شوشتری (اجازه) شوشتری - قبل از دستور عرض دارم نایب رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه) شریعت زاده - قبل از دستور عرض دارم نایب رئیس - نسبت بصورت مجلس

مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا منشی مشهاب دکتر احتشام طباطبائی

اعتراضی نیست؟ (گفته شد: خیر) نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد آقای مدرس (اجازه) مدرس - بنده قبل از وقوع این وضعیت معارض نشد باین وضعیت و حال من هم خیلی سخت تر است این دوسه روزه که قدرت بر حرکت نداشتیم حالا هم با اعانت کتندگان خدمت آقایان رسیدیم و خود را معکوف دیدیم که يك عرایض کنیم و از مقام ریاست تقاضا و خواهش بکنیم دولت را احضار کنند و کشف حقیقت و هویت این اوضاع گناه حقه از برای من و سایر آقایانی که شاید نماند نماند شود.

البته همچون بود که اگر من نباید این صحبت داشته نشود البته همه آقایان بفرموده من موظف خودشان رفتار می کردند ولی از باب اینکه از همه نظار های خود عقب نماند ما شایسته

حالا هست دولت دستنند ما بنا خوش ولی اظهارات را میکنند البته اظهارات من بگوش آقایان می رسد مقام ریاست مجلس را احضار می کنند یا در همین مجلس یا در مجلس دیگر بیاناتی که آنها بفرمایند البته آنوقت من هم می شوم آقایان هم می شنوند یا قانع می شویم یا نمی شویم

مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا منشی مشهاب دکتر احتشام طباطبائی

جلسه هیوست صورت شرح مجلس یکشنبه پنجم مهر ماه ۱۳۰۴ مطابق هشتم ربیع الاول ۱۳۴۴ مجلس دوساعت و نیم قبل از ظهر بر ریاست آقای تدین نایب رئیس تشکیل گردید صورت مجلس سه شنبه سی و یکم شهریور را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای مدرس (اجازه) مدرس - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم

نایب رئیس - آقای انعام (اجازه) انعام قبل از دستور عرض دارم نایب رئیس - آقای شوشتری (اجازه) شوشتری - قبل از دستور عرض دارم نایب رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه) شریعت زاده - قبل از دستور عرض دارم نایب رئیس - نسبت بصورت مجلس

مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا منشی مشهاب دکتر احتشام طباطبائی

بنده هم با حالت تب آدم بیرون مجلس بواسطه اینکه مجله قدری خلوت شود آنجا ایستادم قدری دلناری دادم سردم با آنها شریک شدم در این مصیبت که حق را بجات آنها میدهم.

اطمینانم هم بقدر خودم بود دم دادم بعد منتهی شد بگریه آنها دستم را بچسباند زنها مردها کوچکها بزرگها و منتهی شد بوسلانی که بقصد من خیلی غم مشروح است.

البته موکلین حق دارند هم مطمئن دارند خدمت آقایان و کلا و مجلس شورای ملی که خدمتگذار آنها است اظهارندازند و آنها هم بذل جهد باید میکنند در انجام آن وهم چنین دولت کسر کار است ولی منتهی شدن بعضی تشبیهات هیچ داخل هیچ کاری نبود. با اینکه توهین بعضی مردمان محترم داخل نبود و حقایق این مطالب و مطالب و هویت آنها کاملا به شخص من گمگشفت نیست.

اگر بر شخص من معلوم بود با این گسالت که فرعاً و عقلاً لازم نبوده نمی آمدم اینجا و بشخص من یک حرفی بیفام دادن قانع نمی شوم.

باید بیان حقایق و هویت مطالب در این مقام مقدس بشود که یک مقام رسمی است الان که دولت حاضر نیست که این اظهارات مراجع را بدو کشف حقایق بشود و بسبب مردهانی که حسد منشا نان خواستن است مردمانی که حسد منشا عملیات دیگر است.

علاوه بر این منشا نشیون و صلوات غیر مشروع است؟

علاوه بر این فکر شور و زاری را خرج ارزاق کرده اند؟ تصایح بنده را که در عرض ده روز صدف سرخ راه اطراف طهران رفتم و تعقیب از وضعیت کردم و با آنها گفتم ترتیب اثر برش دادند. یاداند؟ امروز که روز سختی نیست اگر نباشد سخت بر مردم باشد پس فردا که یک سرما و یک بارندگی میشود آنوقت چه میشود؟

اگر یک طفلی از گرسنگی بمیرد از باب نبودن نان...

یک دهنه از باب نداشتن پول است که الفلاسون فی خطر عظیم یک دهنه از باب نبودن نان است.

من عقیده ام این است که حضرت می فرماید بدترین درداست که شخص بخواد سیرو اطرافش باشند که از درد گرسنگی بنالند.

وای بر ما اگر همچو اتفاقی بیفتد (جمعی از نمایندگان صحیح است) حالا از مقام ریاست مندرت میخواهم که خیلی با کمال بی ادبی ایستادم و هم صحبت داشتم.

البته این عرایض که من کردم خیلی

مختصر است ولی اصل مطلب این است که غیر کنند دولت باند حقیقت مطالب کشف شود از آن یک طفلی که قدم برداشته است و او را گرفته اند یا اینکه آمده است این شیشه را شکسته است مسبب این کار را همین کنند چه اشخاصی بودند حقیقت را فرمایند و اینکه من من تنها خبر دهنده که حسن یا حسین را فلان مرد قانع نمی شوم. باید همین طوری که در این مقام رسمی با دولتی که نظر مخالفت با او ندارد و او را در حفظ اصلاح مافات می فرماید آنجا و در در اظهار کردم آنها نباید علاوه بر مردم را علاوه بر مردم (نم) گویم بقدر من. شاید زیادتر همه را (نم) علاج را باید اینجا بفرمایند و همه را قانع کنند.

جمعی از نمایندگان صحیح است.

نایب رئیس آقای اتحاد (اجازه)

اتحاد عرایضی که بنده حضور مبارک آقایان محترم میخوانم عرض کنم مجبورم قبل از دستور عرض کنم.

اگر بخاطر مبارک آقایان باشد در سال گذشته در موقعی که بوده وزارت داخله مطروح بودند به عنوان مخالفت با بوده وزارت داخله داجه بود. همان زمان و سبب آنکه که یک از خودمهای انتخابی با لاجب این است عرایض کرده و آن روز عرض کرده که دو نفر از اشقا و قطاع الطریق و دزدها را بعنوان رئیس امنیه آنجا گذاشته اند و اینها با مال و نفوس و اعراض مردم مازی می کنند.

سایر هم گفتا نکردم در همان تاریخ آقای رئیس امنیه را که آقای سردار رفعت باشد ملاقات کردم و با ایشان مذاکره کرده و بالاخره نام روز و فردا گذشت تا این واقعه که به عرض آقایان میرسانم اتفاق افتاده است.

در چند روز قبل که تقریباً یک هفته یا کمتر باشد بر حسب اشاره دولت اهالی محل یک نفر از آنها را کشته اند و برادر آن شخص که یکی از این قطاع الطریق باشد تمام سبب آنکه که یک قصبه است و شش هزار نفر نفوس دارد و تقریباً هفت هشتاد نفر (آنچه تا بحال خبر رسیده است) کشته اند و تمام مردم متواری و بی خانمان شده اند و من هیچ وسیله ندارم جز اینکه برض آقایان برسانم که امروزه هزار نفر ایرانی بواسطه غفلت یا تقاضی در زیر آسمان متواری هستند.

دیروز شنیدم که تلگرافانی از آنجا نمود دایر این مسأله رسیده است و تلگرافخانه گفتند چون این مسئله سیاسی است به صاحبان تلگراف فرستاده اند.

تا اینکه مکاتب رسید از یکی از وزراء هم پرسیدم اطلاع نداشت گفتند تحقیق میکنم.

بهر صورت اینها ایرانی هستند.

اینها و دیده الهی هستند اینها امانت هستند این شخص که این عریضه را نوشته است یکی از مجتهدین آنجا است که تمام دارائی و وزندگانی او را سوزانده اند سر برهنه و با برهنه بلاهیجان آمده است.

از این جهت از مقام محترم مجلس مقدس تمنی دارم که بدولت اظهار شود اولاً هر چه زودتر بقه نفوس که قتل در آن حدود زنده هستند بوسائلی که در دست دارد محافظت کند و بعد یک کمیسیون تشکیل بدهند که شاید یک امانت باین بدیها برسد.

بعضی از نمایندگان - دستور.

نایب رئیس - خبریست از کمیسیون عرایض و مرخصی راجع بتجدید مرخصی آقای آقا شیخ عبدالرحمن کمیسیون هم تصویب کرده است.

(شرح ذیل قرائت شد)

آقای آقا شیخ عبدالرحمن نماینده محترم بواسطه کسالت مزاج وعدم وسائل حرکت نقضای باز در روز تصدیق مرخصی از تاریخ اول شهریور نمودند.

کمیسیون مدار ایشان را موجه دانسته و تصویب می نمایند که از تاریخ اول شهر بود لغایت یازده روز غایب مجاز باشند.

نایب رئیس - نسبت باین خبر مخالفتی نیست؟

(اظهار شد)

نایب رئیس - آقایانی که مدت یازده روز مرخصی آقای آقا شیخ عبدالرحمن را تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اگر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. آقای حائری زاده.

حائری زاده - بنده در دستور عرض دارم.

اگر چه قانون میزبانی قانونی است که نباید بگذاریم معال شود ولی فرار از انتخابات تقریباً معال یک اصلاحی است که در قانون انتخابات باید بشود نشده و ریورتر تقدیم مقام ریاست شده یکی دو فقره از مواد است که باید حذف شود که منافات با مواد جدید دارد و یک کلمه هم در مواد است که باید تبدیل شود.

خوبست در اول جلسه جزء دستور قرارداد شده که تکلیف وزارت داخله معلوم شود.

نایب رئیس - نسبت باین پیش نهاد مخالفی نیست؟

اتحاد - بنده مخالفم.

نایب رئیس - بفرمایند.

اتحاد - بطوری که دیروز ببعضی از آقایان عرض کردم مخالفت بنده با اصل موضوع نیست.

البته یک قانونی که وضع می شود

مواردی که منافات با آن قانون دارد باید لغو شود و فعلاً هم بنده مخالف نیستم ای برای اینکه در قانون مخالف را دولت نمی تواند اجرا کند.

ولی کیفیت این پیش نهاد بنده مخالفم برای اینکه ما یک قانون اساسی داریم و آن نظامنامه داخل مجلس است. یک کمیسیونی کار خودش را کرده و وزارت داده.

شود و در هر چه شده و بالاخره تمام مراحل قانونی را طر کرده و فعلاً این خبر بعنوان کمیسیون است یک خبر دیگر هم تهیه کرده اند راجع بجدولها آنچه بود مکمل و نسبت بالاخره معلوم نیست کمیسیون انتخابات تا که ریاست کارش را تمام کند.

بنده عقیده دارم یک کمیسیونی که ریاستش را داد کارش تمام شده است و عقیده بنده این را برایت شکل طرح قانونی پیش نهاد و تصویب شود که مخالفتی هم با نظامنامه نداشته باشد.

نایب رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - من با قاعه اتحاد حق می دارم که اگر کمیسیون فرات حاصل کرده بعد بشنید یک ریورتری تنظیم کند و تقدیم مقام ریاست کند کار ناصحیحی است ولی کمیسیون مشغول بکار است و چون وقت تنگ بود کمیسیون اجازه دادند بعضی مواردی که لازم است آنرا استخراج کنند تصویب شود که تکلیف وزارت داخله در کسالت انتخابات معلوم باشد حتی بعضی از آقایان با ما همراهی میکنند و می گفتند ما برای باین مواد میرویم و بعد از تمام شدن مواد جدول را تنظیم کنند و بر حسب وعده که آقای مغبهر دادند که ما با فاصله ۳ روز ریورترش را تقدیم میکنیم مجلس هم موافقت کرد و حقیقتاً کمیسیون مشغول بکار است و موافق آن را بر نمی که کمیسیون داده اگر مجلس قبول کند در ماده اول قانون عهد و کلاه بهم می خورد صدوس و شش نفر ۵۰ نفر می شود و اگر این کمیسیون مشغول بکار نبود فرمایش آقای اتحاد وارد بود ولی چون مشغول بکار است این ایسراد وارد نیست.

نایب رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای حائری زاده. آقایان بیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اگر نمایندگان برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد.

(ریورتر کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده ماده بیست و پنج و سی و نه قانون انتخابات مورخه بیست و هشتم شوال مزبور همچنین عبارت در ۳ روز متوالی ۳ مندرجه در ماده ۲۱ قانون دوازدهم شهریور ۱۳۰۴ نسخ و عبارت «دارنده تعرفه» مندرجه

در ماده بیست و هشتم قانون بیست و هشتم شوال ۱۳۲۹ عبارت «رأی دهنده» تبدیل میشود.

کمیسیون تجدید نظر و قانون انتخابات مکلف است مواد پنجاه و سه گانه قانون انتخابات را که قسمتی از آن بر طبق قانون دوازدهم شهریور ۱۳۰۴ تصویب شده و بقیه از مواد قانون انتخابات بیست و هشتم شوال ۱۳۲۹ میباشد تحت نظر ترتیبی در آورد.

نایب رئیس - توضیح عرض میکنم خبر این کمیسیون که طبع و توزیع شده است با آنچه که قرائت شد یک مختصر صرفی دارد. این را تا بنای تنظیم کرده اند.

آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - موافقم.

نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - موافقم.

نایب رئیس - آقای دستغیب دستغیب راجع بنصین ساعت که نوشته است آنهم حذف شود این را بنده معتاد بدست نمی دانم برای خاطر اینکه فلان شخص می آید تعرفه می گیرد و رأی هم در همان مجلس میدهد و چون در قانون تعرفه رأی را در دو مجلس در آن دو ماهه اشاره میکند و قانون جدید اینست که تعرفه و رأی بایستی در یک مجلس داده شود البته این تقریباً مخالفت و بایستی حذف شود ولی آن فقره که نوشته است ساعت را هم حذف کنند بنده این را محتاج نمی دانم و بنصین ساعت ضرر ندارد.

بلی مننت زادر قانون جدید داشت و آن دیگر تکرار است و باید حذف کرد یعنی انجمن نظر اعلان میکنند که در ۵ روز یا ۱۰ روز تعرفه میدهد در همان مجلس هم رأی می گیرد اما ساعتش را همین نکرده و در این فقره از ماده ۲۴ یا ۲۵ که تعیین ساعت هم کرده خبر کمیسیون نوشته محتاج نیست باید حذف شود در صورتیکه تعیین ساعت باید بشود و این را بنای حذف کردم دست را باید حذف کرد ولی ساعت باید باشد و زیادتی نیست.

نایب رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - معاصفاً چند ماده از قانون سابق باید لغو شود و مخالف بعضی از مواد است که جدیداً رأی داده شده و بواسطه عجله که شد این اشکال تولید شد و این چیزهایی که کمیسیون پیشنهاد کرده است از نقطه نظر تنافسی است که در قانون هست و اینکه فرمودید حذف کلمه ساعت لازم نیست و باید باشد بنظر بنده آن کلمه زیادتی است زیرا در ماده ۲۱ جدید که بتصویب رسیده راجع با اعلان انتخابات که قبل از توزیع تعرفه داده میشود دو

آنجا قید شده است که در همان اعلان اوقات توزیع تعرفه و اخذ رأی معین خواهد شد و فقره اولش این است:

محل انعقاد انجمن و اوقاتی که برای دادن تعرفه و اخذ رأی معین می شود و همان کافی است.

اوقاتی که برای توزیع تعرفه و اخذ رأی معین می شود در خود اعلان انتخابات که از طرف انجمن نظر معین می شود قید خواهد شد و ساعت هم از اوقات خارج نیست لذا حذفش لازم است.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده میخواهم تذکر بدهم که این قانون انتخابات یک قانونی است که متلاسه است و طرف توجه است و امروز صبح آقای حائری زاده بنده اطلاع دادند و هنوز این خبر بنده نرسیده.

بنده حقیقتاً توجه ندارم و همین طور آنرا که آقای منشی خوانند نگاه میکنم با این هیچ تطبیق نمی کند.

اگر آقای مغبهر کمیسیون اجازه بدهند یک روز این مسئله تعویق بفرستند برای نگاه کردن عرض نماند والا بنده مخالف نیستم مقصود مهلت است که بنده نگاه میکنم.

این تذکر برای بنده هست که بگویم ندیده ام مخصوصاً آن چیزی را که آقای دستغیب فرمودند تنافس وعدم تنافس را ندانستم لهذا از جهت نماندن مطالعه نکردن و مستحضر نبودن نمی توانم رأی جاهلانه بدهم. این تذکر برای بنده هست. یک روز با فرصت بدهند روز سه شنبه مطرح شود.

حائری زاده - این را برت درسی و یکم شهریور ما طبع شده است در بیست و پنجم شهریور ما ماز کمیسیون صادر شده است و امروز پنجم مهر ما ماست معنی است که منتشر شده است.

اما آن فرمایشی که آقای دستغیب فرمودند که اسباب خیال آقای آقا سید یعقوب شده در قانون سابق طریقه تعرفه دادن را که معلوم کرده بود آن ساعتی که تعرفه داده می شد با ساعتی را که اخذ رأی می کردند معلوم کرده بود چون امروز تعرفه می دادند پنج روز دیگر می آمدند اخذ رأی می شد و روزی تعرفه لازم بود در زمان و مکان و ساعتیکه اخذ رأی میشود بنویسند آنوقت روی تعرفه می نوشتند.

روز جمعه هفتم مهر ماه ساعت چهار بظهر تا ظهر مشغول اخذ رأی خواهیم شد که من امروز میروم تعرفه بگیرم در موقع خودش بتوانم بروم رأی خودم کرا بدهم ولی این طوری که در مجلس پیشنهاد شده که همان ساعتی که تعرفه داده می شود همان ساعت هم اخذ رأی شود محتاج نیست که زمان و مکان و ساعت افتتاح مجلس انتخاب

رأی تعرفه بنویسند و این یک چیز زائد و لغو است از این جهت حذفش را کمیسیون لازم دید.

نایب رئیس - رأی میگیرم باده واحد بطوریکه قرائت شد آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. آقای وزیر - فوائد نامه از طرف هیئت دولت حاضر شده اند که راجع بیانات آقای مدرس توضیحاتی بدهند اگر مجلس موافقت میکند بفرمایند.

جمعی از نمایندگان - چه ضرر دارد وزیر فوائد نامه. چون شنیده شد که امروز صبح آقای مدرس اظهاراتی فرموده اند و توضیحاتی از دولت راجع به بیانات دوسه روزه اخیر خواسته اند.

اگر چه در آن موقع که ایشان اظهاراتی میفرمودند ما نبودیم ولی پس از اطلاع لازم شد برض آقایان نمایندگان برسانم البته محتاج برض بنده نیست و همه آقایان مسوقند که امسال بواسطه آفت زدگی محصول پاره از ولایات و مخصوصاً اطراف طهران مردم قدری از حیث آذوقه در عسر هستند و بالتبع از وقتی که این مسئله محرز و مسلم شده است دولت تمام وسائل خود را صرف تهیه آذوقه و تأمین نان اهالی طهران نموده است و دستور العملهای موکدی داده است چه از حیث حمل جنس دولتی از محل های که جنس موجود است و چه از حیث خرید جنس در ولایات مختلفه و از این حیث تنگناری موجود نیست و امیدواری کامل می رود که تا آخر سال نان اهالی طهران تأمین شده باشد.

از طرف دیگر آقایان محترم می دانند که در ملک ما وسائل نقلیه هنوز کاملاً موجود نیست و البته یکی از مسائلی که کمیسیون یک احتلال و توحشی در اذهان حاصل کند مرتب بیرون و مسائل نقلیه است.

اگر فرض کنیم چند قطار شتری که باید گندم از زنجان یا همدان باز کنند یک روز در تر از آن موعدی که مقرر است برسد ممکنست برای همان یک روز تولید یک اضطراب و تنگناری بشود و اتفاقاً همین ترتیب همیشه آمده بود و روز چهارشنبه گذشته نسبت به آن جنسی که بخیار داده میشد بیست یاسی خروار کمتر داده شد و بالتبع یک مقدار کمی تفاوت در نان آرزو اهالی طهران حاصل شد.

بود با وجود اینکه الحما لله فصل خوبست یعنی یک کمکهایی از نقطه نظر ارزاق عمومی موجود است که اگر بیست سی خروار نان کم باشد بواسط دیگر میتوان جبران کرد.

ولی بطور اینکه شاید نظر به مشوب بودن اذهان از اینکه امسال محصول به

است و بواسطه این سی خرواری که کمتر بخیار داده شده حقیقتاً عده از اهالی طهران مضطرب و نگران شده اند و خواسته اند اظهارات خودشان را از مجرای مجلس شورای ملی اطلاع دولت برسانند با وجود اینکه در طهران حکومت نظامی برقرار است و با وجود اینکه ممکن بود همان روز اول از اجتماعات جلوگیری شود ولی نظر باینکه دولت قصد خاصی ندارد و تمام توجه دولت معطوف به حفظ آسایش عامه است از این جهت آن روز از اعلان وظایف نظامی حکومت نظامی مسامحه کرد باین اطمینان که مردم آزادتر بتوانند درد های خود و گرفتاری واضطراب خودشان را بسع مصادر آموز و برض مجلس شورای ملی برسانند به این جهت فقط استکفا به نظارت در حفظ انتظامات ضروری شده.

عده وارد مجلس شدند پس از ورود به مجلس شروع کردند بشکستن در و پنجره و شیشه حتی درجه خسارت و بی ادبی را بجائی رسانند که بپاره از آقایان نمایندگان کان محترم جسارت نمودند و ضمناً وارد در بعضی مطالب شده سکه هیچ مربوط بقصبه نان و ارزاق عمومی نبود از قبیل اینکه ما شاه میخواهیم. ماشا نمیخواهیم. عنوانی کردند که بالاخره تولید سوهن ظن کرده که آیا حقیقتاً از نقطه نظر تأمین نان است یا اینکه خبر یک عده که همیشه ماجراجو هستند و همیشه میخواهند آبرو گل آورد کنند باز این احساسات واضطراب مردم را مورد استفاده خودشان قرار داده اند و یک عده را تحریک کرده اند.

برای اینکه امنیت عمومی را متزلزل کنند و بالاخره انتظامات مرکز را از بین ببرند با وجود اینکه این سوهن ظن در مراکز دولتی پیدا شد و اطلاعاتی هم رسید که تأیید میکرد چون ابتدا لازم بود تمام توجهات دولت معطوف به تأمین امر ارزاق شود همان روز اقدامات خیلی جدی از طرف دولت بعمل آمده و مخصوصاً در اقدامات شخصی رئیس محترم دولت بیشتر از همه ابراز جدیت کردند و اوامر مؤکد صادر شد.

نقلیه قشون با اختیار اداره ارزاق گذاشته شد و بولایات تلگرافات شد و همان روز اطمینان حاصل شد که ارزاق طهران تأمین شده است و همین اطلاع بواسطه سردستها و بواسطه کسانی که با اجتماع میکنند گان ارتباطی داشتند به آن ها گفته شد و به آنها اطمینان داده شد که بی خود اضطراب نکنند و نگران نباشند زیرا نان اهالی طهران تأمین شده است حتی خود آقای مدرس که این بیانات را فرمودند برای اطمینان اهالی مجبور شدند

اوشته بدهند در تأمین ارزاق طهران و بالتبعه يك تظبه بود و پیش آمدولی با وجود این تصور میرفت که وقتی فردا مردم در بندگی کین خبازی پرازان است و بیشتر از روزهای معمول نان در طهران وجود دارد بهتر از روزهای دیگر هم هست دیگر بکلی موضوع ازین میروند و البته اکثریت اهالی طهران که مردمان صالح و امنیت طلب هستند و از هر نوع ازین عملیات بیزارند میروند بی کسب و کار خودشان .

بالاخره صبح پنجشنبه با وجود این که علاوه بر دستورالعملهایی که شب داده شده بود مأمورین خاصی هم از طرف اداره ارزاق و حکومت نظامی مأمور شدند که مراقبت کنند در امر نان و باین مناسبت صبح پنجشنبه بهترین وضعیت نان در شهر بود بوسی که تمام دکانهای خبازی منلو بود از بهترین نان و برای اینکه کسی نان نبرد کر سنکی روز قبل جبران شده باشد بک مقدار هم زیاد تر از آنچه مقر بود بخت شد با وجود این دیده شد که يك عده از کابین باز نشده و اجتماعات متفرق نشده و بالاتر اطلاعات قطعی هم بدولت رسید که بدون مراجعه به مجلس یا بدولت در صدد تشبث بیاره مقامات غیر مشروع شدند .

دودسته شدند يك قسمت خواستند بیاره جاهای برود که برای ایرانی غیر سزاوار است و يك عده هم بطور مهاجمه خواستند بیایند در مجلس .

آقا سید یعقوب - عملیات روز قبل را بفرمایند

وزیر قوائد عامه مرض کردم از قبیل شکستن درب پنجره مجلس و مزاحمت به آقایان .

همه اظهار عرض کردم . البته در آن موقع دولت نمیتوانست همان رویه را که روز قبل داشت یعنی اقامش و مسامحه در جلو گیری بنماید .

این جا بود که اولین وظیفه دولت که عهد دار امنیت عمومی و عهد دار آسایش اهالی طهران است این بود که بهر قیمتی که شده و بهر قدرنی که شده ایدی فساد را قطع کند و حتی سعی نماید که مراکز فساد را کشف کند زیرا که نه آقایان نمایندگان محترم و نه دولت نمیتواند و نباید امنیت عمومی را ملعبه تصور کنند و برعکس هر کس منبع فساد باشد هر طور ایدی فساد باید کشف شود قطع شود باین جهت بود که ابتدا يك اقداماتی بعمل آمد و جلو گیری شد از دستجاتی که میخواستند بیاره جاهای برود و جلو گیری هم شمار آنها که میخواستند مجلس حمله کنند و بالاتر

نظر باینکه آن سه ظن روز چهارشنبه مبعول بقیع شد که دستهای فساد در کار است و میخواهند شورش کنند دولت مجبور شد برای کشف حقیقت امر يك عده را هم

توقیف کند البته در يك همچو مواعیت در میان این عده ابتدا نمی شود زیاد تحقیقات مقدمه اتی که دو مقصر حقیقی را تشخیص داد و بعد توقیف کرد .

يك عده یعنی ابتداء آنها که مورد سوء ظن واقع شوند بایستی دعوتشان کرد بعد از آنکه بی گناهی آنها هم ثابت شد البته مرخص می شوند و اگر برعکس مسلم شد که آنها مقصر هستند و در ایجاد این فساد ذی نفع بوده اند من بقیع دارم که تمام نمایندگان محترم تصدیق خواهند کرد که باین نسبت بآنها شدیدترین مجازات ها اعمال شود این بوده است قضیه تا بحال و اطلاعاتی که ما داشتیم لازم بود که خیلی ساده و واضح عرض نمایم که محترم برسد و درین موقع در خانه میفرماد عرض کنم که ابتدا از نقطه نظر آذوقه اهالی طهران نگرانی نیست و تمام انعاماتی که برای تأمین آذوقه و ارزاق عمومی لازم بوده است بعمل آمده است و روز بروز ببودی اوضاع مشاهده خواهد شد .

نایب رئیس - پیش نهادهای واصله را راجع باده اول قانون میرزی قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

پیش نهاد آقای شیروانی : دو فقره اصلاح ذیل را بنامه اول پیش نهاد میکنم مالیات املاک اربابی (شیراز خالصجات انتقالی که صدی شش دریافت خواهد شد) الی آخر در قسمت (ج) طواحين و آبدنگها از عایدات مطلق مالکانه صدی پنج نایب رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - راجع باین ماده دوسه تا پیش نهاد شده بود و قرار شد که بکسی چون برود و در آنجا در این باب مذاکرات شود و مجلس بیاید .

بنده همچو احساس میکنم که هنوز بکسی چون نرفته و در آنجا راجع خالصجات انتقالی يك مذاکرانی نشده و حل نشده اینست که بنده هم اجازه میخواهم اظهارات خودم را بکنم موضوع خالصجات انتقالی را البته همه آقایان میدانند که در تمام نقاط مملکت اسباب زحمت یک عده از مالکین شده

در اینجا بعضی ها اظهار کردند که خالصجات انتقالی را مردم از دولت خریدند و بعد متبھی با يك شرایطی از دولت بموجب فرمان خریدند و شاید هر کدامش پنج دست و شش دست گشته و بدست مردم افتاده است و در قبایلهای زنانشان افتاده است و ملک مردم است ولی با يك شرطی خریدند که در قبایله ذکر شده است که مالیات او فلان قدر است

حالا مجلس شورای ملی تشخیص میدهد که اگر يك مالیات سنگینی از یک چنین ملکی گرفته شود

آن ملک بکلی از بین می رود حتی صاحبش هم از بین می رود و دولت هم نمیتواند استفاده کند

اینست که شاید يك عده از آقایان موافقت کنند و يك مالیات سنگینی منع شود و همان طور که آقای مدرس اظهار کردند هم سبب آبادی ملک می شود و هم دولت میتواند بیشتر از امروز از آنجا استفاده کند .

بنده اطلاع دارم در اسفهان خالصه انتقالی هست که در سال باید چهار صد خروار جنس بدهد و دولت مجبور شده است سی خروار مفاطمه بدهد اینست که بالاخره باید يك تصمیمی برای خالصجات انتقالی گرفته شود .

آقای وزیر مالیه فرمودند که بعدها ما يك لایحه تنظیم میکنیم و می آوریم در مجلس .

اینطور وعدهها غالباً داده شده است ولی متأسفانه که پیش عدل شده است امروز که ما میخواهیم تمام املاک و اراضی و مالیات این مملکت را همین کنیم نمیتوانیم از یک قسمتش صرف نظر کنیم و يك عده از مردم را دچار بدبختی میکنیم و بالاخره همان طور که آقای مدرس پیش نهاد کردند و بنده هم پیش نهاد کردم صدی سه را صدی شش بکنند یعنی دو برابر مالیات از املاک خالصه گرفته شود بآن شرطی که درش شده است .

در اینجا گفته شد که ممکنست عایدات دولت کم شود .

بنده خیال میکنم اینطور نباشد برای اینکه هم بنظر که يك خالصجات انتقالی داریم که مالیاتش خیلی کم است يك خالصجات انتقالی هم داریم که هیچ مالیات ندارد .

وقتی اینها را با هم تطبیق کردیم يك قدری هم عایدات دولت زیادتر میشود حالا فرض میکنیم زیاد هم نشود ما اینجا بنامده ایم که هر قدر دولت میل دارد عایدات را زیاد کند ما در اینجا نشسته ایم که هم آسایش عمومی را تأمین کنیم و هم اینکه ضماً نگذاریم عایدات دولت از بین برود .

بنابراین بنده پیش نهاد کردم که مالیات خالصجات انتقالی همین امروز تکلیفش معلوم شود و راجع به آن قسمت دوم هم يك مرتبه توضیح میدهم که یادنگ در واقع يك مالیات است که از دسترنج گرفته می شود و مقصود از یادنگ اگر محل است که يك دکانیت و جزء مستغلات مالیات از او گرفته می شود

ولی یادنگ در عمل آنکسی است که آنجا ذک میبازد بنده اینطور بنظرم می رسد و هیچ سزای از نمایانم که از عمل دست رنج اشخاص مالیات گرفته شود .

وزیر معارف - بنده قسمت مهم

اظهارات آقای شیروانی را تصدیق میکنم ولی اینکه فرمودند که بنده در مجلس عرض کردم که در کمیسیون مذاکره خواهد شد

بنده اینطور عرض نکردم بنده عرض کردم نظر باینکه این کار در محل خودش نهایت اهمیت را دارد عن قریب یعنی همین چند روزه يك جلسه در هیئت وزراء با حضور مستشاران آمریکائی تشکیل خواهد شد و درین باب يك تصمیمی گرفته میشود و بعرض مجلس میرسد و اگر آنرا قانون ممبری آن تصمیم دولت بعرض مجلس میرسد البته مجلس شورای ملی مختار است هر طور که صلاح بداند بخواند مالیات وضع کند .

ولی يك مطالعه ای لازمست درین باب بشود و بعد آبرض مجلس شورای ملی برسد اما در قسمت دوم پیش نهاد ایشان دولت هم با این پیشنهاد مخالفی ندارد حالا دیگر بسته است بنظر آقایان .

شیروانی - بنده تقاضا میکنم پیشنهاد تجزیه شود قسمت اولش بماند برای بعد و نسبت به قسمت دوم رأی گرفته شود .

نایب رئیس - آقای معیر هم قبول میکنند .

آقا سید عبدالرحمن - بنده معیر کمیسیون بلی قبول میکنم .

نایب رئیس - (خطاب بآقای آقا سید یعقوب) پیش نهاد شما دیگر مورد ندارد مقصودتان تأمین شد و آقای دامغانی هم پیش نهاد کرده اند از یادنگ صدی سه گرفته شود دیگر مورد ندارد

پیشنهاد آقای اخگر هم آن قسمت اخیرش مورد ندارد قسمت اولش هم مطابق است با ماده اخگر - بفرمایند قرائت شود (بشرح ذیل قرائت شد)

راجع بقسمت (ج) بنده پیش نهاد میکنم قسمت (ب) باین طریق اصلاح شود طواحين و آبدنگ از عایدات مطلق مالکانه و یادنگ از عایدات خالص مالکانه صدی پنج .

نایب رئیس - قسمت یادنگ تقریباً حذف میشود بنابراین عین خبر کمیسیون خواهد بود .

اخگر - پس گرفتیم .

نایب رئیس - پیشنهاد آقای سلطانی هم راجع بصف یادنگ است پیشنهاد آقای اتحاد .

اتحاد - بنده مسترد میدارم .

نایب رئیس - پیشنهاد دیگر راجع بقسمت (د) از طرف جمعی از آقایان (بشرح ذیل قرائت شد)

اعضاء کنندگان اصلاح قسمت اخیر ماده اول را بطریق ذیل پیش نهاد می کنیم ؛

(د) - از عایدات قناتی که بصرف

شرب میرسد

نایب رئیس - این پیش نهاد را تبدیل کرده اند باین یکی (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم قسمت (ا) اینطور اصلاح شود:

از عایدات خالص قناتی که اراضی ندارد صدی پنج . (یوسف عدلی - لطف الله لیقوانی - اسکندری)

نایب رئیس - آقای عدلی .

(اجازه)

عدلی - قناتی که شهر میاید غالباً يك قناتیست که در دهات اراضی داشته اند و آن اراضی را مشروب میگردانند بعد آن اراضی را بحال دیم گذاشته اند و آب آنها را بشهرها آورده اند .

در قسمت اول ما گفتم که از اراضی اعم از آبی و دیمی صدی سه مالیات اخذ می شود ولی این قناتی که بشهر میاید مستلزم يك مخارج است

که سالیانه ارباب قنات می دهند و وقتیکه مخارج آنها را موضوع نکنند و این مالیات صدی پنج را بر آنها تحمیل کنند آن وقت برای صاحب قنات صرف نخواهد کرد که آب را بشهر بیاورد و آب قنات را بصاحبان اراضی میفروشد آن وقت شهرها از حیث آب در مضیقه میافتند .

بالاخره قنات يك ملکی است که مخارج زیاد دارد و مثل سایر مستغلات نیست .

قنات را نمی شود در شماره خانه و غیره حساب کرد برای اینکه اینها اینقدر خرج ندارد ولی قنات يك ملکیت که سالیانه برای آن باید يك مبلغ گزافی خرج کرد .

این است که ما پیشنهاد کردیم که مخارج هر چه باشد صدی سه یا صدی پنج موضوع کنند بعد مالیات بگیرند .

این يك قسمت است اما قسمت دوم که می نویسد از عایدات قناتی که بصرف شرب می رسد قنات همه شان بصرف شرب می رسد از قنات که لباس نمی دوزند این است که بنده این اصلاح عبارتی را هم پیشنهاد کردم .

قناتی که به مصرف اراضی نمیرسد و اراضی ندارد دیگر بسته بنظر آقایان است .

وزیر معارف - بنده تصور میکنم بعد از آنکه بنده مختصری عرض کردم خود آقا قانع خواهند شد .

اولاً اینک نوشته شده است از عایدات قنات صدی پنج و صدی ده نوشته نشده برای این است که پس از وضع صدی پنج بقیه اش برای مخارج قنات منظور شده باشد .

مثلاً از برای يك قناتی که صد تومان

عایدی دارد چه قدر مخارج فرض می کنند؟

فرض بفرمائید يك قناتی که سالیانه صد تومان عایدی دارد چهل تومان مخارج داشته باشد باز شصت تومان عایدی خالص می دهد .

پس اگر قناتی را با املاک مقایسه کنند خواهند دید که نسبت بقنات فوق العاده رعایت شده و سزاوار بود که یا اندازه هم از این مقدار اضافه تر نوشته شود .

عدلی - اجازه می فرمائید؟

نایب رئیس - متأسفانه نظامنامه اجازه نمی دهد .

سایر آقایان که پیشنهاد را امضاء کرده اند اگر بخواهند می توانند صحبت بکنند .

رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای عدلی . عده برای رأی کافی نیست .

آقا میرزا سید احمد بهجانی - تنفس بدهید .

(یک نفر از نمایندگان - وارد شدند)

نایب رئیس - فعلاً عده کافی شد رأی می گیریم بعد تنفس داده میشود .

رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای عدلی . آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(عده ای برخاستند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد . چند دقیقه تنفس داده میشود .

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

نایب رئیس - پیشنهاد آقای تهرانی وزیر عدلیه - اجازه میفرمایند

نایب رئیس - بفرمایند

وزیر عدلیه - لایحه است از طرف وزارت قنات عامه راجع باینجا چراغ برق در شهرها تقسیم میشود .

نایب رئیس - ظاهراً باید بکسیون فوائد عامه ارجاع شود . پیشنهاد آقای تهرانی (بشرح آتی خوانده شد)

این بنده پیشنهاد می نمایم از ماده اول (که بموجب قانون ملعبه مشخص میشود) حذف فقره پنج ذیل اضافه شود .

۵ - خالصجات انتقالی باید مالیات سابق خود را بر داند ولی مالکین خالصجات نمیتوانند زائد بر صدی سه از قرار هر يك خروار و هر يك تومان ده تومان از دولت خریداری نمایند که مطلقاً در مدت ده سال یا کمتر بپردازند و پس از قرار دادها مالیه مالیات خالصجات انتقالی مانند سایر املاک اربابی تأدیه مالیات می نمایند .

طهرانی - بنده هر مراتباً ما را که

مشاهده کردم دیدم در یکی از موادش نوشته اند که کلیه خالصجات باستانی و گذار برهیا و افراد مملکت بشود و این یکی از آمال و آرزو های پیروان الك مختلفه است .

حالا که خالصجات انتقالی را تمليك کرده اند دست بدست هم گشته است نظرباینکه دولت در هر سال از برای گرفتن مالیات يك مذاکرات فوق العاده با مالکین میکند و مالکین از ترس اینکه مبادا آن جان را آباد کنند و دولت دست روی آن بگذارد آن جا را آباد نمیکند از این جهت کلیه املاک خالصجات انتقالی مغرور است .

لذا بنده پیشنهاد کردم از روی آن اصل اساسی که باید کلیه خالصجات با افراد مملکت فروخته شود هر کسی که دارای خالصه انتقالی است بآن اندازه که امروز دولت از آنها مالیات می گیرد همیشه بگیرد .

ولی اگر مالک منفعتش را در این طور ندانست میباید و ما زاد بر صدی سه را از قرار يك برده میگرد و قنات آنها هم مثل سایر املاک باشد خالصجات انتقالی با سایر املاک مقایسه میکنند .

املاک دیگر را هم که خرید و فروش میکنند بلا حظه ده يك قیمت می کنند . مثلاً اگر هزار تومان قیمتش است باید در سال صد تومان عایدی بدهد و اگر هزار تومان قیمتش است باید در سال هزار تومان عایدی داشته باشد .

بنابراین نگاه میکنیم ببینیم يك ملکی که صد خروار محصول دارد صد سه و مثلاً سی خروار است می ماند هفتاد خروار را از قرار هفتاد خروار میخرند و هفتصد خروار جنس بدولت میدهند و آن را تمليك می کنند و مالک میشوند وقتی این شکل شد آن وقت مالکین خالصجات انتقالی خودشان را مالک میدانند و در صد آبادی املاک بر می آیند . اگر دارند دفعه دیگرند و اگر ندارند در مدت ده سال قیمت آنرا بدولت میدهند . هم آنها از دست دولت راحت میشوند و هم دولت از دست آنها راحت میشود .

نایب رئیس - عقیده مغیر کمیسیون چیست؟

مغیر - چون راجع بخالصجات انتقالی مذاکرانی شد و بنا شد قانون جدیدی در آن باب تهیه شود ممکن است بماند برای بعد حالا دیگر بسته برای آقایان است .

نایب رئیس - رأی میگیریم ؛ قابل توجه بودن این پیشنهاد . آقایانی که موافقت قیام فرمایند .

(عده برخاستند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای حائری زاده .

(بشرح آتی خوانده شد)

بنده عرض ماده اول سه ماده ذیل را پیشنهاد میکنم .

۱ - مالیات کلیه املاک اربابی عبارت از عشا عایدات دو عامل مهم زراعت یعنی آب و زمین است بعد از وضع مخارج .

۲ - تأدیه کننده مالیات کسی است که عوائد دو عامل آب و زمین را میبرد .

۳ - مخارج مذکور در ماده اول در هیچ مورد بیش از ضمن منظور نمی شود .

تبعزه اول و دردم زاپورت سابق بحال خود باقی است .

حائری زاده - این لایحه که مالان داریم در اراضی صحبت میکنیم در مجلس چهارم دولت هائی که آمدند و رفتند یکی بعد از دیگری يك لایحه در این موضوع آوردند و تمام اینها پایه مالیات را روی فایدهات الك گذارده بودند لوابعضان موجود است اول آقای صدیق السلطنه يك لایحه آوردند بعد آقای ممبر الملک بعد آقای قهیم الملک و بعد آقای ذکاء الملک در تمام این لایحه یا بهر روی عایدات مالک گذارده بودند .

ولی آقایان آمریکائی را که برای اصلاحات مالیه استخدام کرده بودیم به عقیده من سلیقه کج آنها نگذاشت این قانون در دوره چهارم بگذرد و این دوره هم تا اکنون نگذاشته است . ما باید به بینیم که مالیات را از چه می خواهیم بگیریم مالیات را ما بردسترنج و حاصل زحمت زارع نمی خواهیم وضع کنیم .

مالیات را بر بگری که زراعت میکنند نمی خواهیم وضع کنیم .

مالیات را بر عاملی که خبش میکند نمی خواهیم وضع کنیم .

اگر يك روزی خواستیم مالیات بر سرمایه وضع کنیم آنوقت بر اینها هم مالیات وضع می کنیم و آن يك معیشتی است عایدی که مربوط باین قانون نیست .

مالکین که از منافع دو عامل مهم زراعت که آب و زمین است استفاده میکنند دولت از آنها يك سهمی می گیرد که آب و زمینشان را حفظ کند که از دست برد سارقین محفوظ باشد فرض کنید دو خرمن در اینجا موجود است و در صد خروار روی این دوزمین گذاشته است یکی این صد خروار ما ۸۰ خروار مخارج موجود شدنش شده یا بندرش بوده یا خوراکی که بگاخوا داده اند بوده یا مزدهم بوده و با کودی بوده که برای محصول مصرف شده ما بر این ۲۰ خروار ۱۳۰ خروار ۳۰ خروار هر چه که مخارج مملکتی را تأمین میکند باید مالیات وضع کنیم .

يك خرمن دیگر که صد خروار است ۵۰ خروار خرج موجود شدنش شده است

ملاقات نداشته چشمه بوده است یا دیم بوده است بهر صورت ۵۰ خروار خرج عایدات مالک است که وارد انبار می شود.

مالین دو خرمن صد خرواری را نباید مثل هم مالیات ازشان مطالبه کنیم و از هر کدام ۳ خروار مالیات بگیریم چون یکی از این دو خرمن ۵۰ خروار خرج موجود شد و آنچه وارد انبار مالک می شود ۵۰ خروار بوده است و خرمن دیگر هشتاد خروار خرج موجود شد و بیست خروار وارد انبار مالک می شود از این دو خرمن از هر کدام ۳ خروار مالیات بگیریم این بی تناسب است.

بنده عرض نمیکنم که مالیات تعجب بر کارگر می شود خیر مالک اگر محتاج به کارگر است مالیاتش را خودش می دهد و کارگر را حفظ میکند و اگر کارگر احتیاج دارد که سرملک آقا برود البته مالیات را تحمل میکند و منت از اربابش را هم میکشد.

ولی از دو خرمنی که یکی هشتاد خروار خرج موجود شد و دیگری ۵۰ خروار مخارجش شده از هر کدام ۳ خروار بگیریم این بی تناسب است و بی عدالتی است و پایه که آقایان آمریکائی گذاشته اند روی این اساس است و این غلط است.

دولت های دوره چهارم که این لایحه را یکی بعد از دیگری آورده بودند تمام پایه را روی عایدات مالک گذاشته بودند و می گفتند که ما می آئیم تشخیص می دهیم که مالک چقدر از این خرمن سهم می برد آنوقت از مالک عشر می گیریم.

مجلس می گفت زیاد است آنهایی که گفته اند که این حرف ها در بین ولی حالا بنده متقدم که پایه غلط گذاشته شده بی عدالتی است.

اما اگر پایه را روی عایدات مالک بگذارند و عشر را کافی ندانند و خمس یا ربع بگیرند من مخالفت نمی کنم.

ولی در این لایحه پایه را روی خرمن گذاشته اند و می گویند که از خرمن و محصول باید مالیات گرفت و این اصل را بنده برخلاف عدالت می دانم و متناسب باطرز زراعت و معیشت رعیتی مناسب است.

آقایان آمریکائی این را درست ملاحظه نشده اند یعنی آقایان وزراء مانده اند درست مطلب را آنها نفهمانند.

راست است که برای دولت وصول این گونه مالیات خیلی سهل میشود و بی درد سری تواند مالیات را وصول کند و هر جا چشمش افتاد و دید یک خرمنی هست می

آید سر آن خرمن و مالیاتش را می گیرد.

ولی ماموقد نسبتیم که دولت برای اینکه تسهیلاتی در کار خودش فراهم کند اسباب زحمت مردم را فراهم بیاورد.

اصلا وجود دولت برای آسایش مال مردم است نه تولید زحمت برای مردم.

این لایحه را آقایان آمریکائی تنظیم کرده و بوسیله دولت تقدیم مجلس نموده اند و اگر ما بخواهیم این لایحه را تصویب کنیم آنوقت از یک دسته کم مالیات گرفته میشود و از یک دسته دیگر زیاد مالیات گرفته می شود و از حدود عدالت خارج است.

بنده در ضمن شور دو کلیات میخواستم این مطالب را به عرض برسانم ولی زود مذاکرات را کافی دانستند بنده هم در ضمن این پیش نهاد عرض خودم را عرض کردم.

وزیر معارف - اولاً بنده خیال میکنم اینکه آقای حائری زاده فرمودند بواسطه سلیقه کج آمریکائی ماموقد ماند است - باین واسطه معوق نماند بلکه بواسطه پیشنهاد های مشتتتی است که هر موقعی که این لایحه به مجلس آمد از طرف آقایان نمایندگان میشد حالاهم سه چهار مرتبه است که این لایحه به مجلس آمده است دبر گشته است.

اما اینکه فرمودند دولت های سابق که این لایحه را پیشنهاد کرده بودند پایه را روی عایدات مالک گذاشته بودند و این لایحه را روی عایدات مالک گذاشته بودند و می گفتند که ما می آئیم تشخیص می دهیم که مالک چقدر از این خرمن سهم می برد آنوقت از مالک عشر می گیریم.

مجلس می گفت زیاد است آنهایی که گفته اند که این حرف ها در بین ولی حالا بنده متقدم که پایه غلط گذاشته شده بی عدالتی است.

اما اگر پایه را روی عایدات مالک بگذارند و عشر را کافی ندانند و خمس یا ربع بگیرند من مخالفت نمی کنم.

ولی در این لایحه پایه را روی خرمن گذاشته اند و می گویند که از خرمن و محصول باید مالیات گرفت و این اصل را بنده برخلاف عدالت می دانم و متناسب باطرز زراعت و معیشت رعیتی مناسب است.

آقایان آمریکائی این را درست ملاحظه نشده اند یعنی آقایان وزراء مانده اند درست مطلب را آنها نفهمانند.

راست است که برای دولت وصول این گونه مالیات خیلی سهل میشود و بی درد سری تواند مالیات را وصول کند و هر جا چشمش افتاد و دید یک خرمنی هست می

کسی است که هفتاد خروار را میبرد آن وقت سه خروار بدولت میدهد.

پس بهر زرقی که ما حساب کنیم صدی سه در حقیقت نزدیک بشر خالص عایدات مالکانه است و یک چیزی هم کمتر بیش نهاد خودتان خواهد شد.

ولایت همان طور که فرمودید تسهیل کار دولت را هم نباید از نظر دور داشت و وصول مالیات باین ترتیب هم برای دولت مهم برای مالک و مهم برای رعیت هم برای زارع سهل است بعد دیگر دولت چه کار دارد که ببیند رعیت و ارباب با هم چه مذاکراتی میکنند یا فلان شخص با رعیتش چه طور سلوک می کند.

این بسته برضایت طرفین است یک رعیتی بثلت حاضر می شود معامله کند یک رعیت بر یک دیگری و این دیگر چیزی نیست که دولت بتواند در این قسمت مداخله کند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست.

نایب رئیس - آقای معارف را هم همانطوری که بود مالک بدهد نه اینکه مالکین رعیت بگویند که از صد خروار حاصل این مزرعه سه خروار موضوع شد نود و هفت خروار باقی مانده پس شما باید از همین نود و هفت خروار صدی سی برید آنوقت از سهم آنها هم یک خروار کم کنند.

این دیگر بسته با انصاف آقایان است که در صورتی که مقتضی میدانند یعنی می خواهند جلو گیری کنند که یک لطمه بر عایدات وارد نیاید و از آنطرف هم یک اختلاف جدیدی بین مالکین و رعایا ایجاد نشود که پانسیجه مورد یکرحمانی بشود بهتر این است که با این تبصره که چیزی هم نیست و عقیده دولت هم همین است موافقت کنند و این تبصره را قبول کنند.

اگر هم مقصود این است که این ترتیبی که بین مالک و رعیت است بهم بخورد و یک کشمکش هائی بین مالک و زارع تولید شود شاید آن وقت بنده هم مخالف نباشم.

وزیر معارف - اولاً بنده در ضمن اظهاراتم عرض نکردم که این لایحه پیش نهادی دولت از مالیات سابق کمتر خواهد داده شود حالا کار نداریم.

این رأفت در اجم مالکین شده است که مالیات صدی سه شده است بنده هم از طرف عموم مالکین تشکر می کنم ولی حالا که ماخذ مالیات را از آن ماخذ های گزافی که بوده است آوردیم به صدی سه تنزل داده ایم بنده از طرف ملکست رعیت و رعیت سه را دیگر تحویل بر سهم رعیت نکنند و آن بچه طریق خواهد شد.

باین طریق که در وقتون هم پیش بینی شود یعنی یک تبصره - یک ماده - یک چیزی باشد که معلوم کنند این صدی

سه که گرفته می شود از سهم مالکانه است و متعلق به سهم رعیت ندارد و لوجتانه عرض کردم آقای فاطمی این جا اظهار فرمودند که این صدی سه متعلق به مالک است بعد از وضع بذراست بعد از وضع سهم رعیت است؟ بعد از چیست؟ بعد از چیست؟ تمام اینها را فرمودند ولی اینها را که میفرمایند در همین فضای بهارستان می ماند یا در صورت مشروح مجلس نوشته می شود و جزء ماده قانون نمی شود.

لما بنده این تبصره را پیشنهاد کردم که این صدی سه را که این جا وضع میکنم متعلق به سهم مالک داشته باشد یعنی از کل محصول گرفته شود ولی مالک از سهم خودش بدهد مثلاً فلان ده که صد خروار عایدات دارد از این صد خروار سه خروار را دولت ببرد بعد تقسیم کنند باین ترتیب که در باره جاها که معمول است سی خروار از این صد خروار را رعیت باز رعیت همان سی خروار را ببرد سایر مخارج را هم همانطوری که بود مالک بدهد نه اینکه مالکین رعیت بگویند که از صد خروار حاصل این مزرعه سه خروار موضوع شد نود و هفت خروار باقی مانده پس شما باید از همین نود و هفت خروار صدی سی برید آنوقت از سهم آنها هم یک خروار کم کنند.

این دیگر بسته با انصاف آقایان است که در صورتی که مقتضی میدانند یعنی می خواهند جلو گیری کنند که یک لطمه بر عایدات وارد نیاید و از آنطرف هم یک اختلاف جدیدی بین مالکین و رعایا ایجاد نشود که پانسیجه مورد یکرحمانی بشود بهتر این است که با این تبصره که چیزی هم نیست و عقیده دولت هم همین است موافقت کنند و این تبصره را قبول کنند.

اگر هم مقصود این است که این ترتیبی که بین مالک و رعیت است بهم بخورد و یک کشمکش هائی بین مالک و زارع تولید شود شاید آن وقت بنده هم مخالف نباشم.

وزیر معارف - اولاً بنده در ضمن اظهاراتم عرض نکردم که این لایحه پیش نهادی دولت از مالیات سابق کمتر خواهد داده شود حالا کار نداریم.

این رأفت در اجم مالکین شده است که مالیات صدی سه شده است بنده هم از طرف عموم مالکین تشکر می کنم ولی حالا که ماخذ مالیات را از آن ماخذ های گزافی که بوده است آوردیم به صدی سه تنزل داده ایم بنده از طرف ملکست رعیت و رعیت سه را دیگر تحویل بر سهم رعیت نکنند و آن بچه طریق خواهد شد.

باین طریق که در وقتون هم پیش بینی شود یعنی یک تبصره - یک ماده - یک چیزی باشد که معلوم کنند این صدی

بلوکات آنجاها هست (این ها در نظر هست شاید خیلی نقاط دیگر هم باشد) که رعیت خیلی زیاد تر میرسد و شاید یک قسمت مالیات را او میدهد.

اگر امروز ما این تبصره را بخواهیم تصویب بکنیم آنوقت بین مالکین و رعایا اختلافی حاصل خواهد شد ولی این قانون هیچوقت مکلف نمیکند رعیتی را که برای تادیه مالیات حاضر بشود برای اینکه این مسئله مالک و رعیت هم یک چیزی است که باید برضایت طرفین باشد و اگر یک مالک بی انصافی باشد خواهد یک همچو تحمیلی را بکند می گویند من حاضر برای رعیتی تو نیستم.

نایب رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر - بسته برای مجلس است.

نایب رئیس - قابل توجه نشده پیشنهاد آقای یاسائی (شرح ذیل خوانده شد)

بنده تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم که ضمیمه ماده اول شود.

تبصره ۲ - صدی سه مالیات در فقره اولی فقط شامل عایدی سهم مالک متعلق با آب و زمین خواهد بود.

بعضی از نمایندگان - این پیشنهاد رد شده است.

یاسائی - اجازه میفرمائید

نایب رئیس - مختصر بفرمائید

یاسائی - عرض میشود در جلسه گذشته بنده راجع به ماده اول مخالفت کردم و عرض کردم که در زمان مرحوم شاه شهید ناصر الدین شاه بدهقان مالیات نیستند ولی حالا مجلس پنجم که متشکل است از یکماده آزادی خواهان میخواهند مالیات بدهقان بعمل دهقان بینند.

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست یاسائی - همین است که عرض میکنم بگذارید توضیح بدهم بعد بیایید جواب بدهید در صد خروار با اختلافی که آقای وزیر معارف فرمودند در بعضی جاها بیست و پنج خروار مال عمل دهقان است در بعضی جاها بیست خروار مال عمل دهقان است و در بعضی جاها کم و زیاد علی ای حال ما مالیات را که از کل محصول برداشت کنیم شامل سهم دهقان هم میشود ایشان فرمودند اختلافاتی که در تقسیم زراعت هست باعث می شود که اختلافی در امر میزبانی حادث شود اینطوری که بنده پیشنهاد کردم نمی شود برای اینکه بنده پیشنهاد کردم از سهم مالک متعلق به آب و زمین گرفته شود آنوقت هر طور زراعت تقسیم شود تقسیم شود تفاوت نمیکند علی ای حال این دهقان و رعیتی که در عرض سال در گرما و سرما کار میکنند در نتیجه صد و پنجاهم جو و صد و بیست من گندم در سال عادی بیشتر گیش نمیآید و در این سنوات می بینم من چهل

من بیشتر گیش نمیآید این را نباید رفت یک مقداری بتوان مالیات ازش گرفت - گفته شد که ترتیب مزاحه است و بنا بر تراضی است خود مالکین با زارعین کنار میروند قرارداد زورمند با ناتوان نتیجه اش معلوم است اگر مالکین ایستادگی کردند در یک حوزه ای که میخواهند میزبانی شود گفتند حتماً بایستی دهقان شرک کنند در دادن مالیات آنها چه میتوانند بکنند؟ قرار میکنند؟ از فلان مزرعه علاوه شان را بیرون میبرند؟ از این ده هم که بیرون رفتند در ده دیگر گیر مالک دیگری افتند زور که ندارند بالاخره قرارداد بین یکدیگر زورمند و یکدیگر ناتوان است.

یک دهقانی که مرتاباش با نود و هفتان قیمتش نیست لباسش دهقران قیمت ندارد این را نمی شود مالیات ازش گرفت در قدم هم که میزبانی کردند همیشه مالیات را تعلق بمالکین دادند.

مالیات اربابی است مالیات حال املاک است مالیات آب و زمین است ربطی بدهقان ندارد مالیات بکارگر و اجرت کارگر ما نمیخواهیم ببندیم چشم بندی هم که نیست عبارت را بگهوری بنویسید که تا این کرده باشد

بنده که می فهمم خود دهقان ممکنست ملتفت نشود ولی در موقع عمل البته خود دهقان هم خواهند فهمید البته مقاومت خواهد کرد و زیر این باز نمیرود که مالیات بدهد اسباب زحمت و کشمکش خواهد شد و کمالات میکنید بعضی قضایا بنده عقیده ام این است که در این قانون باید کنیم که این تعلق سهم بزرگ و رعایا نخواهد داشت.

نایب رئیس - عقیده که بیرون چه چیز است وزیر معارف - بنده توضیحات مفصل دارم ولی اظهارات آقای یاسائی خیلی شیوه بود باید که بکشد و رعایا عملی در این میان گذاشته شده با مورد دولت هم وارد می شود و یک سه خروار برمی دارد و می رود بدهد می گویند قسمت کنید

خیر آقا همانطوریکه در قانون نوشته شده مالک اظهارنامه می دهد که این ملک دارای این اندازه عمل است و این ترتیب ده سال برقرار است در صورتیکه آفت نرسد مطابق آن ترتیبی که نوشته شده متلاصق خروار بیکه در یک ملک می عمل آمد آن رعیت مطابق قراردادیکه دارد تنش را باید ببرد و سی سه خروار و سی و سه من آنرا برمی دارد میرسد به بقیه اش زمامت که قدر که بنده است میگفارد و از بقیه مالیاتش را می دهد و این توهمی که می فرمائید نیست و گمان نمیکنم در سرتاسر این مملکت بگنجد پیدا شود که بخواهد از این مقدار مالیاتی که امروز وضع می شود چیزی بیش را تحصیل رعایا بکند

یاسائی - توضیح بدهید تا توهم نشود نایب رئیس - رأی می گیریم قابل توجه

بودن پیشنهاد آقای یاسائی آقایان موافقتین قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد دیگر مرالی آقای دامغانی است (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل را یک هفتم محصول بابت سهم رعیت معاف از مالیات خواهد بود

دامغانی - اینجا بنده آقایان را در افراط و تفریط می بینم یک قسمت نظرشان این است که تمام مالیات قبل از تقسیم همه اش بر مالک توجه پیدا کند

متلاصق خروار که یک مزرعه عمل آورده می خورند سهم مالک شده بقیه رعیت بدهد تمام مالیات صد خروار را مالک بدهد یا بنده تمام مالیات یک قسمت دیگر عقیدشان این است که فقط از آب و ملک بگیرند بنده عقیده ام این است که قسمت عادلانه همان پنج صلی است که غالباً مذاکره شده است آب و ملک و بنده و گاو کار از سهم کار رعیت باید مالیات گرفته نشود و توضیح بشود که از آن چهار سهم دیگر مالیات گرفته می شود اما از اینکه مال مالک باشد با مال رعیت باید مالیات بدهد این است عقیده بنده و باین جهت این پیشنهاد را کردم

نایب رئیس - عقیده که بیرون چیست؟

مخبر - رأی بگیرند

نایب رئیس - رأی را که بنده هم میدانم باید گرفت عقیده که بیرون را باید فهمید که قبول میکنند یا خیر

مخبر - خیر

نایب رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد - دو تبصره دیگر است که تقریباً یک اختلاف مختصری دارد هر دو فزانت می شود - اول پیشنهاد آقای شریعت زاده است و جمعی - دوم پیشنهاد آقای بیات است

(شرح آتی خوانده شد)

علاوه بر مالیاتی که نسبت به کل عایدات املاک در قسمت اول ماده اول این قانون مقرر است صدی نیم برای توسعه تعلیمات ابتدائی و تأمین حفظالصحه عمومی مملکت از املاک مزبوره دریافت خواهد شد وزارت مالیه مکلف است وجوه حاصله از اجرائی این ماده را بدون کسر مخارج وصول و در خزانه مملکت نگاهداری نماید تا موافق مقررات قانونیه به مصارف راجعه به تعلیمات ابتدائی و صحت مملکت برسد

شریعت زاده - تدین - محمد ولی اسدی بهرامی - داور - دیوان بیگی - صدرائی - دکتر امیر - سلیم ایزدی - عظیمی - محمود وحید - کاشانی - شیروانی - ضیائی - محمد هاشم میرزا

مقام منبع ریاست محترم مجلس

شورای ملی دامت شوکت تبصره ۲ - بماده اول پیشنهادینماید تبصره ۳ - علاوه بر مالیات مأخوذه در فوق صدی نیم از عایدات کل برای معارف مأخوذ و عایدات هر دهی صرف معارف همان ده خواهد شد مرتضی بیات نایب رئیس - تفاوتی که بین این دو پیشنهاد است فقط این است که پیشنهاد اول صحیحتر است پیشنهاد دوم صحیحتر است ندارد

بیات - اختلاف دیگری هم دارد نایب رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بنده هیچ لازم نمی دانم که اهدیت تعلیمات عمومی و صحت مملکتی را به عرض آقایان برسانم و نمیدانم خواهند فرمود که این دو موضوع منشأ و مبدأ تمام سعادتها برای مملکت است زیرا بهرین معلومات و بالاخره بدون اجرای تعلیمات و بدون اینکه ادبیات جامعه تکمیل شود برای افراد جامعه تفاوت در حقوق خودشان و انجام وظایف شان حاصل نخواهد شد و همچنین بدون سلامتی مزاج تکثیر نفوس که سرچشمه سعادت مملکت است مقدور نخواهد شد

بنابراین بنده امیدوارم که در این پیشنهاد آقایان توجه مخصوص بفرمایند و تصدیق بفرمایند که اگر در ضمن اصلاح قوانین یک رعایتی از این قبیل برای معارف بشود در یک آتیه نزدیک میوقتیهای فوق العاده این مملکت حاصل خواهد کرد

نایب رئیس - آقای بیات توضیحی دارید بفرمائید

بیات - این پیشنهادی را که بنده عرض کردم با پیشنهادی که آقای شریعت زاده و جمعی از آقایان کردند یک اختلافی دارد که نظر بنده بیشتر متوجه به آن نکته است پیشنهاد آقای شریعت زاده و سایر آقایان که فرمودند بطور عموم است ولی پیشنهاد بنده بطور خصوصی است

تا بجا آن اگر وقت فرموده باشند مالیات را بیک اشخاص دیگری میداند و بس - مصرف یک مردمان دیگری می رسد و این خودش تقریباً ظلم و بی انصافی است

امروزه رعایا یک مالیاتی را در یک دهی میدهند و از هیچ چیز فواید آنها بهره مند نیستند اگر حفظالصحه است اگر معارف است اگر چیزهای دیگر است برای سهرها یا بیشتر برای مرکز اختصاص داده میشود و به مصرف دهانی که این مالیات را می دهند نمیرسد بنده این جا پیشنهاد کردم که این مالیات یعنی این صدی نیم اقلاً به مصرف خود آنها برسد مثلاً امروز این مالیاتی که دولت وضع کرده است صدی نیم هم اضافه بگیرند و این زاهم

از خود همان دهی که میگیرند برای مزارع همان ده مصرف کنند در واقع این جادو خدمت است یکی از حیث تحصیل اجاری که همه آقایان در نظر دارند در تمام مملکت اجرا شود اگر این ترتیب خصوصی را درست میکنند آن تعلیم عمومی اجرا نخواهد شد و نظر آقایان حفظ نخواهد شد.

ولی اگر این صورت خصوصی محفوظ شود تصور میکنم آن نظر تعلیمات عمومی اجاری در تمام مملکت اجرا شده و اگر چیزی از دست رنج رعیت گرفته می شود به مصرف خودش برسد این است که اگر آقایان آن تفاوت را قبول فرمایند که مازهر معلی به مصرف محل خودش برسد.

دز تمام مملکت یک خدمتی شده و ترویجی هم برای مزارع شده و برای صحیه هم به عقیده بنده اگر بخواهیم این مقدار را صرف کنیم آن وقت هر دو قسمت ناقص خواهد ماند و بنده عقیده این است که اختصاصی به مزارع بدهیم و از بسرای صحیه هم یک راه دیگری پیدا کنیم و در یک موقع دیگری بپوشانیم.

مخبر - پیشنهاد آقای بیات را قبول میکنم.

وزیر مزارع - بنده میخواستم یک مسئله را در ضمن پیشنهاد آقای بیات عرض کنم.

ولی برای اینکه آقایان فرمایند که چون امروز تصدی وزارت مزارع هستم این عرض را میکنم عرض میکنم چندی قبل هم در موقع مذاقعه از بودجه مملکتی این عرض را کردم مخصوصاً راجع به مزارع ایالات و ولایات چند روز قبل هم در موضوع پیشنهاد آقای ساکتیان عرض کردم که این طرح وقتی ممکن است قابل قبول شود که وسائل عمل را مجلس شورای ملی فراهم کنند و مخصوصاً هم همین چند روزه بنده مذاکراتی با وزارت مالیه میکردم که یک چیزی را برای مزارع تخصیص بدهند که به مجلس بیاید و تصویب بگذرد.

امروز که خوشبختانه آقایان متوجه این نکته شدند بنده به آقایان نمایندگان تذکر میدهم که بودجه مزارع تمام مملکت ایران فقط حدود هزار تومان است حالا باین حال بستم بنظر آقایان است اگر این را تصویب فرمایند البته در مدارس در ولایات و ایالات و قریات و غیره بکلی از مزارع دورند دائر می شود و اگر از تصویب نگذرد باید تکلیف دیگری معین شود.

نایب رئیس - آقای شریعتی متوجه (اجازه)

شریعتی - عرض میکنم چون تأثیر

قبول پیشنهاد ایشان قابل اهمیت است بنده قبول میکنم

نایب رئیس - رأی می گیریم بماده اول

حائری زاده، بابتصره.

نایب رئیس - اگر تأمل کنید بهم می رسید. رأی میگیریم بماده اول که مشتمل بر چهارده جزء دو تبصره است با حذف کلمه یاد نک بر حسب پیشنهاد آقای شیروانی آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اگر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. اگر آقایان موافقت کنند جلسه را ختم میکنم جلسه آتی روز سه شنبه چهارم از ظهر دستور بقیه قانون میزنی.

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی سید محمد تدین منشی م. شهاب منشی و دکتر احتشام طباطبائی

جلسه ۲۰ صورت مشروح مجلس ۳ شنبه هفتم مهر ماه هزار و سیصد و چهار

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای حسینخان پیرتیا تشکیل گردید.

(صورت مجلس یکشنبه پنجم مهرماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای شوشتری (اجازه)

شوشتری - بنده قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای حاج حسن آقا (اجازه)

حاج حسن آقا - بنده هم قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - آقای فرمند را غالب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان بی اجازه نیستند کمیسیون مرخصی ایشان را تصویب کرده است ولی چون کمیسیون معین نداشته است خبر آنرا به مجلس نیاوردند باید با اجازه ثبت شود.

رئیس - صورت مجلس اشکالی ندارد؟

حائری زاده - بنده عرض دارم.

رئیس - بفرمایند.

حائری زاده - یک مسئله است که در اداره مباحث هم محل ابتلاء شده است و در صورت مجلس امروز هم نوشته نشده

قبول پیشنهاد ایشان قابل اهمیت است بنده قبول میکنم

نایب رئیس - رأی می گیریم بماده اول

حائری زاده، بابتصره.

نایب رئیس - اگر تأمل کنید بهم می رسید. رأی میگیریم بماده اول که مشتمل بر چهارده جزء دو تبصره است با حذف کلمه یاد نک بر حسب پیشنهاد آقای شیروانی آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اگر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. اگر آقایان موافقت کنند جلسه را ختم میکنم جلسه آتی روز سه شنبه چهارم از ظهر دستور بقیه قانون میزنی.

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی سید محمد تدین منشی م. شهاب منشی و دکتر احتشام طباطبائی

جلسه ۲۰ صورت مشروح مجلس ۳ شنبه هفتم مهر ماه هزار و سیصد و چهار

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای حسینخان پیرتیا تشکیل گردید.

(صورت مجلس یکشنبه پنجم مهرماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای شوشتری (اجازه)

شوشتری - بنده عرض میکنم که کمیسیون مبتی بر حفظ حیثیت مجلس شورای ملی است.

البته بر تمام مافرض است که حیثیت مجلس شورای ملی را حفظ کنیم اگر حیثیت فرد فرد ما معفوظ است.

آقای مدرس یک اظهاراتی فرمودند البته همه ماها از این پیش آمد متاثریم ولی یک شهرتانی در طهران داده شده است که عمدتاً برای من بیچاره است خلاصه مطلب این است و این عرضی که میکنم از نقطه نظر عزیزست زیرا من هر عقیده داشته باشم نماینده مجلس شورای ملی هستم و می آئیم اینجا و اظهار عقیده خودم را میکنم و از هیچ مقامی هم ملاحظه نمی کنم و از نقطه نظر اینکه یک عدد اگر بنا شود برخلاف واقع یک شهرتانی بدهند و یک هندساری را متهم کنند بافترا و کذب و دروغ و تهمت و هر چه تصور بفرمائید برخورد حتم و فرض دیدم که بیایم در این مقام رسمی و رسماً عرض بدارم که شهرت هائی که نسبت بین داده اند تمام افترا و کذب بهتان است.

بنده آنروز یک نفر عابر بودم و از بازار عبور میکردم ریختند بنده را کشیدند از دست آنها فرار کردم آدمم بمجلس رفتم در کمیسیون عرایض بعد آمدند گفتند جمعی آمده اند بمجلس شورای ملی بنده با آقای حاج حسن آقا ملک و قهیچ الدوله ایر اشرف از درب مطبخه رفتیم بیرون سوار شدیم رفتم شهربان حالا مراجعت کردم آنجا هم یک واقعه عجیبی برای بنده پیش آمد از توپیل پرت شدم علت اینکه در یک شهری یک نفر نماینده را مورد تهمت

و افترا قرار میدهند چیست؟

بنده میدانم از چه ناحیه است از همان ناحیه است که میخواهند آب گل آلود نهد ریاست آقای نایب رئیس تشکیل شده است و میخواهند درختی که در این مملکت تازه بشمر میرسد قطع کنند و نگذارند میوه بدهد. بنده دشمن شخصی دارم. بنده هیچ عبارتی (با حفظ عقیده خودم) نگفتم امروز عقیده ام این است که نماینده نباید در اجتماعات برود زیرا دو سال قبل هم رئیس محترم مجلس شورای ملی اعتراض کرده بودند یکی از نمایندگان که چرا در اجتماعات رفته آید که مورد اعتراض واقع شوید.

بنده تکذیب میکنم چیزی نگفتم ام چرا از هر ناحیه این کلمات را برای من میگویند برای اینکه بنده و اغلب آقایان بوظیفه نمایندگی عمل کرده ایم بیست روز قبل بنده راجع بنان و جریانات دیگر در مجلس حرف زدم یا تمام عقیده حرف زدم بنده ملاحظه میکنم و این عرایضی که میکنم نه از ترس جان است و نه از ترس و اله باله تاله از طرف مرضین و مقصدین این انتشارات را میدهند ای والدی فاق العیبه و برالعنینه

نظر باینکه خاطر محترم نمایندگان را تذکر بدهم که خاطر محترم آقایان متوجه شود عرض میکنم از همان نواحی نسبت به آقای مشیرالدوله اسائه ادب کردند و خیال داشتند نسبت به مقام محترم ریاست هم اسائه ادب کنند و شاید استقلال مملکت را بر باد دهند.

جمعی از نمایندگان (با همهمه) اینطور نیست.

رئیس آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - عرض ندارم

رئیس - آقای حاج حسن آقا (اجازه)

حاج حسن آقا ملک - بنده راجع بکمیسیون عرایض میخواستم شرحی عرض آقایان و کلام محترم برسانم.

کمیسیون عرایض یکی از کمیسیون های پر مشغله مجلس شورای ملی است و بالتبع همه هفته شش روز منتهی میشود و متظلمین مجلس شورای ملی وقتی در وزارت دولتی از هر جهت راجع باجاری قوانین مایوس میشوند، بالاخره متوسل میشوند به مجلس شورای ملی در عرض این مدت که بنده در کمیسیون عرایض مشغول خدمت بودم اغلب مراجعاتی که بوزارتخانه ها شده است باینکه جوابهای غیر قانونی داده اند.

یابکلی از موضوع خارج بوده است فیراز وزارت جنگ مسئله وزارت جنگ را هم تصور نشود که بنده از نقطه نظر کلمات عادی نایب ناجی نادرو امثال اینها میگویم خیر یک دوسیه هائی در کمیسیون عرایض تشکیل شده است جواب هائی که از وزارت جنگ رسیده است اغلب رضایت بخش بوده است بکمیسیون عرایض یک تهاجماتی می شود و یک اعتراضاتی میکنند.

بنده تصور میکنم که اعتراض اغلب از متظلمین وارد باشد زیرا کمیسیون عرایض که بنده عرض کردم کمیسیون خیلی مهمی است کمیسیون با این آب و تاب فقط وسیله ارسال مراسلات است حدودی برای این کمیسیون معلوم نشده که این کمیسیون اگر دید یک وزارتخانه بیک نفر تمدی کرده است تکلیفش چیست؟

مثل اینکه یک وزارتخانه رسماً نوشته است بوزارت عدلیه که هر حکمی از عدلیه بر علیه این وزارتخانه صادر شود این وزارت خانه آن حکم را موثر نمی داند و بالاخره یک شخصی متظلمی حکمی صادر کرده است از وزارت عدلیه و وقتی که می آید اینجا مراجع میشود یک جواب هائی میدهند که بکلی از موضوع خارج است.

بنده میخواستم از آقایان و کلام محترم استدعا کنم که یک فکری برای کمیسیون عرایض فرمایند که مردم بالاخره از کمیسیون عرایض مایوس نشوند و عرض دیگری ندارم همین را خواستم. عرض برسانم

جمعی از نمایندگان - دستور

رئیس - وارد دستور شویم؟

جمعی از نمایندگان - بلی

رئیس - ماده دوم قانون میزنی قرائت میشود

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده دوم - در صورتی که مأمورین مالیه بواسطه بدی جنس از قبول عین محصول ملکی استنکاف نمایند مودی مالیه میتواند بقیمت متوسطه جنس آن بلوک در شهر یور ماه و مهرماه نقداً تسعیر نموده قیمتش را بپردازد.

تبصره - مقصود از مالیهات جنس گندم و جو و شاتوک است و بقیه مایات تسعیر و جو و مالیهات نقدی منظور خواهد شد

رئیس - آقای میرزا بدله خان (اجازه)

آقا میرزا بدله خان - بنده موافقم

رئیس - آقای عباس میرزا (اجازه)

عباس میرزا - بنده مخالفم باین ماده دوم بواسطه این مسئله اخذ جنس است اصلاً بنده تصور میکنم اشکالی که در اداره مالیه ایران هست بواسطه اخذ جنس است تمام زحمت هائی که برای جمع آوری و

انبار کردن و حمل و نقل آن می شود تمام از طریق اخذ جنس است. و عقیده بنده این بود که ما بطوریکه برای سایر حکومتات تماماً تصویب می شود برای گندم و جو و شاتوک هم یک محدود متوسطی معین کنند و هر دهی یک مالیهات نقدی بپردازند و مالیهات نقدی بپردازند و مالیهات نقدی بپردازند و مالیهات نقدی بپردازند

اولاً این ترتیب بودجه مملکتی را متوازن نمیکند. و اگر بنا باشد مالیهات را از این جنس بگیری و چون قیمت در هر سال فرق میکند بگرفت خرواری ده تومان یک بودجه مملکتی را متوازن میکند و برای مودیان مالیهات هم اسباب اشکال است و شکایاتی که اغلب از مالیه می شود بواسطه آفتها و ته انبارها است و این ترتیب هم اسباب زحمت مأمورین مالیه و هم اسباب زحمت رعایاست.

بعلاوه اخذ مالیهات از عین جنس در تمام دنیا متروک شده است.

پس حالا که مجلس یک اصلاح اساسی در وضع مالیهات میکند این مسئله را هم که بعقیده من یکی از قضایای مهم است خوب است اصلاح کنند.

این بود عقیده بنده و پیشنهاد می دارم این موضوع تقدیم خواهیم کرد که مالیهات نقداً گرفته شود

مخبر - قسمت عمده اظهارات شاهزاده عباس میرزا این بود که ممکن است مالیه در موقع معین جنس را تحویل نگرفته و بگذارد برای آخر سال و از این راجع اشکالی برای مودیان مالیهات فراهم شود ولی یک اختیار هائی در این ماده بمالیات دهنده داده شده است که هر وقت بخواهند مالیهات خود را بپردازند در دو ماه که عبارت باشد از شهریور ماه و مهرماه معین شده است که حتماً بپردازند اگر چنانچه تأخیری بیفتد بعهده خود مالیهات دهند و الا اگر مالیهات دهنده جنس را بپردازند و بدهد مأمورین مالیه مجبورند تحویل بگیرند و بعقیده بنده این قسمت اشکالی ندارد.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده اگر چه اساساً معتقدم که همانطور که شاهزاده اظهار کردند بایستی مالیهات نقدی بشود زیرا هم صرفه دولت در این است و هم صرفه مردم مازاد را باید از آن و سلف نفروشد و بملتی ضرر میکند.

البته باید جنس را جنس و نقد را نقد بگیرند. از آن طرف این اختیار را که می فرمایند بمالیه داده اند شاید بود بیان مالیهات داده شده زیرا نوشته نشده است چقدر تسعیر کنند نوشته شده است در شهر یور ماه و مهرماه مالیهات دهنده تسعیر نمایند بعقیده بنده مالیهات جنس باید جنس و نقدی نقد باشد.

تحت فشار بگذارند و اگر مالیهات نقدی شود مردم از تمام این زحمات راحت می شوند دولت هم راحت می شود برای اینکه بخار جنس کمتر است انبار و انبار دار نمیخواهد. اساساً عقیده بنده این است که مالیهات باید نقد باشد و از آن طرف هم برای اینکه جنس داشته باشد همان خالصیات دولت و خالصیات انتقالی که در آتیا تکلیف معلوم خواهد شد کافی خواهد بود و بعقیده بنده مالیهات باید نقدی باشد که هم صرفه مردم وهم صرفه دولت را متضمن باشد.

بالاخره اگر هم بنا شود جنس بگیرند این ماده اختیار را بکلی بمالیه داده است که جنس بگیرند و اگر جنس بدهد مالیه نخواست در آنجا مالیهات دهنده تسعیر کنند این چیز غریبی است اگر مالیهات جنسی است مالیه مکلف است هر چه جنس ملک است بگیرد و اگر نقدی است همه را نقدی بگیرند و هیچ فلسفه ندارد که مالیهات را جنس معین کنند و اختیار را بدست همین مالیه بدهند که در هر کجا میل دارد نقدی و در هر کجا میل دارد جنس بگیرد بعلاوه تسعیر هم معلوم نیست همه ساله باید تسعیر شود باینکه همان یک دفعه است.

لذا عقیده بنده این است که مالیهات نقدی باشد اگر هم مجلس نظر دارد که حتماً جنس باشد این ماده را حذف کنند و بنویسند وزارت مالیه مکلف است عین جنس محصول آن ملک را از مالیهات دهند و بپردازند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - کلیه اگر ما رسائل حمل و نقل داشتیم می شد که مالیهات را جنسی کرد ولی حالا که وسائل حمل و نقل بقدر کافی نداریم نمی شود زیرا در تمام نقاط ایران اینطور نیست که جنس مشتری داشته باشد در نواحی ایران جاهائی هست که جنسشان عموماً گندم و جو است

وقتی بخواهند بفرشند مالی که جنس خوب است قیمت آن تقریباً خرواری ۳ تومان یا کمتر است و شش ماه هفت ماه جنس می ماند مشتری برایش پیدا نمی شود. و اگر هم بنا باشد مالیه بخواهد مالیهات را نقد بگیرد این بر ضرر رعایا است زیرا باید ارزاق و سلف نفروشد و بملتی ضرر میکند.

البته باید جنس را جنس و نقد را نقد بگیرند. از آن طرف این اختیار را که می فرمایند بمالیه داده اند شاید بود بیان مالیهات داده شده زیرا نوشته نشده است چقدر تسعیر کنند نوشته شده است در شهر یور ماه و مهرماه مالیهات دهنده تسعیر نمایند بعقیده بنده مالیهات جنس باید جنس و نقدی نقد باشد.

حالا اختیار مالیه را میخواهند محدود کنند بنده هم عرضی ندارم ولی در این قسمت که باید جنس باشد بنده جداً موافقم. البته باید آسایش مردم را هم در نظر گرفت.

اینکه می فرمایند نقد بدهند از کجا بدهند؟ بلی اگر ما خط آهن داشتیم که ممکن بود جنس را زود با طرف حمل کنند و بفرشند صحیح بود ولی غالب اوقات میشود که اداره مالیه هزار خروار جنس دارد و هر چه اعلان میکنند کسی نمیخرد خوب است بدفایر مالیه مراجعه فرمایند تا صدق عرایض بنده معلوم شود (بعضی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است و همه میگویند کافی نیست)

رئیس - رأی می گیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند.

رئیس - تصویب نشد آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - چون این قانون یکی از قوانین فوق العاده مهم است لذا هر چه در اطرافش بیشتر مطالعه و شور و شوق بهتر است مادر سربك مسائل جزئی مدتها حرف می زنیم اما در موضوع یک همچو قانون باین مهمی خاصه اینکه مالیهات را نقدی بگیریم یا جنس باین زودی نباید گفت مذاکرات کافی است.

بنده عقیده ام اینست که مالیهات بطور عموم باید نقدی باشد چنانچه در شور اول هم این پیشنهاد را کردم زیرا هم صرفه دولت است و هم اسباب آسایش و رفاه مودیان مالیهات اعم از رعیت یا مالک خواهد بود. مالیهات جنس اولاً همیشه بودجه مملکت را در حال تزلزل نگاه می دارد برای اینکه نرخ جنس هر سال تفاوت دارد و در هر سال ممکن است پنج شش کرور از این بابت هابدی داشته باشیم.

یعنی قیمت های مختلف مالیهات جنسی داشته باشیم. و وقتی قیمت قدیم کنیم ممکن است یک میلیون در آخر سال تفاوت عمل داشته باشیم و میزان کلی را که در موقع تدوین بودجه در نظر گرفته می شود نمی توان مناط قرارداد زیرا محتمل است یک میلیون مثلا از بابت کسر قیمت کسر عمل پیدا کنیم و در نتیجه آخر سال بودجه مملکتی را متزلزل کند.

باین جهت باید مالیهات نقدی شود و اگر فرضاً دولت جنس لازم داشته باشد ممکن است خریداری کند و مثل یک نفر کاسب معامله میکند هیچ اشکالی هم ندارد چنانچه الان هم همینطور است چون اداره ارزاق نمی تواند با مالیهات جنس دولت ارزاق مرکز و شهرها را اداره کند لذا مجبور است جنس خریداری کند یکی

